

بہر نامہ دریں آئینہ دارسی مدنی  
کا امتحان فقط ہے

(۱) دانشی (تئوری) :

- آئینہ دارسی مدنی ۱ ← ۱۲ ساعت
- آئینہ دارسی مدنی ۲ ← ۱۶ ساعت
- ادلہ اثبات دعوی ← ۱۲ ساعت

(۲) مہارتی (کارگاہی) :

- صلاحیت، شروع و ترتیب رسیدگی ← ۸ ساعت
- دعاوی ثلاثیہ ← ۱۴ ساعت
- دادرسی، طواری و حکایت از آزاد ← ۱۲ ساعت
- اجرائی احکام مدنی ← ۲۰ ساعت

تقریبات،

### قوانین و مقررات آ. د. م. و اجزای احکام م. م. ح. م. ح.

- ۱- قانون آ. د. م. مصوب ۷۹
- ۲- قانون اصلاح قانون تشکیل دستگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۸۱ (قبله = ۷۳)
- ۳- قانون اجزای احکام م. م. ح. م. ح. مصوب ۵۶
- ۴- قانون نحوه اجزای محکومین های مالی مصوب ۹۳
- ۵- قانون نحوه وصول برضی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۷۳
- ۶- قانون تفکیکات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۹۲
- ۷- قانون اصلاح قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۹۴ (قبله = ۶۶)
- ۸- قانون نحوه اجرای حل اختلاف مصوب ۹۴
- ۹- قانون طایب از خانواده مصوب ۹۱
- ۱۰- قانون نحوه اجزای اصل ۴۹ قانون اساسی مصوب ۶۳
- ۱۱- قانون نحوه پرداخت محکومین به دولت و عدم تأسیس و توقیف اموال دولتی مصوب ۶۵
- ۱۲- قانون راجع به منع توقیف اموال منقول و غیر منقول متعلق به شهرداریها مصوب ۶۱
- ۱۳- قانون نحوه وصول مطالبات بانکها مصوب ۶۸
- ۱۴- قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵
- ۱۵- قانون کیفیت اقدیر و انبوه وکالت دادگستری مصوب ۷۶
- ۱۶- قانون طایب قضائی از بسبب مصوب ۷۱
- ۱۷- قانون استناد محضی از دستگاهها از بنای حقوقی در راجع قضای و عاقبت از توفیق داری
- ۱۸- قانون حمایت قضائی از کارکنان دولت و پرسنل نهادهای ملی مصوب ۷۶
- ۱۹- ماده ۱۸۷ قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه مصوب ۷۹
- ۲۰- قانون اصلاح ماده ای از قوانین دادگستری مصوب ۵۶ (مواد ۵ و ۸ و ۳۱)
- ۲۱- لایحه قانونی خصوصیت خروج به کارکنان بانک مصوب ۵۹
- ۲۲- ماده ۴۷۷ قانون آ. د. م. ح. مصوب ۹۲ (آراء قطعی خلاف بین شرح)
- ۲۳- جدول شماره ۱۶ قانون بودجه سال ۹۵ کل کشور مصوب ۹۴
- ۲۴- ماده ۱۷۵ قانون آ. د. م. ح. مصوب ۹۲ (ابلاغ الکترونیکی)
- ۲۵- مواد ۶۴۹ تا ۶۶۳ قانون آ. د. م. ح. مصوب ۹۲ (دادرسی الکترونیکی) [B]

- ۲۶- قانون تنظیم محسبی از مقررات مالی دولت مصوب ۲۶
- ۲۷- قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۹۳
- ۲۸- بنده الف تبصره ۱۸ قانون متمم بودجه سال ۷۷ مصوب ۲۵، ۳۱، ۴۸ (در مورد بنده الف تبصره ۱۸ قانون بودجه ۷۷)
- ۲۹- ماده ۲ قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۲۶ (مراجع دولتی)
- ۳۰- ماده ۵ قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۲۶ (نوسانات عمومی خوددولتی)
- ۳۱- قانون استفساریه تبصره الحاقی به ماده ۲ قانون اصلاح بوداری از قانون قبل مصوب ۷۷ (در مورد حساسات تأخیر تادیه وجه حساب)
- ۳۲- قانون امور محسبی مصوب ۱۳۱۹
- ۳۳- قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۷۲

مانند اصول و مقررات محسبی - مصوب در محکمات محسبی - محسبی  
 آیین دادرسی جزایه - جزایه

اصول و مقررات محسبی (ماده تبصره ۱۸ قانون متمم بودجه سال ۷۷) - در این مورد استنادات آدم رسیده در محسبی  
 مشروطه دارد و این مورد استنادات  
 سررسید کنیم

ب) آیین نامه ها و دستورالعملها :

- ۱- آیین نامه اصلاحی قانون ثبت اسناد و املاک ها جمهوری و انقلاب مصوب ۸۱ ر.ق.ق
- ۲- آیین نامه اجرائی قانون محرمات حمل اختلاف مصوب ۹۵ ر.ق.ق
- ۳- آیین نامه دارسراوسه گاه و نثره روحانیت مصوب ۲۲ مقام هجری (ماده ۱۴)
- ۴- آیین نامه اصلاحی رسیدگی به پرونده های موضوع اصل ۴۹ قانون اساسی مصوب ۸۶ ر.ق.ق
- ۵- آیین نامه اجرائی ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه مصوب ۸۱ ر.ق.ق
- ۶- آیین نامه تعرفه حق الوکاله و حق الشاوری و کارشناسی و کارشناسی مصوب ۸۵ ر.ق.ق
- ۷- دستورالعمل تعرفه دستمزدها کارشناسان رسمی دادگستری مصوب ۹۲ ر.ق.ق
- ۸- آیین نامه اجرائی خدمات الکترونیک قضائی مصوب ۹۱ ر.ق.ق
- ۹- آیین نامه نحوه استفاده از سامانه های رایانه ای محاسبی مصوب ۹۵ ر.ق.ق
- ۱۰- بخشنامه کتوفت سازی هزینه های راداری مصوب ۹۵ ر.ق.ق
- ۱۱- بخشنامه ۴۴۲۵۴/۱۵۰۸۸ معاون اول ر.ق.ق جمعیه ابلاغی ۲۵، ۱۹، ۱۸ (در مورد نامه کتوفت)
- ۱۲- بخشنامه ۴۴۷۴۱ مورخه ۲۹، ۲۰، ۸۹ معاون قاضی و نظارت بر امور قضائی دستگاه های اجرائی معاون حقوقی ریاست جمهوری (در مورد تکالیف کتوفت اجرائی)
- ۱۳- آیین نامه اجرائی قانون الحاق کلیه بقعه به ماده ۸۲-۱ قانون مدنی مصوب ۷۷ هیات وزیران (در مورد نحوه بهای سهمیه به شیخ روز)
- ۱۴- جدول شفاف سازی کالاهای خدمات بهر فی در مناطق شهری ایران در فصل مجامع ابلاغی سالانه از سوی بانک مرکزی



\* محرم‌های مقایسه علم حقوق و دانش فقه

۱) تعریف: العلم بالا احکام الشرعیه الفرعیه عن ارتقا التفصیلیه  
تعریف حقوق: دانشی که قواعد و احکام برای اجرای امر از این جهت که در اطناب هسته

پس: فقه و حقوق هر دو در بر طبع قواعد و احکام برای اجرای امر است اما فقه عام تر است چون حقوق فقط ناظر به قواعد و احکام برای اجرای امر از جهت در اطناب است

۲) مسائل: مسئله فقهی: تشابه بر قسم شرعی است که از ناصیه شارع و وضع شده و اینم از حکم کلی و وضعی است

مسئله فقهی: غالباً تشابه بر قاعده کلی و الزامی است و از این جهت تشابه است

۳) موضوع: موضوع فقه: عبارتند از افعال تکلیفی: اشکال و اشیاء و اشیاء که در مورد متعلق حکم تکلیفی یا وضعی قرار می‌گیرد

موضوع حقوق: عبارتند از افعال اکتسابی اجرای امر وضعی و حقوقی و اشیاء و اشیاء که در مورد متعلق حکم وضعی قرار می‌گیرد

۴) قلمرو: قلمرو فقه: عام است و شامل افعال عباری و مناسبات اکتسابی اقتصادی است  
قلمرو حقوق: تنها شامل قواعد و احکام بر مناسبات اکتسابی و اقتصادی است

۵) مبانی (مبانی شرعی و عقلی): در فقه: در عبارات، تطبیق حق اطاعت بر مناسباتی مولود است از این جهت که او در جهت ذالقی و منجبت است و در - معاهدات، تطبیق عدالت است

در حقوق: عدالت یا قدرت رولت یا اراده عمومی مطرح است که تطبیق بر مناسبات اکتسابی (مقدمه ای برای حصول آثار و لذا اهمیت از مناسبات است)

۶) هدف (علت غایی): در فقه: با توجه به اصالت فرود آمدن مردم بر پایه نظم اکتسابی را هدف اولیه و عدالت اکتسابی را هدف میانی و تکامل و قوس الهی را هدف نهایی دانسته اند  
در حقوق: هدف: تأمین آرامش و نظم عمومی و اجرای عدالت است

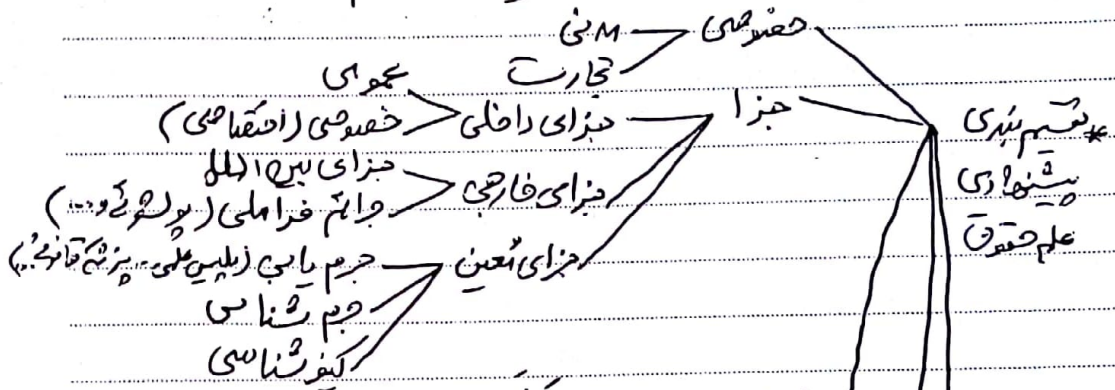
۷) منبع (مقام قدرت منشاء الزام): در فقه: در مناسبات تکلیفی و عدالت، هدف نهایی است که از اراده الهی است  
در حقوق: مردم (اراده مردم) منبع اصلی تمام قواعد حقوقی است

۸) منطق (روش منطقی): در حقوق: استفاده از اصول ادسی و قواعد منطقی برای کشف اراده مقنن (رولت) - یا استفاده از آثار و روایات برای کشف (استقراء) برای شناخت روابط عقلی و معلولی در هر مورد  
در فقه: اصول فقه همان منطق فقه است که مشتمل بر مبانی عقلی و (اقتضای شرعی) و قواعد عقلی است. لذا از یک جهت در هر دو فقه حقوق

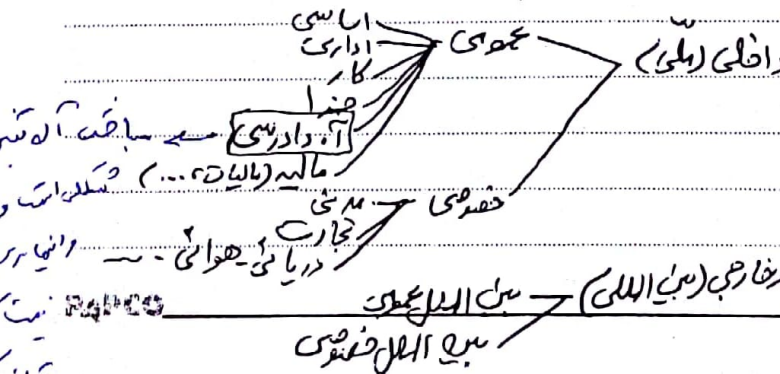
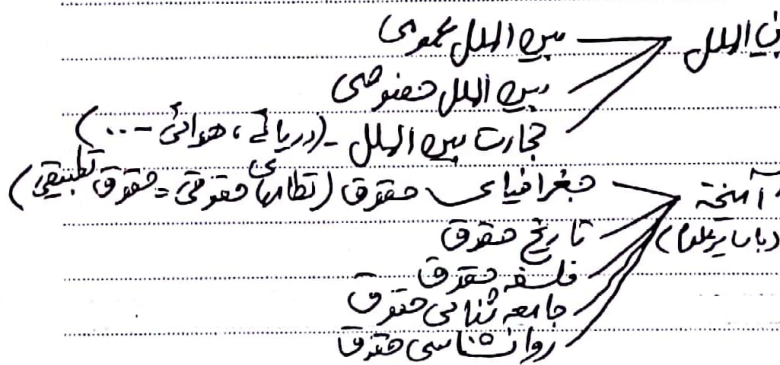
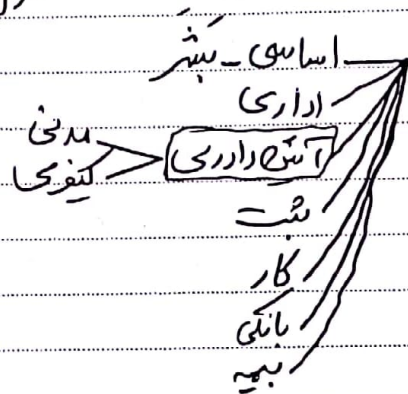
۹) تسبیحات: در فقه: عبادات، عقود، اکتسابات، اعلام (حقانیت، جرات، امانت) در حقوق: تصرف، عمری، خدایه، بیع، امانت

در صورت اشتراک فقه در روش و منطق آن است منطق فقه همان فقه است و منطق در و در حقوق هم در روش و منطق و در ظاهر الفاظ است در بعضی موارد در فقه و علم و عقل و فقه و در اشتراک فقه و حقوق که در روش آن است

# دوم) مفاهیم علم حقوق و جایگاه آن در علم



تقسیم بندی  
مبانی  
علم حقوق



تقسیم بندی  
مبانی  
علم حقوق  
در کتاب مقدمه  
علم حقوق  
دکتر کاتوزیان

سابقه آن است که در نظام حقوقی ایران در ابتدا  
مسئله است و سربربط به نظام دارایی است  
و اینها بر ربط به نظام حکومت و غیره  
نیت که طرفین بتوانند بر وجه  
توانند دسترس

جامعہ (مہذبہ) مقررات آ. د. م. ۶

۱) اصولاً مقررات آ. د. م. و اوپر احکام میں درجہ اولیٰ شکیلی، مقررات مادر و ترمیم مجموعہ مسعودی و در مولد سکوت سایر قوانین شکیلی مانہ آ. د. م. و اوپر احکام لیکچرفونہ باید بہ مقررات مادر شدہ رجوع کر

- بعد از سوال بہ مادہ ۱۵ آ. د. م. سے مطالبہ ضرور کیا جائی (ہجوم) مستلزم ہے۔

تشریحات آ. د. م. است

- صفحہ پورا آ. د. م. } مادہ ۱۷۷ آ. د. م. سے اصلاح اور باقی قضائی برابری آ. د. م. است
- مادہ ۳۱۷ آ. د. م. سے حل اختلاف در صلاحیت، طبقہ ۱۱۱۱
- مادہ ۴۳۶ آ. د. م. سے تجدید نظر فاضلی ضرور کیا و فونڈ آن، طبقہ ۱۱۱۱
- مادہ ۱۰۹ آ. د. م. سے اجراء و تاسیس خزانہ در اسراء، طبقہ ۱۱۱۱
- مادہ ۱۱۱ آ. د. م. سے رسیدگی لنگاہ حقوقی بہ اعتراضات یہ صرف اصولاً بطوریت
- مادہ ۲۴ آ. د. م. سے اجراء در ترمیم ضبط و ضبطہ در اسراء، مطابق ۱۱۱۱
- مادہ ۵۲۹ آ. د. م. سے توفیق فقہی محترم علیہ مالی، طبقہ ۱۱۱۱
- مادہ ۵۳۷ آ. د. م. سے ترمیم و فونڈ اموال در اجراء کیسی، مطابق ۱۱۱۱

رجوع بریں اظہر احکام میں

۲) مجموعہ مادہ ۱ قانون آ. د. م.، مقررات این قانون، علاوہ ہر اصلاح قضائی، برای سایر اصلاحی کہ مجموعہ قانون موظف بہ رعایت آنہی باشد تہ الزامی سایر اصلاح مانہ ۳ دیوان عدالت اداری، سازمان تفریحات حکومتی، ہیئتار مالیاتی، بیہ تاسیس احتیاجی، و۔۔۔۔۔

۳) در قانون امور سعی، مواد ۵، ۷، ۱۶، ۱۷، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۴۵، ۴۷، ۴۸، ۱۲، مقررات آ. د. م. را در موارد نیابت قضائی، صدور اختلاف در صلاحیت، حکم ہوا بعد موافقت با کسی مربوط بہ مسامت، اصلاح اور اقا، رجوع تجدید نظر فاضلی، مدت تجدید نظر فاضلی، ترمیم طلبہ رسیدگی و دعاوی قابل تجدید نظر فاضلی، حاکم دانستہ است





### چهارم) تاریخچه مقررات آرام:

- \* نخستین قانون در این وضع ← قانون "اصول محاکات حقوقی"  
مصوب ۱۳۲۹ ه. ق. / ۱۳۸۹ ه. ش
- \* قانون بعدی (۳ ماده) ← قانون ۱۰ آئین دادرسی مدنی  
مصوب ۱۳۵۹ ه. ق. / ۱۳۱۸ ه. ش
- \* قانون فعلی (۶ ماده) ← قانون ۱۱ آئین دادرسی مدنی  
مصوب ۱۴۲۱ ه. ق. / ۱۳۷۹ ه. ش

\* قانون فعلی در حقیقت همان قانون بالائی شده سال ۱۳۱۸ است و آنکه بخش‌هایی از قانون قدیم در اثر وضع مقررات مغایر با نظایان شورای نگهبان عملاً نسخ شده بوده (مانند مرور زمان و...) و در قانون جدید، این موارد ابطال شده.

\* قانون فعلی آرام، صرفاً به "تسهیلات رسیدگی به دعاوی غیردراسته است و در مورد ساقطاً "تفکیلاتی مراجع قضائی" باینکه قانون دیگری بنام "قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب" مراعیه جز در یک مورد تصویب اولیه در سال ۱۳۷۳، با احیای دادرسی در سال ۸۱ اصلاح گردید.

بهای هفته اول  
۶۵۱۶۵

### بیع (فایده آیین دادرسی مدنی :

قانون ماهوی است که قانونی که شرایط ایجاد و زوال حق و وقوع و (تقررات تعیین کننده) آثار آن را مشخص می کند مانند مقررات قانون مدنی در باب اسباب تمکک یا سقوط عقود

قانون ماهوی است که قانونی که قانونی که شرایط ایجاد و زوال حق و وقوع و (تقررات تعیین کننده) آثار آن را مشخص می کند مانند مقررات قانون مدنی در باب اسباب تمکک یا سقوط عقود

قانون ماهوی است که قانونی که قانونی که شرایط ایجاد و زوال حق و وقوع و (تقررات تعیین کننده) آثار آن را مشخص می کند مانند مقررات قانون مدنی در باب اسباب تمکک یا سقوط عقود

مقررات آ.د.م در زمره مقررات شکلی قرار داده و نقش بسیار مهمی در استوار کردن نظامی کند. بیع همه تلاش قانونگذار و سیستم قضائی در مرحله دادخواستی مختصرا و این مرحله همان زمان است که مقررات آ.د.م از طریق نقش می گوید

### شکلی و برگی های قواعد و مقررات آ.د.م :

عام در امر تعیین بورد  
شکلی (تشریفاتی) بورد

آمره بورد  
عطف با سبق نهادن

برگی های قواعد

آ.د.م

- ۱) عام بودن یعنی در تمامی دعاوی مدنی و تجاری، و در تمامی مراحل (بدوی، تجدید نظر، و ...) کاربرد دارد
- ۲) در مورد شکلی بودن مقررات آ.د.م توضیح دارد
- ۳) در مورد آمره بودن مقررات آ.د.م :

قوانین امری - برای تأمین منافع عمومی جامعه وضع شده و مقام تعلیم و به اجرای آن اکتفا و لذا توافقات قضایی بر خلاف آنها ممکن نیست مثل عدم امکان انقطاع ضیاء تدلیس ( ماده ۲۰۰ آ.د.م)

تختیری (تکلیفی) - برای تأمین منافع خصوصی افراد وضع شده تا از اصلاح منافع آنها ایجاد شود، درگاه بر اساس آن حل اختلاف کننده مثل پرداخت من و مبلغ در محل انعقاد عقد بیع

مقررات آ.د.م  
مصلحت عام

مابین قضائی - امری  
مصلحت ذاتی - امری ولی مصلحت کلی، تکلیفی  
مصلحت عام - امری

\* قوانین

- آمده (امری) ← تراضی برخلاف انس ممکن نیست
- رسیدگی به آتش، نیاز به ایراد زینفع ندارد

تکلیفی (مخبری) ← تراضی برخلاف آتش ممکن است

- رسیدگی به آتش، نیاز به ایراد زینفع دارد





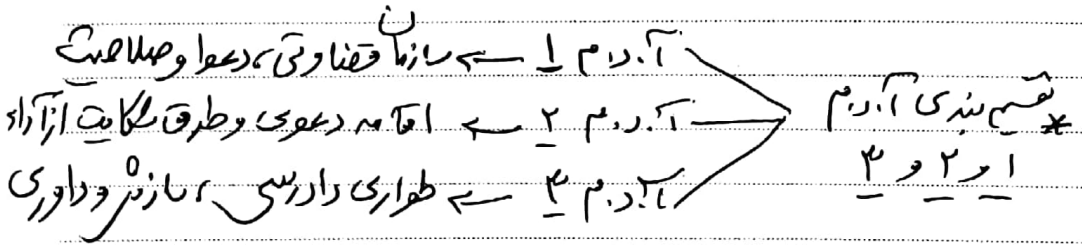
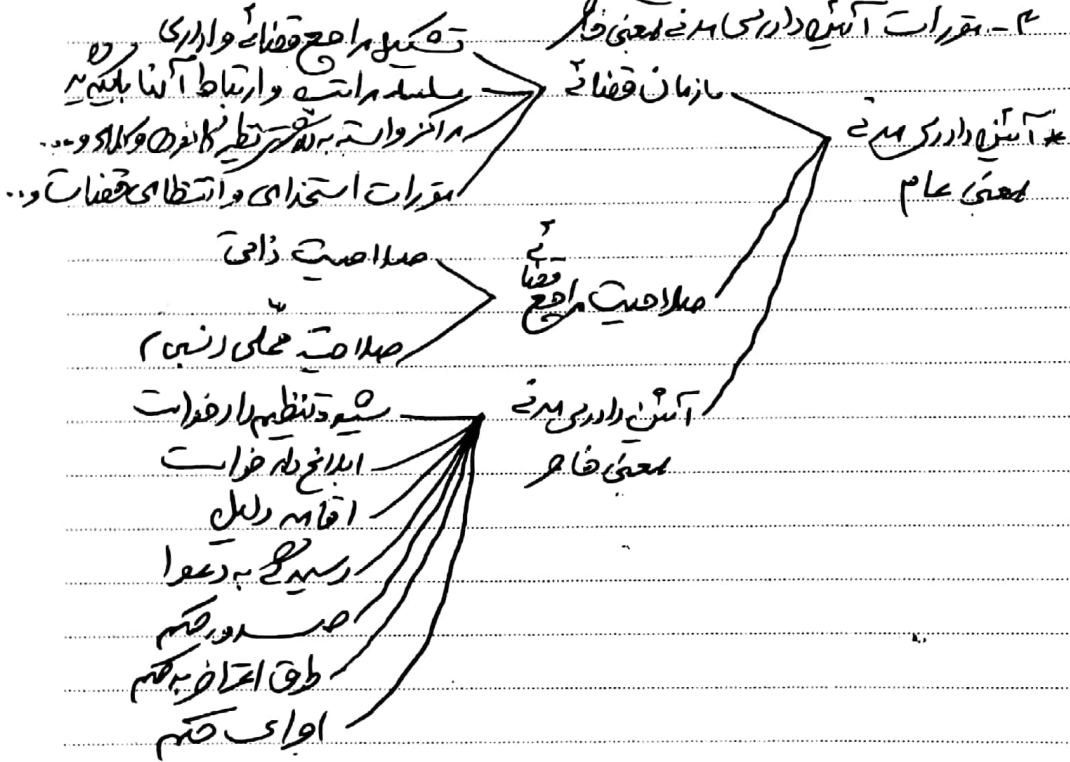
# صفت (ساختار کلی) باب ۵ آ. د. م :

\* آئین داری مدنی در معنی عام، شامل سه دسته مقررات است :

۱- مقررات مربوط به سازمان قضائی

۲- مقررات مربوط به صلاحیت

۳- مقررات آئین داری مدنی معنی خاص



### هستم منابع تحقیق در آئین دارسی مدنی

- ۱- آئین دارسی مدنی و بازرگانی - دکتر احمد مستوفی دقتی
- ۲- آئین دارسی مدنی لاهور گاهوار محوی و اهلکلاس - دکتر سید جمال الدین مدنی
- ۳- آئین دلدی مدنی و بازرگانی - دکتر محسن صدرزاده افشار
- ۴- آئین دلدی مدنی (دوره بنیادین) - دکتر عبداله شمس
- ۵- آئین دارسی مدنی (دوره پیشرفته) - دکتر عبداله شمس
- ۶- آئین دلدی مدنی - دکتر قدرت اله واحدی
- ۷- بایسته های آ.د.م - دکتر قدرت اله واحدی
- ۸- اثبات و دلیل اثبات - دکتر ناصر کاتوزیان
- ۹- آئین دارسی مدنی - دکتر علی عباس صیاتی
- ۱۰- آئین دارسی مدنی در نظم فقدهی کتونی - دکتر علی عباس صیاتی
- ۱۱- کلیات آ.د.م - دکتر علی عباس صیاتی
- ۱۲- مختصر آ.د.م - دکتر محمد مهدی توکلی
- ۱۳- آئین فقاوت مدنی در محاکم ایران - دکتر علی اهانوی
- ۱۴- شرح قانون آئین دارسی مدنی - دکتر علی اهانوی
- ۱۵- مبسوط در آئین دارسی مدنی - دکتر علی اهانوی
- ۱۶- قانون آ.د.م در نظم فقدهی کتونی - دکتر علی اهانوی
- ۱۷- آئین دارسی مدنی (۱) - دکتر علی اهانوی
- ۱۸- آئین دارسی مدنی - دکتر عباس کریمی و دکتر حمیدرضا پرتو
- ۱۹- آئین دارسی مدنی - دکتر گو درز افغانی اجموی و دکتر مصطفی السمان
- ۲۰- آئین دارسی مدنی (علوی و کابری) - دکتر بهرام بهرامی
- ۲۱- آئین دارسی مدنی - جلد اول - دکتر جسام بجرامی
- ۲۲- آئین دارسی مدنی فراملی - دکتر حسن حسینی
- ۲۳- آئین دارسی مدنی - دکتر نادر مردانی و محمد عبادی
- ۲۴- شرح جامع قانون آ.د.م - سر تقی دیندار
- ۲۵- آئین دارسی مدنی - سر کریمی و مهدی گرنجی



- ۲۶ - داری در حقوق اسلامی - دکتر محمد صبح ساکت
- ۲۷ - آئین داری مدنی عمومی - دکتر عبدالحمد درقنوی
- ۲۸ - قانون آ.ا.د.م، اندیشه تا قضائی - دکتر بنام حبیبی و رضوان رضایی
- ۲۹ - آئین داری مدنی - دکتر نعمت احمدی
- ۳۰ - محشای قانون آ.ا.د.م - دکتر عباس زراعت
- ۳۱ - مباحث دشوار آ.ا.د.م - دکتر نصرالله قهرمانی
- ۳۲ - کتاب جامع آئین داری مدنی - محسن آقامی صفت بگانت
- ۳۳ - آئین داری و احوال عامه در اویره کار آموزان (فغان) - دکتر فلاح رضا پور
- ۳۴ - قانون آ.ا.د.م در بطن فقوئی کتبی - علی نجابت سر محمدی و مهر اردکوتانی
- ۳۵ - آئین داری مدنی در آئینه اخبار - دکتر سید احمد بافتر
- ۳۶ - نسبت های فغانی مائل آ.ا.د.م - معاونت آموزش قوه قضائیه
- ۳۷ - مجموعه نکات ضروری و کاربردی آ.ا.د.م - دکتر سید احمد بافتر
- ۳۸ - مجموعه قوانین آ.ا.د.م - مصنف - معاونت تنقیح قوانین و مقررات جمهوری
- ۳۹ - مجموعه قوانین و مقررات آ.ا.د.م در سلسله عمومی و انقلابی در امریه - هزاراد مسیحی
- ۴۰ - قانون آ.ا.د.م - داد آفرین - امیر کمالوند
- ۴۱ - آئین داری مدنی - فزوه آموزی - داد آفرین - امیر کمالوند
- ۴۲ - نکات برتر آ.ا.د.م - داد آفرین - امیر کمالوند
- ۴۳ - نقش داری مدنی در تحصیل دلیل و کشف حقیقت بفر محمد پور استاد
- ۴۴ - روش های تقنینی قانون آ.ا.د.م - علی رفیعی
- ۴۵ - گنجینه طلایی آ.ا.د.م - محمد قهرمانی
- ۴۶ - تازه ساز آ.ا.د.م (مجموعه تست) - فرشید فغانکیان
- ۴۷ - کمک حافظه آئین داری مدنی در نظم تقنینی - علی طلاح (دورانیه)
- ۴۸ - آئین داری مدنی - مجموعه تست - سردار شریف - امیر آذربایجانی
- ۴۹ - مجموعه آ.ا.د.م - خیر دانش - نادر صحرایی
- ۵۰ - اصول آئین داری مدنی فواملی - دکتر محمد غلامی و دکتر حسن محسنی



۶ ماده ۶ ← اصل تکلیف صدور رای بطرف خاص

۵ ماده ۵ ← اصل قطعیت احکام (یک مرحله ای بودن)  
موارد استثناء آنقدر زیاد است که در قه تخصصی اگر  
(مواد ۴۳ تا ۴۴ و ۴۲۷ تا ۴۲۹)

۴ ماده ۴ ← اصل مطابقت قرار داد با نظم محلی و اخلاق  
تکرار مقدار ماده ۹۷۵ ق. آ. ر. م

۷ ماده ۷ ← اصل رعایت ترتیب در رسیدگی  
موارد استثناء ماده دعوی در رد ثالث (۱۴ آ. ر. م) و علیه ثالث (۱۳۵ آ. ر. م)  
که امکان آن در مرحله تجدید نظر (بدون سابقه طرح در بدوی) هم هست

۸ ماده ۸ ← قاعده فسخ در رسیدگی  
مطابق ماده ۱۵۵ ق. آ. ر. م سابقه در تقاضای پس از افضای رای، حق  
تغییر آنرا ندارد

استثنائات فسخ در رسیدگی  
۱) وافزایی، اعاده زاری، اعتراض ثالث  
۲) تصحیح موارد شکوه القلم (۲۹ آ. ر. م)  
۳) رفع ابهام و احوال از رای صادره  
۴) صدور قرار تأمین حقیقت یا دستور وقت  
۵) اختلافات ناشی از اجرای حکم (اعتراض ثالث اطلاق)

۹ ماده ۹ ← اصل تأثیر فوری مقررات آ. ر. م معنی فاقه

استثناء برای اهل عطف بر طبقه ناسدان قوانین



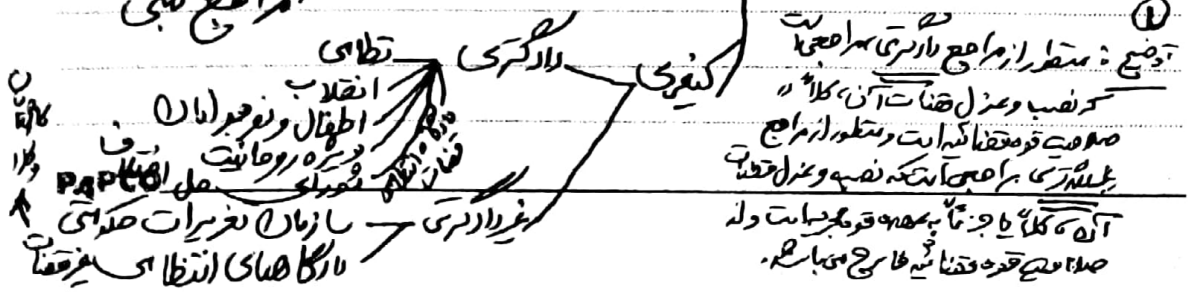
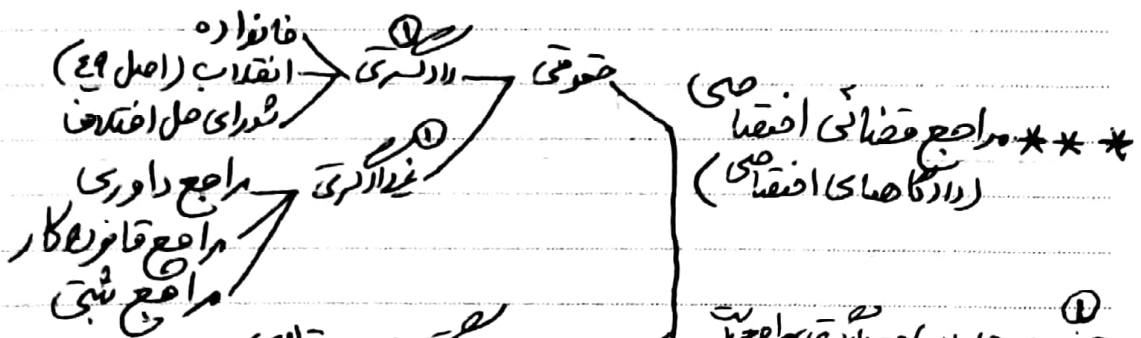
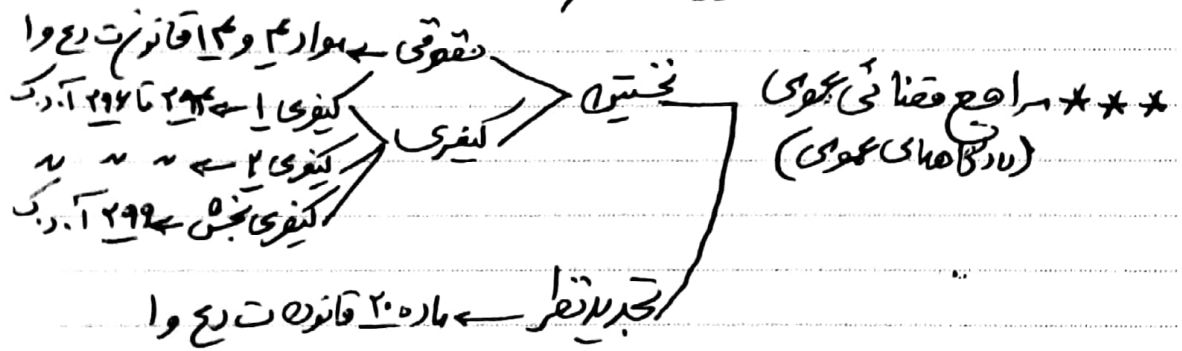
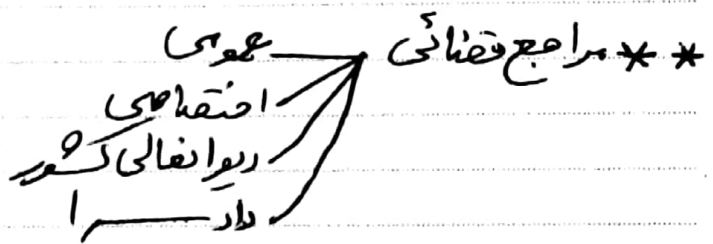
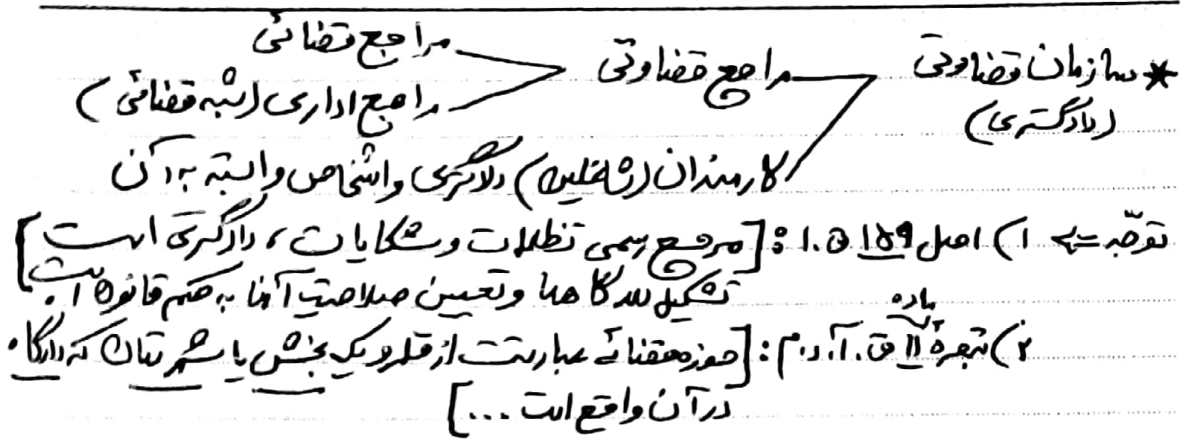


نام خدا

تاریخ گفتم

- ۱- رابطه فقه و حقوق
- ۲- شاخه های علم حقوق
- ۳- جایگاه آ. د. م (رشته ای - رشته ای)
- ۴- تعریف آ. د. م
- ۵- تاریخچه حقوق آ. د. م
- ۶- منابع تحقیقی آ. د. م
- ۷- فایده آ. د. م
- ۸- ویژگی های قواعد آ. د. م
- ۹- ساختار کلی ماده آ. د. م
- ۱۰- اصول دادرسی مدنی (ملی - فرا ملی)







\*\*\* دیوان عالی کشور  
اصل ۱۶۱

شرح وظائف  
تظارت بر اجرای صحیح قوانین در محالیم

ازبان  
دارسرا (دارسرای کل کشور) اصل ۱۶۲  
تظارت بر ادارات و موسسات  
شماره ۲۸۸ تا ۲۹۳ آ.د.ک

العیاذ  
تعب  
کیفی  
صورتی

اصول پایه‌های عمومی  
اصول کیفی  
اصول صورتی  
اصول روحی

۴۰۸ آ.د.م  
۴۰۹ آ.د.م  
۴۱۰ آ.د.م  
۴۱۱ آ.د.م  
۴۱۲ آ.د.م  
۴۱۳ آ.د.م

\*\*\* دارسرا

تاریخچه  
بدون تشکیل - از سال ۱۳۲۴  
حذف - از سال ۱۳۷۳  
اصلاح و تجدید - از سال ۱۳۸۱

سند قانونی  
ماده ۲۲ اصلاحی قانون تدریس و اساتذ  
ماده ۲۲ قانون آ.د.ک ۹۲

شرح وظائف  
در امور ضمانت  
۲۲ آ.د.ک

کف حجم  
تخصیص مستقیم  
آقایان عمومی و فقط فقرا  
اجرای صحیح کیفی

انواع  
دارسرای عمومی و اقتدار  
دارسرای نظامی  
دارسرای ویژه روحانیت  
دارسرای ویژه نوجوانان آ.د.ک  
طبق ماده ۲۲۸۵ آ.د.ک  
رصد ای از دادگاه عمومی و  
اقتدار است

دارسرای  
انضباطی

در امور ضمانت  
(امور قضایی)  
آقایان عمومی و روحانیت  
اعتراف به حقوق و اضرار حقوق  
بلاداری  
در ضمانت نصب و عزل قضای  
در ضمانت ضمیمه ناظر و اساتذ  
در ضمانت اعلام آداب و حج و غیره  
در ضمانت تعیین این بر این جنس  
در ضمانت تعیین این بر این جنس  
نظایب مستقره الای  
اداره اموال عمومی فاقه ۴۱۳

\* \* \* مراجع اداری (رئیس قضائی) عمومی - دیوان عدالت اداری

اصفاهمی - هیات ها  
کسین ها

واحد  
مأمورین  
واحد  
نقض  
رئیس  
هیات

\*\*\* دیوان عدالت اداری اصل ۱۷۲ ق. ۱  
سازمان زیر نظر رتبه قضائیه و در آن  
قانون ت و آ د ع ۱  
اداری تعبد بدوی و تجدید نظر  
و کسین های تخصصی  
و هیات عمومی

شرح وظائف رسیدگی به شکایات از قضیه و اقدار اما واحد اداری  
ولی شکایت واحد را روی می علیه رسیدگی باید در مراجع  
قضائی رسیدگی شود مگر ماخذ استماع بدوی  
در امور اداری از قضیه و اقدار اما واحد اداری  
رسیدگی به شکایات مردم از آیین نامه و سایر نظام اداری  
و سایر اداری که در هیات عمومی دیوان رسیدگی  
رسیدگی به شکایات مردم از آراء تطبیحی مراجع اداری  
هیات انار مالیاتی و کسین ماده ۱۷۱ و در صورت نقض  
صدور رای ماهوی (بر خلاف دیوان عالی که رسیدگی  
نقض است رسیدگی ماهوی مردم از امانه صدور)  
رسیدگی به شکایات استنادی قضات و همکاران  
قانونا مدیریت خدمات کشوری از حیث  
تضییع حقوق استنادی

مابعد از دعوت با شرایط  
قانونی تقدیم شود  
در فرایست به طرف اداری  
مسئود تا طرف نگاه یا شرح  
ولی نتایج یا شرح مانع از رسیدگی  
و صدور رای است  
از رای دیوان علیه خواننده  
حکم علیه باید رای را اجراء یا  
حکم را اخلت کند  
از حکم علیه رای را اجراء کند  
مجموعه رای تعبد صادر کننده رای قطعی  
حکوم به انقضای صورت تا بی اعتباری لغو

\* \* \* نحوه مراجع  
به دیوان  
و رسیدگی و  
صدور رای

\* \* \* مراجع اداری اصفاهمی - هیات ها  
رئیس هیات ها  
(که آراء آنها قابل اعتراض در دیوان عدالت اداری است)

ماده ۱۱۱ شهرداری انقضا و سازمان شهروان در مورد شرح  
ماده ۹۹ شهرداری (راحت و سازمان شهروان در مورد شرح)  
ماده ۷۷ شهرداری (عوارض شهری)  
ماده ۵۵ شهرداری (امانتی مزاج و غیره است)

## (فہرست مراجع لٹبرقنات)

### (الف) بفارهای لٹبرقنات

- ۱- کسب و کار قانون نظام حسنی مصر ۱۹۲۹ (کسب و کار قانون برائے مصر - مارچ ۱۹۲۹)
  - ۲- شعبہ تحقیق ادارہ اوقاف موصوم ہا ۱۹۲۴ قانون کسب و کار مارج
  - ۳- کسب و کار قانون کسب و کار قانون موصوم ہا ۱۹۲۴ قانون کسب و کار
  - ۴- کسب و کار کفالت نظام وظیفہ موصوم ہا ۱۹۲۴ قانون کفالت وظیفہ عمومی
  - ۵- مراجع حل اختلاف مالیاتی موصوم قانون مالیات استثم
  - ۶- کسب و کار کسب و کار کسب و کار کسب و کار کسب و کار کسب و کار
  - ۷- هیات تشخیص و حل اختلاف قانون کسب و کار
  - ۸- هیات حل اختلاف امور کسب و کار موصوم ہا ۱۹۲۴ قانون کسب و کار
  - ۹- هیات حل اختلاف کسب و کار موصوم ہا ۱۹۲۴ قانون کسب و کار
  - ۱۰- هیات نظارت بر طبیعات موصوم قانون طبیعات
- رکورد کتاب آشنائی با ادارہ لٹبرقنات  
رکورد بان وند - انٹرنیشنل

### (ب) مراجع راوری

- ۱- راوری قانون آ. د. آ. ۴
- ۲- راوری قانون بیمہ
- ۳- راوری تجارت و امانت تعاونی
- ۴- راوری قانون صنایع و معادن
- ۵- راوری قانون بورس اوراق بہار
- ۶- راوری واکذاری سهام شرکتی موصوم ہا ۱۹۲۴ قانون سرمایہ عمومی

### (ج) امور اراضی و آب

- ۱- مقررات اصلاحات ارضی

- ۲- کسین تغییر کاربری اراضی کشاورزی و باغها
- ۳- کسین توزیع عادلانه آب
- ۴- کسین قانون ابطال اسناد رقبات موقوفه
- ۵- کسین ماده ۴۴ قانون جنگل ها و مراتع
- ۶- کسین ماده ۵۶ قانون جنگل ها و مراتع
- ۷- کسین ماده ۳۲ قانون زمین شهری
- ۸- کسین مشخصه اراضی موات خارج از محدوده شهرها
- ۹- هیات نحوه فرید و تک اراضی موات روستا و شهرها

### د) ثبت اسناد و املاک

- ۱- اداره ثبت ارومیه در مقام رسیدگی به اعتراضات به عملیات اولی / اقرار و فروش ۱۳۸۱
- ۲- هیات نظارت بر ثبت
- ۳- صور احوال ثبت
- ۴- هیات حل اختلاف طبق موضوع موراد ۱۴۸ و ۱۴۸ ق.ا.ق.ا
- ۵- هیات حل اختلاف ثبتی موضوع ماده ۱۳۲ قانون بنیاد چهارم شهرداری

### ه) شهرداری

- ۱- کسین ماده ۸۸ قانون شهرداری (اماکن مهم)
- ۲- کسین ماده ۷۷ قانون شهرداری (عوارض شهری)
- ۳- کسین ماده ۹۹ قانون شهرداری (اصناف مجاز در خارج از نواح شهر)
- ۴- کسین ماده ۱۱۱ قانون شهرداری (اصناف مجاز در داخل نواح شهر)
- ۵- کسین ماده ۵۱ قانون اساسی صور احوال شهرداری (طرح کار تفصیلی شهری و تغییر آنها)

### و) مخلفات انتظامی

- ۱- هیأت مخلفات اراری کارکنان دولت
- ۲- دادسرا انتظامی قضاوت
- ۳- هیات برای انتظامی کانون وکلای
- ۴- هیات برای انتظامی سردفتران
- ۵- هیات برای انتظامی کارشناسان
- ۶- هیات برای انتظامی نظام مهندسی ساختمان
- ۷- هیات برای انتظامی نظام مهندسی معدن
- ۸- هیات برای انتظامی نظام مهندسی راهبردی
- ۹- هیات مخلفات انتظامی پزشکی
- ۱۰- هیات انتظامی مالیاتی
- ۱۱- هیات انتظامی شغلی و فنی مهندسی کسب و کار و منابع طبیعی
- ۱۲- هیات انتظامی شغلی و فنی پزشکی
- ۱۳- هیات مخلفات انتظامی نظام روانشناسی
- ۱۴- هیات مخلفات شغلی و فنی مترجمان
- ۱۵- هیات مخلفات حسابداران رسمی
- ۱۶- هیات انتظامی بانک ها
- ۱۷- هیات انتظامی اعضای هیات علمی دانشگاه ها
- ۱۸- هیات مخلفات پرسنلی ارتش
- ۱۹- هیات مخلفات پرسنلی نیروی انتظامی
- ۲۰- هیات رسیدگی به تخلفات شورای عالی اداری از وظایف قانونی

در  
مجلس  
قانون  
مجلس

- ۱- تعطیل محل یا هر و بوم اماکن غیردولتی بهیچ وجه قبل از اصرار دستگاه (بازده ۱۳۰۰ قانون مطور)
- ۲- حل اختلاف بین دستگاه ها و ادارات و استعانت توکل مین و مستقر در سازمان قضایی
- ۳- رفع تجاوز به اراضی ملی و ساحلی
- ۴- جلوگیری از آلودگی هوا توسط سازمان محیط زیست

Subject

Date

۲۰

- ۵- رفع سے عبرتوں کا سہولگی
- ۶- رفع استعدائات غیر مجاز رووم راہیا
- ۷- وہم کار فرمایاں بابت کاربھی اناخ بیگانہ
- ۸- رفع مزاج سے از مستعدائات مجاز و صلیب از استعدائات غیر مجاز آسہ و برق بدلا و زان

\* سازمان قضاوتی  
(در انگلیسی)  
اصح قضاوتی  
اشخاص قضاوتی

\*\* اشخاص قضاوتی  
سازمان در انگلیسی (کامیناله)  
اشخاص وابسته به انگلیسی و کلاه کارکنان

جذب و استخدام  
بر اساس آیین نامه نحوه جذب: ۹۲  
کارآمدی مصوبه ۹۲  
از طریق جذب عمومی و جذب اختصاصی  
گروه ریختل و پایه قضا  
انتصاب قضات در شانل قضات  
امیر امامت پایه قضات است و در وقت  
حقوق و مزایای بر اساس گروه شغلی است  
مطابق بر اساس آیین نامه مصوبه ۹۳  
پایه قضات و اگر گروه شغلی پیش بینی شده  
است و کارآمدی قضات ضمن تکمیل در گروه یک  
و پایه ۲، و کارآمدی قضات در گروه یک پایه ۳  
قرار می گیرند

استقلال (قاعدت منع تعزیر) - اصل ۱۶۴  
استیارات  
مسئولیت (از تعقیب کنونی) - مورد تعزیرات  
(ماده ۳۹ قانون نظارت بر اوقاف مصوبه ۱۳۹۰)  
محدودیت  
ممنوعیت از شرکت در احزاب دنیایی  
ممنوعیت اشتغال علیه سیاسی یا حزبی  
ممنوعیت از داوری

مسئولیت  
ممنوعیت از در صورت اشتباه یا تعصیب - اصل ۱۷۱  
کنونی (در صورت بازداشت غیر قانونی) - ماده ۵۷  
انتظامی - میزبان انتظامی ۱۳ در برابر وزارت  
توسیع کمی شرح مسعود در اصلاح راه  
از ضوابط دولتی - ماده ۱۴ قانون کار  
تکالیفات  
در موارد بعد از تعزیرات انتظامی قضات  
در قضاوت قضات و برخی قوانین نظارت بر  
۱۹۰ آردکی در طبقه حق - همراه اشخاص و کلاه

\*\*\* مراجع انتظامی  
قضات  
دقانون نظارت بر قضا قضات

دارسرای انتظامی قضات  
دارگاه عالی انتظامی قضات  
سردارگاه عالی تجدید نظر انتظامی قضات  
دارگاه عالی رسیدگی به شکایات قضات  
دارگاه عالی تجدید نظر رسیدگی به شکایات قضات

\*\* دادرسی انتظامی  
قضات

در محبت مدگاه عالی انتظامی قضات انجام وظیفه می نماید  
ریاست آن به عمده دارستان انتظامی است که باید  
صد اقل ۲۰ سال سابقه قضات و فاقد سابقه محترست انتظامی  
درجه ۳ یا بالاتر در ۱۰ سال اخیر باشد  
به مقدار کافی معاونان و داریاران دارد که باید صد اقل ۱۵ سال  
سابقه قضات و فاقد سابقه درجه ۳ یا بالاتر در ۱۰ سال اخیر باشد  
اعضه دار: ۱- بازرسی و کشف تخلفات انتظامی قضات  
۲- و تقسیم انتظامی اکتال در هر مقام و مرتبه  
۳- و نظارت مستمر بر عملکرد قضات در عالی  
۴- و به سایر تعلق قاضی از خدمت قضات به مدگاه

\*\* دارگاه عالی انتظامی  
قضات

در تهران تشکیل می دهد و تعداد شعب آن به تشخیص هیئت  
مجلس دارایی یک است و رؤسای آن مستشار است و به  
تعداد کافی عضو معاونان دارد  
اعضای دستگاه انتظامی باید صد اقل ۲۵ سال سابقه قضات و فاقد  
سابقه درجه ۳ یا بالاتر در ۱۰ سال اخیر باشد  
رئوسای شعب دستگاه عالی، در بالاترین گروه شغل و مستشاران  
و عضو معاونان به ترتیب در اول گروه یا کلاس ترقی کرده  
اعضه دار: ۱- رسیدگی به تخلفات، استیفاءات و تقسیم قضات  
۲- رسیدگی به تخلفات اعضای هیات مدیره و اعضای دستگاه  
انتظامی و دادستان و داربانان انتظامی و کلان  
۳- تجدید نظر در آرای دستگاه انتظامی و کلان  
۴- رسیدگی به شکایات متقاضیان پروانه و کالت یا کارآموزی  
۵- رسیدگی به تخلفات اعضای دستگاه و طایفه کارکنان



در تهران تشکیل شده و تعداد رقب آن به تخمین ۲۰۰ نفر است  
 هر شعبه دارای یک رئیس و دو مستشار است و به تعداد کافی عضو معاونان  
 اعضاء این دستگاه باید حداقل ۲۵ ساله باشند و فقط آن و وفادار باشد و روحیه  
 یا بالاتر در هر سال اخذ باشد  
 نویسی شعب این دستگاه در بالاترین گروه رقب و مستشاران و عضوهای  
 معاونان به ترتیب دریا و ۲ گروه یا بیش تر قرار می گیرند  
 عهده دار: ۱- تجدید نظر حکومت انتظامی درجه ۶ و بالاتر به درخواست  
 ۲- تجدید نظر آراء و برائت انتظامی به درخواست دادگاه انتظامی  
 ۳- اعاده داری حکومت انتظامی درجه ۵ و بالاتر به درخواست

\* \* \* دستگاه عالی تجدید نظر  
 انتظامی قضات

مکاتب ازره معاونان قضات تجدید نظر حکومتی و معاونان قوه قضاییه وزیر دادگستری  
 و معاونان قضات تجدید نظر عالی و دادستان انتظامی قضات  
 رسیدگی به اعلام مقامات از تجدید نظر، برائت و برائت کلی کشور، نویسی  
 شعب دستگاه انتظامی و تجدید نظر انتظامی، دادستان انتظامی و در تهران و قضات  
 نیروی مسلح (در مورد صلاحیت قاضی  
 از ازره دارین عقیده به عدم صلاحیت، به دستگاه عالی رسیدگی صلاحیت  
 جهت صدور حکم مقتضی

احضار  
 \* \* \* کیون رسیدگی به  
 صلاحیت قضات

متشکل از ۳ شعبه عضو، و مستقر در تهران است  
 رئیس و اعضاء این دستگاه از بین قضات گروه ۱۱ و دارای حداقل ۲۰ سال  
 سابقه قضات انتخاب شده  
 رسیدگی به گزارش اکران صلاحیت و در صورت  
 احراز عدم صلاحیت، صدور حکم مقتضی

\* \* \* دستگاه عالی رسیدگی  
 به صلاحیت قضات

در تهران تشکیل شده و مستقر در تهران  
 اعضاء آن از بین قضات گروه ۱۲ و دارای حداقل ۲۰ سال  
 سابقه قضات انتخاب میشوند  
 رسیدگی به تجدید نظر خواهی قاضی محترم صادره در دستگاه بدو و سایر  
 کربان نظر دستگاه به دستگاه تجدید نظر ارائه

\* \* \* دستگاه عالی تجدید نظر  
 به صلاحیت قضات

\*\*\* کارمندان اداری  
 درگاهها (دادگستری)  
 (قضائیه نه ستادی)  
 مدیر دفتر  
 منشی  
 بانگان  
 نبات

\* بر اساس مواد ۱۱ و ۱۲ قانون اصول تکلیفات عدلیه، در وضعیت هر دستگاه، کمیته  
 مدیر دفتر برای تنظیم پرونده و تهیه مقدمات اداری تحت ریاست رئیس دستگاه، انجام  
 وظایفی کند و مدیر دفتر به اندازه کافی تحت ریاست و مسئولیت خود کارکنان  
 اداری به تعیین و ترخیص می نماید خواه داشت

\* مدیرها و رؤسای محال کشور هم مطابق بصله ۱۶ تا ۱۸ قانون مزبور به همین ترتیب  
 کارمندان اداری مهم که مدیر دفتر و خواهنده دارند  
 وظایف کلی کارمندان اداری:

- ۱- گرفتن درخواستها و ارجاع هر مدارک پیوست
- ۲- ثبت آنها در دفاتر مخصوص
- ۳- نگه داری آنها در پرونده های مربوطه
- ۴- مرتب و خود را پرونده ها
- ۵- تنظیم اوقات دستگاه و اضاغ آنها به پرونده ها در جریان
- ۶- ابلاغ اوقات درگیری، آراء و سایر اوراق قضائیه
- ۷- اجرای آرای محاکم

\* نکته: در حال حاضر، ابلاغ اوراق قضائیه و اوری احکام محاکم به واحدهای  
 ابلاغ و اجرای احکام حوزه قضائیه و گزارش شده است

\* کارمندان اداری دادگستری، اصول قانون استخدام کشوری بوده و -  
 ملازمین در صورت تخلف از مقررات، بابت درگاههای بدوی و  
 تجدید نظر رسیدگی به تخلفات اداری انجام می شود

\*\*\* اشخاص وابسته به دادرسی وکلای دادگستری

صنعت

کارشناسان رسمی دادگستری

اهمیت استفاده از وکیل رسمی در دعاوی، به لحاظ تخصصی بودن

\*\*\* وکلای دادرسی

منوعیت رفتار غیر وکیل رسمی (مجموعه امور تقاضای وکالت و...)

امکان وکالت انفرادی کارشناسان حقوقی، مشروط بر آنکه برابری

امکان معضی تکمیل (غیر از وکیل رسمی) به سه گانه در امور حسبی

(طبق ماده ۵ قانون امور حسبی)

در سال ۸۴ برای اولین بار نام رتبه وکالت وکیل در دعاوی

النزاعی شد اما برای وحدت رویه ۷۱۴ این الزام لغو شد

وکالت معاضدتی برای افراد مستحق، پیش بینی نگردید

وکالت نسبی طبقه بان ۱۹۱ آردک در مواردی که مجاری

سلب حیات یا عیب ابد دارند، مطرح است

استقلال آردک

مجموعه لایحه قانونی سال ۱۳۳۱ در باره تصدق (کفول وکیل بودن) سلب اعتبار

\*\*\* کانون وکلای دادرسی

در سه اسر کشور دارای هیئت های مختلفی است و تعداد وکیل معززان

در هر حدوزه فوقانی است

فعالیت وکلای محدود به محلی (حدوزه) است که برای استیجاب این

دریافت کرده اند

هیات محلی وکلای

که در آن حدوزه اشتغال به وکالت

هیات مدیره کانون وکلای

برای ایصال امتیازات مستوفیه

در امور انتظامی وکلای

هیات مدیره است که در آن

هیات مدیره است که در آن

هیات مدیره است که در آن

\*\*\* اجرای کانون وکلای دادرسی

هیات مدیره کانون وکلای

برای ایصال امتیازات مستوفیه

در امور انتظامی وکلای

هیات مدیره است که در آن

هیات مدیره است که در آن

هیات مدیره است که در آن

هیات مدیره است که در آن

هیات مدیره است که در آن

هیات مدیره است که در آن

بن استیارات قانونی  
وکلاء وکلای

ممنوعیت تعلیق وکیل مدبر به حکم قطعی دستگاه انتظامی [تعلیق موقت  
وکلی که مورد تعقیب انتظامی قرار گرفته، به درخواست وزیر دادگستری  
در ترقیه قضائیه] یا بر کانون وکلاء یا بقره آن اعضای هیات مدیره کانون  
از دستگاه انتظامی وکلای تعلیق می آید. به استناد ماده ۱۷ لایحه قانونی  
ارتقاء کانون وکلای دادگستری

بر ضروری از اجتناب و یا مینات و تعلیق رخصت و قضاء، موصوفه مقرر شده.  
ماده واحده آئین وکیل توسط اعیان، رعایا، مفسد و جمع شخصی  
مصلحت در حال و

حماقت لایحه به هر کس نسبت به وکیل مدبر در ضمن انجام وظیفه  
و کالتی یا به نسبت آن توهمین نظیر مطابق ماده ۱۲ لایحه قانونی  
استقلال کانون وکلای دادگستری به ۱۵ روز تا شش ماهه ضمن حکم  
استیفاء

\* حق الوکاله وکلای  
دادگستری

بر اساس واریت حق الوکاله بر وکیل و مدبر کل است  
در صورت عقدان و در لایحه باید بر اساس آن که به تعرفه حق  
و هزینه سفر وکلای دادگستری و وکلای و مشاوران حقوقی ماده ۱۸۷  
مصدور ۱۵ روزه قضائیه، حق الوکاله تعیین شود.

\* تخلفات و مجازاتها انتظامی  
وکلای دادگستری

تخلفات انتظامی وکلای در بهر آن ۷۷ به بعد است  
لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۴  
مطرح شده است. با تعدد حضور در دستگاه بدون عذر موجه یا  
انجام وکالت بعد از انقضای مدت اعتبار پروانه بدون تجدید آن و  
مجاز استیاری انتظامی وکلای در بهر آن ۷۶ است که لایحه  
قانونی مذکور مطرح شده و مستهل بر لایحه است و لایحه  
احضار کتب شوم شده تا محرومیت را نیز از رخصت وکالت  
که مجازات در بهر آن است.

معاون تعیین انتظامی  
وکیل مدبری

کمیته‌هاست در برابر انتظامی قانون و کلاس، بر اساس شکایت اخص  
از اخلاق و رفتار و کمال به قانون و کلاس، (مورد ۶۲ و ۶۳ آیین  
لاایحه قانونی استقلال کانون وکلای... رئیس کانون وکلای  
کمیته‌هاست در برابر انتظامی کانون، بر اساس (مورد ۱۵ لایحه قانونی  
تجدید نظر یا در دستگاه آسان یا در کتاب (ماده ۱۵ لایحه قانونی  
استقلال کانون وکلای)  
در صورت در کتاب شهر تهران یا در شهر مشهد اهل دستگاه مجری  
و یا در دستگاه تجدید نظر و یا در کتاب آسان، بصورت مستقیم  
از خود دستگاه انتظامی و کلاس در صورت رد شکایت  
آسان توسط در برابر انتظامی و کلاس (ماده ۱۵ لایحه قانونی...)  
در صورت وزیر مدبری رأی از دستگاه انتظامی  
و کلاس بدون نیاز به کمیته‌هاست در برابر انتظامی و کلاس  
(ماده ۱۶ لایحه قانونی...)  
در صورت مستقیم رئیس کانون یا به تو از اعضا هیات  
از دستگاه انتظامی بدون نیاز به کمیته‌هاست در برابر  
به اینکه تخلف اعم از... مقتضای تعلیق وکیل باشد  
(به تشخیص دستگاه انتظامی)

معاون تعیین وکیل مدبری

تعلیق وکیل تحت تعیین انتظامی، به در صورت وزیر مدبری  
یا رئیس کانون از دستگاه کانون  
تعلیق وکیل تحت تعیین کانونی، در صورت صدور کمیته  
از سوی در برابر کانونی و ارسال رونویس آن از در برابر  
کانونی به کانون و کلاس و ارجاع آن توسط کانون به  
دستگاه انتظامی (ماده ۱۷ آیین نامه لایحه قانونی...)  
موضع تجدید نظر از آرای کانون، دستگاه عالی انتظامی  
آری به تعلیق یا عدم تعلیق وکیل  
رای محکمیت انتظامی در وجهی به بالا با اعراض وکیل  
وای برائت وکیل با اعراض وکیل یا از در برابر کانون  
کلیتاً آرای کلاس انتظامی با اعراض وکیل یا از در برابر  
دارد

اعراض به آرای دستگاه انتظامی  
کانون و کلاس











(۹) دارگاه عمومی نجف

- تاسیس ← ۱۲۹۹ آ. د. ک و بقعه ماره ۲ آ. ق. ت. د. ک
- رسمیت ← ۱۳۲۶ آ. د. ک و ۱۳۲۷ هـ. ق. ف. خ. ن
- قلرو ← بقعه ماره ۱۱ آ. د. ک + ۲ آ. ق. ت. د. ک + ۱۳۲۷ آ. د. ک
- صلاحیت ← ۱۲۹۹ و ۱۳۲۶ و ۱۳۲۷ آ. د. ک + ۱۱ آ. ق. ت. د. ک

(۱۰) شورای حل اختلاف

- تاسیس ← ماره یک قانون ش. ج. ۱۰ مصوب ۹۴
- رسمیت ← ۲ ق. ش. ج. ۱۰ + موارد و قانون نبرو
- قلرو ← بقعه ماره یک ماره ۲ ق. ش. ج. ۱۰
- صلاحیت ← ماره ۹ و ۱۱ و ۱۲ ق. ش. ج. ۱۰

(۱۱) دارسرای عمومی انقلاب

- تاسیس ← ماره ۳ ق. ت. د. ک + ۱۲ آ. د. ک
- رسمیت ← ۲۳ و ۲۴ آ. د. ک
- قلرو ← ۲۲ و ۲۷ آ. د. ک (شهرستانها)
- صلاحیت ← ۲۲ آ. د. ک

(۱۲) دارگاه حجتیه نجف

- تاسیس ← ۲۰ ق. ت. د. ک + ۴۲۶ آ. د. ک
- رسمیت ← ۲۰ ق. ت. د. ک + ۴۲۶ آ. د. ک
- قلرو ← ۲۰ ق. ت. د. ک + ۴۲۶ آ. د. ک + ۳۳۴ آ. د. ک
- صلاحیت ← ۴۲۶ و ۴۲۸ آ. د. ک + ۳۳۴ آ. د. ک

(۱۳) دیوان عالی کشور

- تاسیس ← اصل ۱۶۱ ق. ۱ + ۴۲۶ آ. د. ک
- رسمیت ← ۴۲۶ و ۴۶۲ آ. د. ک + ۴۶۳ آ. د. ک
- قلرو ← ۴۲۶ آ. د. ک + ۴۸۵ آ. د. ک
- صلاحیت ← ۴۲۶ و ۴۲۸ آ. د. ک + ۴۶۲ آ. د. ک
- دارسرای کل (راستار کل) ← ۴۸۸ و ۴۹۳ آ. د. ک





۴۴  
۴۵  
۴۶

د) زوال دعوا  
معنی فاعل  
بدلیل صدور حکم قطعی نسبت به آن توسط مرجع صالح  
بدلیل استرداد دعوی بطور کلی منجر به واریفتن دعوی است

زوال دعوا  
استرداد دعوا در مواردی که منجر به صدور دعوی است  
زوال حق اصلی - اعیان از بین  
فهری: فوت پدری که بر طلبکار است.  
صدور حکم قطعی در مراجع ذی صلاح  
بدلیل زوال حق اصلی  
اعراض از بین  
اخراج از ملک  
ماکتب با منقذ  
تصرف جمع و کثرت  
دانش و بیرون  
در یک وقت یا تدریج  
فوت پدری که از  
فرزند خود طلبکار بوده  
فوت ذی حق اصلی  
در موارد افتراق شخصی یا  
حق خلاق و حق تکلیف

دوم) شرایط اقامه دعوی  
ذی نفع بودن - تحقق  
ذی سمت بودن - سمت  
اهلیت داشتن - اهلیت

نکته: تقدیم دلخواهات از شرایط اقامه دعوی است بلکه از شرایط شروع رسیدگی  
به دعوات تا بررسی شود که مبتدا آیا شرایط اقامه دعوا وجود دارد یا خیر و به عبارت دیگر  
شروع به رسیدگی درگاه است که گام اولیه تر از بررسی شرایط اقامه دعوی است چون تا زمانیکه  
دعوات تقدیم نشود اساساً پرونده به درگاه وارد نمیگردد و نوبت به بررسی شرایط اقامه دعوا  
نمی رسد

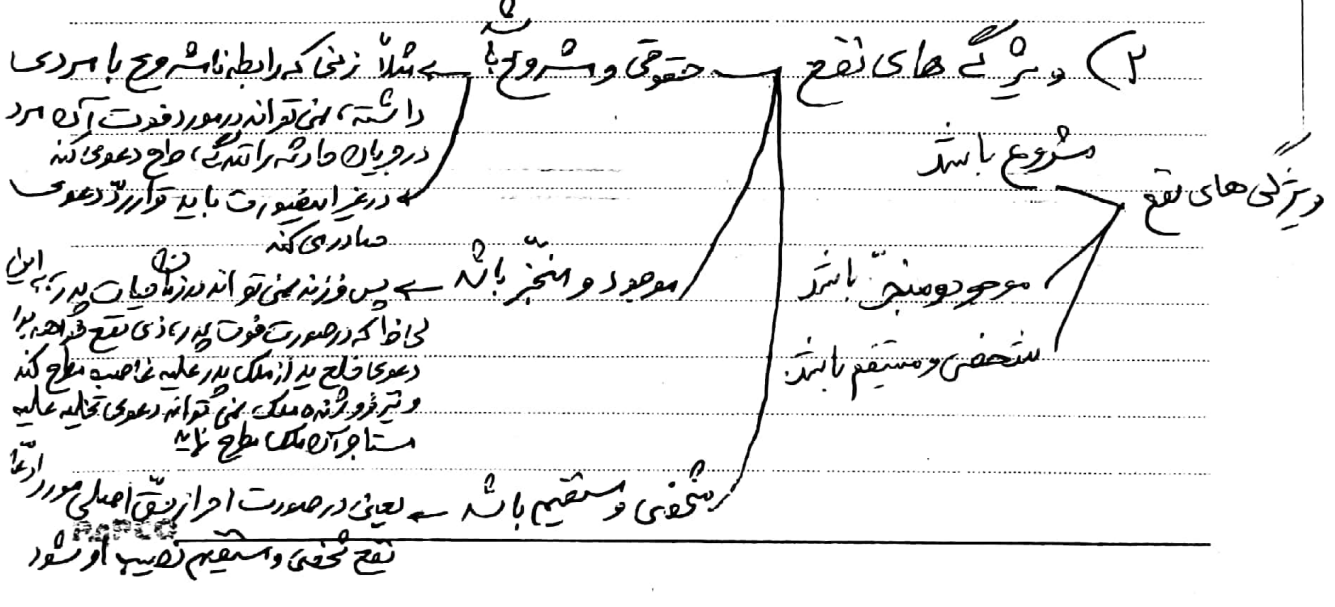
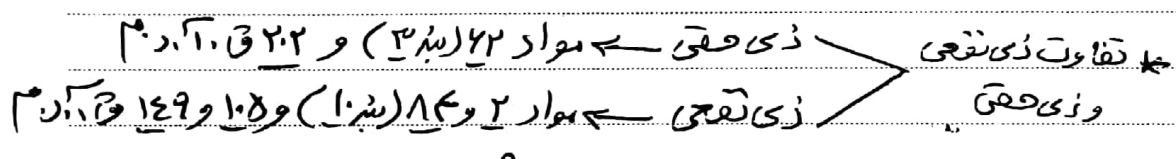
الف) شرط ذی نفع بودن - ماده ۲ ق. آ. د. م / بند ۱ ماده ۸۲ ق. آ. د. م  
۱) مفهوم نفع یعنی اینکه  
عاید فواید فراوان شود مبتدا در دعوی اعیان به اعتبار و...

در ذی نفع بودن یعنی از حکم صادره از دادگاه باید به خواهان سودی عائد شود.  
ذی نفع مربوط به خواهان است  
سمت مربوط به نمایندگی قانونی خواهان است

با بدی سرری شده که متوجه در صورت صدور حکم بر اعتبار و وصیت نامه، سروری نفسیه  
فواهد رهنه با غیره؟ نه اینکه سرری شود که حق اصلی (اعتبار یا بایع اعتبار و وصیت نامه) وجود  
دارد اما وجود رهنه، فیدک اگر نگاه را این بر صله بخواند طلبه این موضوع (وجود حق اصلی)  
شود که ذی نفی فظا و با وجود حق اصلی (ذی حق فدا ان) هم خلط فواهد رهنه  
در حالتیکه محرم لذی حق فواهد باید در زمان سرور که نگاه شرایط اقامه دعوی -

از جمله ذی نفی فواهد را اواز نموده و اوله رسیده ماهی شده است  
نکته در مواردیکه ذی نفی فواهد یا با بر شرایط اقامه دعوی موجود باشد، نگاه  
صیبه دعوی و آن محرم است (دعوی صلواتی کند - اما در صورتیکه صلواتی این شرایط را  
اوله محرم رسیده در خصوص حق اصلی از رسیده دعوی) آنجا است  
و حیاتی حق اصلی اوله شود (وصیت نامه اعتبار با رسم صیبه بر رفع فواهد) و در  
غیر این صورت، حکم علیه وی صادر است

\* پس عملاً در بدی سرری ممکن است نگاه علیه نفی ذی نفی فواهد و با بر  
شرایط اقامه دعوی را اوله کرده و اصل محرم رسیده ماهی رسیده است فواهد  
را در حکمی که صادر می کند تعلیق عدم اوله حق اصلی، محکوم علیه



تعلق شخصی و مستقیم باشد یعنی در صورت احراز حق اصلی مورد ارتقا  
تعلق شخصی و مستقیم نسبت او شود



از طرف اصیل است، به همین دلیل محبت اولویت در نگاه، مربوط به موارد مذکور است  
 است نه موارد قائم مقامی، یعنی نگاه در مورد طوع و معاصی مذکور است، اولاً -  
 باید دلیل و مستندات اثبات کننده را معین توجه قرار دهد گاهی در صورت محرز  
 بودن مذکور است، بهر حال آنکه آیا لازم است وی از انواعی است که قانون  
 تحدید کرده است یا خیر؟ لذا اگر در دادگاه (ماده ۵) وکالت است  
 در اصیل دله و حضورش وکیل را می پذیرد، لازم است وی قاضی نمی باشد

۴) وکالت در دعاوی : (نمونه های وارثی)

- ۴-۱) عقد وکالت ← ۶۵۶ ق. ۲۰
- ۴-۲) حق داشتن وکیل در آگاه ← اصل ۳۵ ق. ۱۰
- ۴-۳) حق انتخاب وکیل در دعاوی ← ۴۱ ق. ۱۰، ۴۰، ۴۱ (صد اکثر ۲ وکیل)
- ۴-۴) وکالت معاضدتی ← ۲۴ قانون وکالت و ۵۱۳ ق. ۱۰، ۲۰
- ۴-۵) تکلیف انتخاب وکیل ← ۳۲ و ۳۳ قانون اصلاح ماده ای از قانون اساسی  
 مصدق ۵۶ و آئین نامه الزامی بودن حضور وکیل  
 مصدق ۸۴ و نهایتاً رای وحدت رویه ۷۱۴ متنی بر  
 عدم لزوم انتخاب وکیل توسط اهل بیگانه
- ۴-۶) حق استیفاء وکیل در امور کنونی وکیل انتخاب ← ۲۴۶ و بقدره آن (صد اکثر ۲ وکیل) در موارد منع  
 ماده ۲۸۵ که صد اکثر ۲ وکیل (ق. ۱۰، د. ک)
- ۴-۷) وکیل تعیینی در امور کنونی (به درجه است) ← ۲۴۷ ق. ۱۰، د. ک
- ۴-۸) وکیل تعیینی در امور قضایی ← ۳۴۸ ق. ۱۰، د. ک
- ۴-۹) وکیل مصلحتی و با جدی ← ۱۹۰ ق. ۱۰، د. ک (یک نفر وکیل)
- ۴-۱۰) وکیل تعیینی در مصلحت ← بقدره ماده ۱۹۰ ق. ۱۰، د. ک
- ۴-۱۱) شرایط عمومی وکیل (دعوی) ← مواد ۱۹۰ به بعد و ۲۵۶ به بعد قانون اساسی
- ۴-۱۲) شرایط اختصاصی وکیل (دعوی) ← ماده ۳۳۳ ق. ۱۰، د. ک و ۳۲ و ۳۳

در  
 تمام  
 موارد







وکیل توسط

۱۶-۴) پایان وکالت

۲۰۱۷/۱۱/۲۸

عزل موکل

استغفای وکیل

فوت یا جنون وکیل

فوت یا جنون موکل

از بین رفتن قصد وکالت  
منوع شدن موکل  
از وکالت

۲۰۱۷/۱۱/۲۸

۲۰۱۷/۱۱/۲۸

عزل وکیل توسط موکل

در این صورت باید براتمه عزل را به وکیل مغزول اطلاع داد  
اگر نگاهها را جلب نگاه باشد یا در صورتی که عقد  
می تواند با بندبندی یا رسمی انجام و بارایم عقد نگاه  
عزل وکیل مانع از فسخ وکالت نیست  
اقدامات وکیل تا زمانیکه عزل به اطلاع او نرسیده، در صورت  
موکل مؤثر است (باص ۳۸)  
اگر نگاه منازبه اقدام ضمنی داشته باشد، براتمه در صورت  
قدوم موکل بر عقد یا در مورد اموال شخصاً یا با وکیل -  
بر اساس ترمیم خارج حدود (نوادبی و ۳۰)

استغفای وکیل

۲۰۱۷/۱۱/۲۸

موضوع تاضیر در رسمی تراضیر  
نیاز به اقدام قضایی وکیل داشته باشد که باید به اطلاع موکل برسد  
تا بر اساس ترمیم حدود یا با وکیل خارج شود  
اگر وکیل استعفا را به نگاه اطلاع دهد، نگاه به موکل  
اطفاری کند که شخصاً یا توسط وکیل جدید و در صورتی که قصد  
درار رسمی تا به اوجه موکل یا وکیل جدید حد اکثر کلیه توقف  
وکیل که بگذرد نسبت تقدیم کرده، در صورت استعفاء  
باید موکل را تراضیر آگاه تراضیر

استغفای وکیل که مستطیر اطلاع داری باشد، تخلف انتظامی است

۲۰۱۷/۱۱/۲۸

اگر وکیل پس از صدور رای یا در موقع ابلاغ رای  
استغفای دهد، باید رای به موکل ابلاغ شده ولی اعتبارت خود به نظر  
رعز ابلاغ به وکیل است بدانکه موکل همان کس از استعفاء وکیل مطلع  
در این صورت اگر اقدام ترضیح از وکیل لازم باشد، داری  
به تاضیر منی احدث

\* فوت یا جنون وکیل یا موکل

۲۰۱۷/۱۱/۲۸

موضوع تراضیر در رسمی تراضیر  
نیاز به اقدام قضایی وکیل داشته باشد که باید به اطلاع موکل برسد  
تا بر اساس ترمیم حدود یا با وکیل خارج شود  
اگر وکیل استعفا را به نگاه اطلاع دهد، نگاه به موکل  
اطفاری کند که شخصاً یا توسط وکیل جدید و در صورتی که قصد  
درار رسمی تا به اوجه موکل یا وکیل جدید حد اکثر کلیه توقف  
وکیل که بگذرد نسبت تقدیم کرده، در صورت استعفاء  
باید موکل را تراضیر آگاه تراضیر

در صورتی که استغفای وکیل موضوع ترضیح داری است  
وای فوت و جنون وکیل صحت و صحت ایجاب نمی کند  
در صورتی که نیاز به اقدام ترضیح باشد !!

## ۵) ناسند حقوقی : ← ماده ۴۲ ق.آ.ر.م

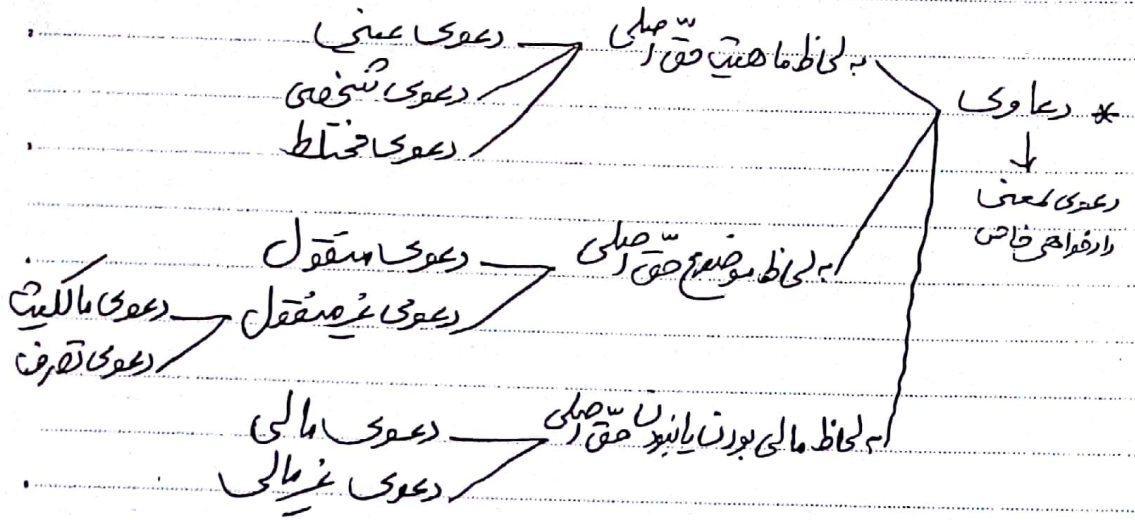
- \* وزارتخانه ها و دستگاهها دولتی می توانند علاوه بر استفاده از وکلائی که در ارتش، استخباراتی و اعوان ناسند یا ناسند حقوقی معنی ناسند، که شرایط ناسند حقوقی در ماده ۴۲ ق.آ.ر.م بفرج شده است
- \* مواد ۲ تا ۵ قانون محاسبات عمومی که تصویب ۱۳۲۲، سازمانها و شرکتها دولتی را تعریف کرده است
- \* ناسند حقوقی از اعتباراتی که مختص وکلائی که در ارتش است باشد معنی می یابد
- \* مطابق یکی اسناد با اهل آن (ماده ۵۷ ق.آ.ر.م) بر ضرورت اوست
- \* معنی ناسند حقوقی به ارجح قضاوت باید گویای انتحاب مستقیم یا با واسطه می تواند و زیر نظر و در صورتی که در صاحب امضای شرکت دولتی و ... باشد مستندات اقلی تعویض اعتبارات بر صحنه باشد

## ج) شرط اهلیت راستی : (اهلیت قانونی)

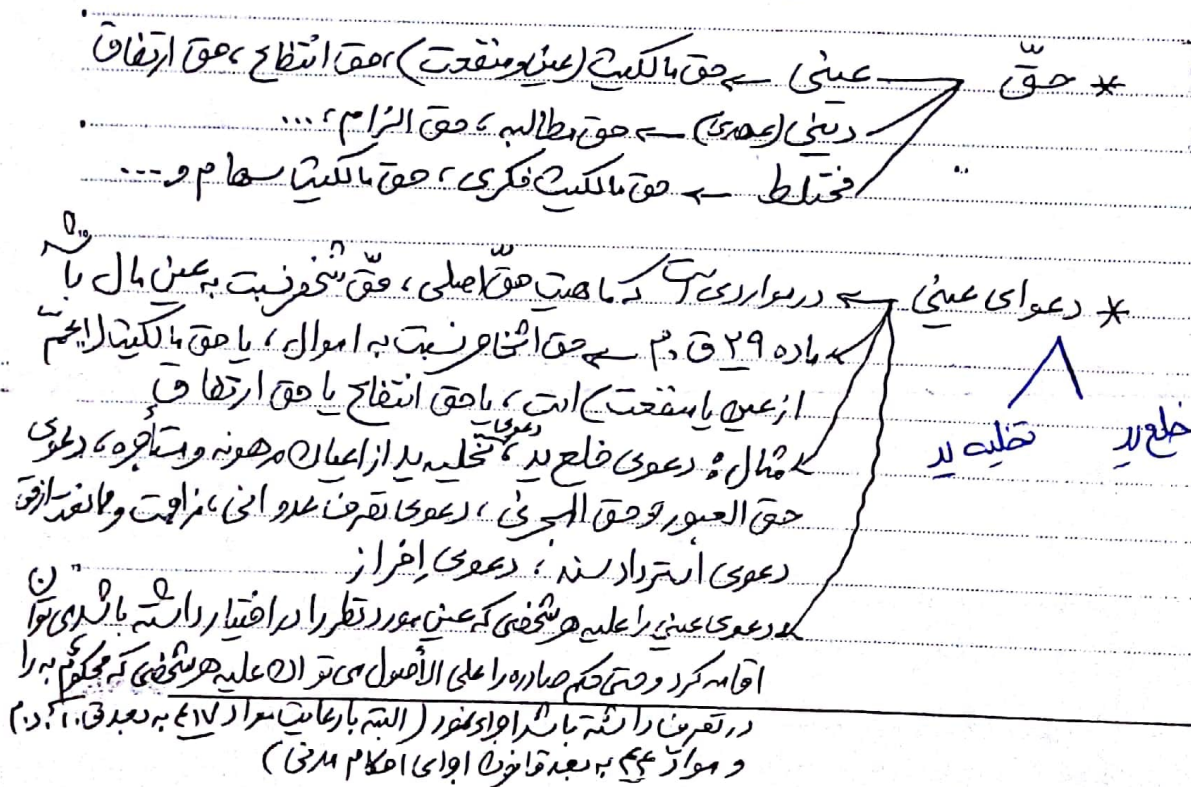
- \* اهلیت
    - ← ماده ۹۵۴ ق.آ.ر.م ← اهلیت تبع (دارای بودن حقوق بازرانه متولد شده انسان شروع و با بزرگ او تمام می شود، و تحمل تبع از حقوق به نفع می شود بشرط آنکه زنده متولد شود)
    - ← ماده ۹۵۵ ق.آ.م ← اهلیت قانونی (اجرای حقوق عقوق) حاصل نمی شود مگر با اهلیت قانونی (بلوغ عقل و رشید که در ماده ۱۱۱ ق.آ.م آمده است و اقدام دعوی از مصداق بارز اجرای عقوق)
  - \* اهلیت قانونی
    - ← بلوغ : سن بلوغ بموجب تبصره ۱ ماده ۱۲۱ ق.آ.ر.م در پسر ۱۵ سالگی و در دختران ۹ سالگی است
    - ← عقل : در مقابل جنون
    - ← رشید : رسیدن به سن بلوغ، اما نه رشید است بلکه او فشی و کلاه است
- مع الوصف احوال لغوی در مانع صدور از اجرای عقوق است  
به او داد که در وقت شتاب شود (تبصره ۲ ماده ۱۲۱)



## دعوای عینی انواع دعاوی



## الف) دعاوی عینی، شخصی و متقابل



\* دعوی شخصی  
↓  
دطالبه دین  
دعوی الزام به انجام عمل  
یا حوظی الزام به انجام عمل  
مانند نفقه اجار

در مواردی است که ماهیت حق اصلی شخصی و عهدی باشد  
مثال: دعوی مطالبه دین، دعوی الزام به انجام عمل یا حقوقی از انجام  
عمل و ملحقه آن، که معمولاً حق اصلی بر اساس قرارداد یا موجودیت قانون  
مانند نفقه اجار است. در صورتیکه موضوع دعوی در این موارد به صورت  
مستقر شده است، لذا دعوی شخصی دارای ماهیت عهدی و غیره که گاهی گوناگونی  
بوره و ملحقه آن است بر طرف دعوی می‌باشد، مگر اینست  
دعوی شخصی علی الاصله، آنجا علیه شخصی که قانوناً یا طبق قرارداد -  
وجه اصلی برود دعوی علیه او است، قابل طرح بوجه و حکم صادره نیست، اما  
تخلف علیه محکوم علیه (یا در شرایطی وراثت او) قابل اجراء می‌باشد.

\* دعوی مختلط  
← در مواردی است که علاوه بر وجه عهدی حق اصلی، امکان طرح دعوی عهدی و  
شخصی هر دو در مورد آن وجود دارد.  
۱. معادق در اینجا منظور است و یکی در عقد بیع، دیگری در امری می‌تواند در اجراء  
حق مالکیت عهدی، دعوی مالکیت بقوه است. با بیع مطرح کند و هم می‌تواند در اجراء  
شخصی حق دینی و شخصی، دعوی الزام با بیع به تحویل و بیع مطرح کند. هر چند مالک (فردی)  
در عمل یا باید دعوی عهدی (مالکیت) مطرح کند یا دعوی شخصی (الزام به انجام تعهد) مطرح کند.  
دعوی الزام با بیع یا ابطال قرارداد بیع، و نیز دعوی الزام به استرداد مال تحویل شده  
عینی  
تخصی  
الزام به تحویل مسیوع  
بیع ناقص  
عینی  
دعوی  
مالکیت

ب) دعوی منقول و غیر منقول

\* دعوی - لحاظ  
موضوع حق اصلی  
← دعوی منقول  
مال منقول یا اجراء تعهدات باشد. تشخیص اموال منقول  
از غیر منقول بر اساس مواد ۱۲ تا ۲۲ قانون مدنی است.  
دعوی غیر منقول - دعوی که موضوع مستقیم آن، مال غیر منقول  
و یا حقوق راجع به آن (انتفاع، اذیت، ارفاق...) باشد. تشخیص اموال  
منقول از غیر منقول طبق ضوابط مطروحه در مواد ۱۲ تا ۲۲ قانون مدنی است.

تفلیک منقول از  
غیر منقول

۱- دعای منقول در دادگاه محل اقامت خواننده است ولی در غیر منقول محل غیر منقول

۲- دعای منقول هزینه دادرسی با هزینه جاری در دعای غیر منقول فرق دارد.

Subject  
Date

اهمیت تفلیک دعای  
منقول و غیر منقول

۱- چون دعوی غیر منقول علی الاصل در دادگاه محل وقوع مال غیر منقول، و دعوی منقول علی الاصل در محل اقامت خواننده، اقامت خواننده  
۲- از فصل هزینه دادرسی، عین مطابق بند های ۱۱ و ۱۲ ماده ۳ قانون نحوه وصول، هزینه دادرسی دعای غیر منقول بار دعای منقول تفاوت دارد چه در دعای مالی و چه در دعای غیر مالی

مال منقول

امثالی که نقل آن از محلی به محل دیگر ممکن باشد چون آنکه بجز در محل آن واقع و آن آید (ماده ۱۹ ق. ۲۰) - (منقول حقیقی)  
کدام دین از قبیل و عین، کسب و بیع و مال الاقاربه از فصل صلاحیت محاکم در حکم منقول است و لو آنکه بیع یا عین متاعه از اموال غیر منقول باشد

مطالبه دین ناشی از عقود منقول (ماده ۲۰ ق. ۲۰) - (منقول عینی)  
تفسیر: از منقسم ماده ۲۰ نیز در ارتفاع مشهور که دعای مطالبه وجوه مطالبه دین ناشی از عقود منقول و غیر منقول و تفاوت آن در غیر منقول و قرار دادها، مربوط به غیر منقول و تفاوت آن در غیر منقول و قرار دادها، دعوی راجع به غیر منقول مخصوص محصور است و در سایر موارد آن

در صورتی که در دادگاه محل وقوع مال غیر منقول است.  
[نمایراین] بر اساس ماده ۲۰ ق. ۲۰، قانونگذار میان دعوی مطالبه وجوه مربوط به غیر منقول مالی از عقود و قرار دادها، و دعوی مطالبه وجوه مربوط به غیر منقول و تفاوت آن در غیر منقول و قرار دادها، قانونگذار تفصیل نموده و دعوی مستم اقلج را منطوقاً از فصل صلاحیت محاکم در حکم منقول و دعوی مستم روم را منطوقاً از دعوی راجع به غیر منقول دانسته که فتوحی دعوی اضطراراً در تحت عنوان صلاحیت ماده ۱۱ قانون آ. آ. د. آ. قرار می گیرد. (رای وحدت رویه شماره ۳۱/۶۱۶۱۵)

مال غیر منقول

اصلی - اراضی و اشیه و منقوبات و ... - مواد ۱۲ و ۱۳ او -  
مکمل - حیوانات و ابزار آلات اقتصادی یافته نیز پس از رای - ماده ۱۷  
تبعی - حق انتفاع و ارتفاق  
دعوی راجع به اموال غیر منقول (فصل دوم و پارا ۱۰۴)

\* برخی دعاوی غیر منقول است

- ۱- دعوی اثبات مالکیت مال غیر منقول
- ۲- دعوی حقوق عینی نسبت به غیر منقول (اثبات حق امتیاز و حق ارتفاق، اثبات حق تجزیه، اقد به شفعه و...)
- ۳- دعوی تصرف (دعوی طرقات)
- ۴- مطالبه اجرت المثل مال غیر منقول
- ۵- مطالبه خسارات وارده بر مال غیر منقول
- ۶- دعوی سرقتی
- ۷- دعوی فلاحیه
- ۸- دعوی افراز و فروش مال غیر منقول
- ۹- دعوی اثبات وقفیت مال غیر منقول
- ۱۰- دعوی راجع به وسایل که اوزری مالک آنها را به امرش اوزری افشاء کرده است

\* مصادر حق مورد اختلاف در دعاوی منقول و غیر منقول:

- ۱- دعوی الزام به انتقال مال غیر منقول (الزام به تنظیم سند رسمی)
- ۲- دعوی الزام به تحویل مال غیر منقول (الزام به تسلیم مبیع)
- ۳- دعوی الزام به انجام تعهدات ناظر به خود مال غیر منقول (الزام به ساختن بنا)

نکته: مستأجر اختلاف در منقول یا غیر منقول بودن این دعاوی، تفاوت عملکرد در نحوه جمع مفاد مواد ۱۳ و ۱۴ قانون آ.د.م از یک طرف و ماده ۱۰ آ.ق.د.م از طرف دیگر است که نهایتاً منجر به صدور نظریات مشورتی است و در آن صورت رویه علامه ۳۱ هیات عمومی دیوان عالی کشور است.

۶۳، ۹۵



در دعوی منقول امکان طرح دعوی تصرف نیست. باین دعوی مالکیت طرح کند.

Subject ۵۷  
Date

- نکته:
- ۱) دعوی تصرفی و منقول: دعوی که موضوع آن الزام خواننده به انجام تصرف باشد صحت آن تعلق در ارتباط با مال غیر منقول باشد مانند:
    - دعوی الزام به انقضاء تعلق اوقات سابقه مال یا تحویل مال
    - یا الزام به تنظیم سند رسمی مال غیر منقول
  - ۲) در صورتی که در اصل تعلق به اموال منقول، اصل بر منقول بودن است اما اگر مواردی که تصریح به غیر منقول بودن شده باشد اصل بنسبت، اگر چه در حقوق زنان مطرح است اما امر حقوق ایران تیره قابل دفاع است

### حج دعوی مالکیت و تصرف

\* دعوی غیر منقول: دعوی مالکیت که در صورت آن، مالکیت خواننده است  
 دعوی تصرف که در صورت آن، تصرفات قبلی خواننده است

\* با توجه به ماده ۱۵۸، آ. د. م. تفکیک دعوی مالکیت از تصرف، تنها در اموال منقول است، هر چند به لحاظ تطبیق، تا میزان مالکیت و تصرف امکان پذیر است اما ماده ۱۵۸ مقرر، این تفکیک را فقط در اموال غیر منقول پذیرفته و عبارت دیگر، دعوی تصرف در مورد اموال منقول مصداق ندارد و مدعی حق، تنها می تواند دعوی مالکیت مطرح کند

\* دعوی مالکیت: دعوی است که موضوع آن، مالکیت خواننده باشد و خواهان در صدر ابیات آن باشد

حق انتفاع و حق ارتفاق، از مستقات و توابع مالکیت است اما بطور مستقل تیره ممکن است برای شخصی در ملک دیگری برقرار شود. پس اگر شخصی مدعی داشته حق انتفاع یا ارتفاق در ملک دیگری باشد و خواهان خواننده مدعی و خواهان چنین شخصی باشد، دعوی مالکیت است نه دعوی تصرف

دعوی حق انتفاع یا ارتفاق از مستقات دعوی مالکیت است.

\* دعاوی تصرف :

- ۱- دعوائی است که مدعیان آن، تصرفات قبلی فوائدها را در اختیار راستی عملی مال یا حق مورد نظر (باش)
- ۲- قائم کننده به متصرف قبلی مال غیر موقوفه، که ملک عدوانا از تصرف وی خارج شده، حق را به است که بدون نیاز به ارائه دلایل مالکیت، به صرف اثبات تصرف قبلی خود تحت شرایطی از نگاه، حکم رفع تصرف متصرف فعلی را بگیرد، حتی اگر تصرف فعلی مدعی مالکیت باشد و دلایلی تیر ارائه نماید

۳- دعاوی تصرف  
تصرف عدوانی  
طاعت از حق  
مزاحمت

۴- در دعاوی تصرف عدوانی ماده ۱۵۸ آ.ا.د.ا

فوائدها برابر اثبات حق خود، तथा به تصرفات سابق خود استناد می کند و به حق مالکیت خود متمسک نمی شود، همچنین ادعای می کند که تصرفات فوائده عدوانی است بدون آنکه به مالک بودن یا نبودن خواننده اطلاق نماید (سبق و لحوق تصرف) لاقانونیته را در این مقام، تصرف را مورد حمایت قرار داده و توقیفی به مالکیت ندانسته است

حوزه گاه در این دعوی، وارد دلایل مالکیت نمی شود तथा तथा به سبق و لحوق تصرف و عدوانی بودن آن رسیدگی می کند و در صورت احراز سبق و لحوق تصرف و عدوانی بودن آن، خواننده را محکوم به رفع تصرف می نماید

در این صورت حکم به بی وضعی فوائدها می دهد و چنین مالک ملک باشد

حکم است در دعوی تصرف عدوانی، مانع از اقامه دعوی مالکیت نمی شود

مقاله دعوی تصرف عروای  
تصرف عروای  
خلع بد و تخلیه بد

مدر دعوی تصرف عروای، سبق تصرف خواهان و عروای بودن  
تصرف خواننده مورد رسیدگی قرار نمی‌گیرد  
مدر دعوی خلع بد، مالکیت خواهان و غاصبانه بودن  
بد خواننده، رسیدگی و اثبات رسیدگی  
مدر دعوی تخلیه بد، خواهان، بد قانونی خواننده را قبول  
و خواننده هم مالکیت خواهان را قبول ندارد، اما خواهان  
ادعای آنکه اگر ادعا بد خواننده بر ملک مهر را دعوی  
بر خلاف قانون یا قریب بر آورده و باید از آن تخلیه کرد  
مانند دعوی تخلیه بد علیه استاج

دعوی خلع بد مفهوم است  
تصرف عروای  
خلع بد، مفهوم اخف  
تخلیه بد

ادامه حکم دعوی تصرف (رکاعی ثلاث) از صفحه ۱۳۱ تا صفحه ۱۴۸ کتاب  
به بافت کارگاه مکتول است

تفاوت عروای با  
خلع بد و تخلیه بد

۱- در تصرف عروای، سبق تصرف خواهان دعوی بودن تصرف  
خواننده مورد رسیدگی قرار می‌گیرد.  
۲- در دعوی خلع بد، مالکیت خواهان و غاصبانه بودن بد خواننده  
رسیدگی می‌شود.  
۳- در دعوی تخلیه بد، خواهان بد قانونی را قبول دارد و بد خواننده  
هم مالکانه بودن خواهان را قبول دارد اما خواهان ادعای بد خواننده  
بر ملک را خلاف عقد و قریب بر آورده

# دعاوی مالی و غیر مالی

تفاوت تشخیص دعاوی مالی از غیر مالی  
از جهت تجدید نظر خواهی دعاوی غیر مالی در حال قابل تجدید نظر خواهی

از جهت هزینه دادرسی دعاوی غیر مالی در فرض مختلف ارقام معینی است و بصورت درصدی نیست  
موضوع دعاوی مالی، حقوق مال است و موضوع دعاوی غیر مالی، حقوق غیر مالی است

حقوق مالی آن است که ادوی آن مستقیماً برای دارنده، ایجاب مستحق نماید که قابل تقویم به پول باشد مانند حق مالکیت نسبت به خانه که مستقیماً برای دارنده آن ارزش پول دارد و مانند حق طالب

بهره حق مالکیت در صورتی که مستحق آن است؛ حق مالی، ضرری است که به پول تقویم می گردد مثل کسیکه مستحق است مبلغی از آن شخص یا صحتی به دیگری بدو و تیره مالک حق نفقه و صحت منسوخ قرار داد های مالی

غیر مالی آن است که ادوی آن، مستقیماً مستقلاً قابل تقویم به پول باشد ایجاب نماید مانند حق نفقه، حق زوجه صحت و ایصال آن، لذا صحتی که غیر مستقیم قابل تقویم به پول باشد مثل نفقه، حق نفقه و توارث برای زوجه ایجابی کند حق مالی شمرده نمی شوند

دعاوی مالی در تمام موارد که حق تضییع یا انکار شده، مالی باشد، دعاوی مالی است مانند دعاوی منسوخ، دعاوی بطلاق، دعاوی بطلان دعوی بی اعتباری شده و... در صورتیکه در نظام حقوقی مال با ارزش به معنای دیگر، دعاوی مالی همواره بطور مستقیم دارای آثار مالی است  
غیر مالی آن است که حق مستقیم آن، غیر مالی باشد، لذا دعاوی زوجه صحت، ایصال، نفقه، ولایت و امثال آن و همچنین دعاوی التزام به انجام تعهدات و وفای قرار دادی و قائلی غیر مالی است

### \* دعاوی غیر مالی ذاتی و اعتباری (فکری) :

\* دعاوی غیر مالی ذاتی ← که حق موضوع دعوی، از حقوق غیر مالی است  
 مانند دعوی نسب، زوجیت، و...  
 اعتباری (فکری) ← که حق موضوع دعوا، ذاتاً مالی است اما  
 قانونگذار آنرا از قبایلی در حکم دعاوی غیر مالی دانسته است  
 و به تعبیر قانونی "تعیین بهای خواهنده ای آن  
 قانوناً لازم نیست"

\* مدارج دعاوی غیر مالی اعتباری  
 بر اساس بند ۴، ۶، ۸، ۱۳ ماده ۷  
 قانون فکری که در خصوص ثبت و ثبت  
 مصوب ۱۳۶۴

۱) دعاوی فسخ به، در صورتیکه مالکیت، مورد تراخ نباشد  
 ۲) در رفوایت افراز و تقسیم و فروش اموال مشاع، در صورتیکه  
 مالکیت مورد تراخ نباشد  
 ۳) دعاوی وضع به، در روابط موجود استأجر به استثنای  
 مطالبه اجور، مانند دعوی تخلیه به  
 ۴) دعاوی مزاحمت و طاعت از حق و تصرف عدوانی  
 در اعیان غیر منقول

\* احکام دعاوی غیر مالی اعتباری  
 حق الوکاله وکیل در این گونه دعاوی، در حکم دعاوی غیر مالی است  
 (ماده ۸ آیین نامه تعرفه حق الوکاله مصوب ۱۳۵۰)  
 یعنی درگاه میزان حق الوکاله و خسارت مورد مطالبه کند  
 طرف محکوم که را تعیین می کند  
 مطابق بند ۱۴ ماده ۱۳ قانون نحوه وصول محسوسات سال ۱۳۵۰  
 و اصلاحات بعدی، هزینه واریسی دعاوی غیر مالی در فروشن  
 مختلف، ارقام معینی است  
 طبق بند ۳ ماده ۲۴۱ ق. آ. د. م، کلیه احکام صادره در  
 دعاوی غیر مالی، قابل تجدید نظر خواهی است

۴۰ مصاریق دعاوی غیر مالی ذاتی  
(در حقوق موضوعه آنها غیر مالی است)

دعاوی حقوق الناس از قبیل نکاح، طلاق، رجوع در طلاق، نسب، ولادت و وصیت (به استثنای وصیت به زوجه مدعی که مطابق ماده ۲۷۷ آ.د.م مالی است)  
حجر، وقف، نكاح، عین و نكاحیت و... (ماده ۲۷۱ و ۲۷۷ آ.د.م)

۴۱ احکام دعاوی غیر مالی ذاتی  
و اعتباری

دعاوی مالی ذاتی در صورتی که حکم دعاوی غیر مالی قرار می گیرد که قانونگذار همه اعتبارش سنی کرده باشد (مانند دعوی تخلیه)  
دعاوی غیر مالی حکمی، هر چند از روی بر مبنای دعاوی ذاتاً غیر مالی موضوع ماده ۱۲ قانون نحوه وصول در دعاوی است  
بد آرای قاطح صادره نسبت به دعاوی غیر مالی حکمی، مانده دعاوی ذاتاً غیر مالی، قابل تجدید نظر است  
حقوق العکاله و تکلیف در دعاوی جمع مالی حکمی مانده دعاوی ذاتاً غیر مالی، توسط دادگاه تعیین می شود

۴۲ ضوابط:

- ۱- در موارد تردید در مالی یا غیر مالی بودن یک حق، اصل بر مالی بودن آن و بالتبع مالی بودن دعاوی مربوطه است چون غالب حقوق مالی می باشد.
- ۲- اگر چه دعاوی اعتباری از نظر رازری و اعتبار از حکم نیست، طبق ضوابط یاد شده باید در مالی شمرده شود، کما اینکه اراره حقوقی قوه قضائیه نیز همین نظر را داشته است، اما طبق رای وحدت رویه شماره ۶۶۲/۲۹۹ دعوی از بورد غیر مالی شمرده شد و در ماده ۱۴ قانون نحوه اجرای محکومات مالی مصوب ۸۶۷/۲۹/۹۴ نیز تصریح به غیر مالی بودن آن گردید.
- ۳- ضوابط یاد شده در مورد دعاوی مالی و غیر مالی، در صورتی است که "اقامه دعوی" شده باشد، اما اگر اقدام خواهان صرف در فرات "گوره و تحوا" شمرده نشود باید به ضوابط مربوط به طلاق و غیره توجه شود مگر در فرات تا من لیل و تا من فرات و... و غیر فرات، گواهی صورت است و در صورت ترک و خصمه و تبیین آن در سایر فرات است چنانچه در امور جاری، از روی ضوابط یاد شده است.  
و قابلیت تجدید نظر خواهی، در صورتی که در فرات ۱۴ ماده ۱۴ قانون نحوه وصول و ماده ۲۷۵ قانون امور قضی بوده و از موضوع بحث قاطع خارج است



\* مواد استنادی مربوط به مواد ← مواد ۱۹ - ۲۴ - ۲۸ - ۸۳ - ۸۹ -  
صلاحیت ذاتی  
از قانون آ.د.م  
۱۰۳ - ۱۱۱ - ۱۲۵ - ۱۳۰ - ۱۴۱ -  
۳۵ - ۳۱۱ - ۳۴۸ - ۳۵۲ - ۳۷۱

\* صلاحیت محلی ونسبی ← صلاحیت محلی ← مواد ۱۱ تا ۲۵ و ۳۱ آ.د.م  
← صلاحیت نسبی ← مواد ۹ و ۱۵ قانون شورا

\* نکته (درباره صلاحیت محلی ونسبی) :

- از ماده قانون آ.د.م مصوب ۷۹، صلاحیت محلی ونسبی را یکی دانسته و به همین  
خلیل عنوان فعل اول از باب اول را (در صلاحیت ذاتی ونسبی نگاهها) قرار  
داده است مع الوصف به نظر میرسد.

اولاً مفهوم صلاحیت محلی با صلاحیت نسبی متفاوت است چون صلاحیت محلی مربوط  
به تعیین نگاهه و در صلاحیت ذاتی در حوزه قضائیه و قلمرو محلی است و این است  
اما صلاحیت نسبی را هیچ به حساب مبلغ فوارسه است مثل نگاههای حقوقی  
۱ و ۲ در قانون سابق و شورا را اصل اختلاف در قانون جدید که صلاحیت  
رسیده به رعایای تا ۲ میلیون تومان را دارند.

علازاً در حال حاضر با تصویب قانون شورا با اصل اختلاف در سال ۹۴ و مواد ۱۵ و ۱۵  
آن که رضایت ۲ میلیون تومان را با شورا تعیین و امکان بروز اختلاف  
میان شورا و اصل اختلاف و مرجع قضائیه را مطرح کرده است، باید میان صلاحیت  
محلی ونسبی تفکیک نمود همچنین آنکه در امور کثیر میان کثیر او ۲ تفاوت  
در صلاحیت نسبی وجود دارد و اخیراً هم موضوع را کمی وحدت بود ۷۵۲  
صل اختلاف میان کثیر او ۲ که در یک استان باشند، مانند گاه ۶۵، ۶۲  
تجدید نظر نگاهه استان است، هر چند مطابق ماده ۱۵ قانون شورا  
صل اختلاف، در صورت بروز اختلاف میان شورا و اصل اختلاف و مرجع  
قضائیه، لازم الاتباع است.

ثانیاً منطبقاً بر صلاحیت نسبی بر صلاحیت محلی در قانون آ.د.م سال ۷۹، بدلیل حذف نگاهه  
حقوقی او ۲ از سیستم قضائیه و مطرح بنوع صلاحیت قانون شورا اصل اختلاف در آ.د.م



ب) مقررات صلوات ذاتی

\* صنف و مرجع در تعیین مرجع صلوات است، ابتداء باید به این موضوع توجه شود که دعوا باید در مرجع ادراری مطرح شود و یا در صلاحیت مرجع قضائی است؟ سپس در کدام نوع ضابطه دعوا در صلاحیت مراجع قضاء باشد؟ بررسی کرد که آیا در صلاحیت مرجع مدنی است یا مرجع کنونی؟

\* نوع مرجع در صورتیکه موضوع در صلاحیت مرجع قضاء مدنی باشد (که در صلاحیت مدنی هم هست) از آنجا که مراجع مدنی خود از صفت نوعی، به مراجع عمومی در صلاحیت قضائیه نیستند، لذا باید توجه شود که آیا آراء مراجع مدنی در صلاحیت رسیدگی به موضوع را نداشته مرجع مدنی عمومی است یا اصطلاحی است که با توجه به ایند صلاحیت مرجع اصطلاحی استثنائی در رسیدگی به دعوا، نیاز به تعیین مرجع دارد لذا ضابطه دعوا در صلاحیت هر یک از مراجع استثنائی باشد در صلاحیت مرجع مدنی عمومی خواهد بود.

\* در صنف و مرجع از آنجا که در هر نوع از مراجع عمومی یا اصطلاحی، باره (قضائیا یا ادراری) در جاتی و عبدالله که مرجع قضائیتی در صلاحیت دعوا است در آن (در صنف و ادراری) لذا نوع بدوی (در دعوا) از مرجع تجدید نظر (در صنف و تجدید نظر) بنا بر این می توان گفت صلاحیت بدگاه محکومی نسبت به بدگاه تجدید نظر استوار و بالعکس، ذاتی است و مدعی باید برای تعیین مرجع ادراری صلاحیت ذاتی، در بدگاه ارائه مورد توجه قرار دهد و بدگاه دعوی بدوی عمومی را در مرجع تجدید نظر از صنف قضائیه و از نوع عمومی مطرح نماید.

مثال و برای تعیین مرجع صلوات (صلوات ذاتی) در دعوی افزایش مال مشاع میان دو نفر شخص حقیقی در شهرستان قم، باید به ترتیب زایل عمل کرد:   
مقام اول ← برای صنف و مرجع، اولاً دعوی اختلاف میان دو شخص حقیقی حقوق حقیقی است، لذا مرجع صلوات، مرجع قضائی است نه ادراری، ثانیاً دعوی اختلاف با افزایش مالکیت جسم نیست، پس مرجع صلوات حقوقی است نه کنونی   
مقام دوم ← برای نوع و مرجع، برابر با رسیدگی قانونی (افزایش مال مشاع) ضابطه صلاحیت مدنی است   
فائده یافته باشد، در صلاحیت مرجع حقوقی اصطلاحی (الارائه ثبت) است، در غیر اینصورت در صلاحیت مرجع حقوقی عمومی (بدگاه محکومی حقوقی) است

لذا مقام سوم ← برای مرجع و مرجع، مورد در خواست افزایش در بدگاه است که در صلاحیت عمومی است   
به مرجع اصطلاحی در بدگاه (اداره ثبت) یا بدگاه محکومی حقوقی (بدوی) مراجعه شود

۱) ویژگی‌های مقررات  
صلاحیت ذاتی

→ آبره بورن، هم در وصف، هم در توجیح و هم در رسیدن  
مردم مربوط به سازماندهی در نگاه عمومی نظری  
دارد و هر چه بهتر آن است و مربوط به نظم عمومی است  
که لازم نبودن ایراد و قابلیت طرح در تمام مقاطع  
و مراحل رسیدگی (بند شماره ۲۷۱ و ماده ۳۵۲ آ.د.ا)  
مگر اینکه جریان رسیدگی فائده یافته و حکم قطعی صادر  
شده باشد که در صورتی برای طرح عدم صلاحیت  
ذاتی باقی نمی‌ماند  
→ همی ایراد بورن توافق اهمیت رعایت در واداری  
رسیده به هر معنی که صلاحیت ذاتی ندارد

۲) صلاحیت نسبی (محل)

الف) مفهوم صلاحیت نسبی (محل) → این است که در فرض صلاحیت ذاتی دارگاه عمومی محلی

که نام دارگاه عمومی از بین تمامی دارگاه‌های عمومی سراسر ایران  
صلاحیت رسیدگی به موضوع را دارد  
\* معمولاً تشخیص دارگاهی که صلاحیت نسبی (محل) دارد، تنها در مرحله بدوی ممکن است  
در سایر مراحل چون مرجع تجدید نظر از آرای دارگاه عمومی محلی، دارگاه تجدید نظر (تکمیل پرونده)  
است و صلاحیت محلی مراجع اختصاصی نیز در صورتی که صلاحیت برای اقرار ملک که در بیان  
بسی آن فائده یافته، باید به اداره ثبت محل وقوع ملک مراجعه کرد  
\* در ضمن معتقد است: از آنجا که در حال حاضر تمامی دعاوی اگر در صلاحیت مراجع اختصاصی  
باشد، صرف نظر از توجیح یا نوزاد و بنای خواننده، در مرحله بدوی، اما در دارگاه عمومی اقرار شده  
گذارد تشخیص صلاحیت نسبی نگاه عمومی، فقط باید به صلاحیت محلی توجه کرد، زیرا در نگاه خانوار  
در قرار حل اختلاف هر دو مراجع اختصاصی است و در صورتی که دعوی محلی نمی‌شود پس  
در بررسی صلاحیت نسبی، تنها صلاحیت محلی مطرح می‌شود که باید بررسی شود که دعوی در دارگاه عمومی  
که است. از نقاط ایران باید اقامه شود. (دره بنیادین ج ۱ - ص ۱۶۲)



استثنائات محل  
صلاحیت دادگاه محل  
اقامت خواننده

موارد تعیین شده در قانون ← ۱۴ مهر

موارد استثنای ← استثنای توطئه خواننده  
توافق طرفین

نکته: موارد استثنائی که دادگاه صالح را ضور قانون تعیین کرده:

۱) دعوی اموال غیر منقول ← دادگاه محل وقوع مال غیر منقول صالح است  
۱۲ ق. آ. د. م

۱-۱ \* دعوی اموال غیر منقول محل دعوی مالکیت، دعوی تصرف، دعوی حق - انتفاع (حق ارتفاق) و... است. حق مالکیت درباره ای و حقوق انتفاع و ارتفاق درباره ۲۹ ق. آ. د. م مطرح می‌گردد.

۱-۲ \* در موارد شک و تردید در محل مال، آ. د. م بر یک مصداق که آنجا دعوی غیر منقول است یا منقول، باید اصل صلاحیت دادگاه محل اقامت خواننده او در ۲۰ قانون مدنی، دعوی مطالبه وجه در ربط با غیر منقول و نیز اوت اسبق آن، در غیر مصد عقود و قراردادها، دعوی راجع به غیر منقول بر وجه شده و در صلاحیت دادگاه محل وقوع مال غیر منقول است.

۱-۳ \* دعوی با خواسته الزام به انجام عقد یا قرارداد (که موضوع آن حتی بطور مستقیم مال غیر منقول باشد) مانند تقدیم طلب مال غیر منقول) با توجه به اطلاق ماده ۲۰ قانون مدنی، دعوی منقول است، هر چند بتوان چنین دعوی را دعوی مختلط به حکم آ. د. م (برای وحدت رویه)  $\frac{۳۱}{۶۳۹۱۵}$

۱-۴ \* طبق رأی وحدت رویه  $\frac{۳۱}{۶۳۹۱۵}$  ناظر به ماده ۲۰ ق. آ. د. م منظور از مطالبه وجه در ربط با غیر منقول نامی از عقود و قراردادها مانند الزام به پرداخت کسب و بیع، رهن منقول است.

مفهوم ماده ۲۰ ← دعوی مطالبه وجه در ربط با غیر منقول و نیز اوت اسبق آن در غیر مورد عقود و قراردادها مانند مطالبه خسارت وارده به مال غیر منقول از دعوی راجع به غیر منقول است.

۲-۱- نظر بر صورتی شماره  
۷،۸۴۱  
۸،۲۱۸  
دعوی مطالبه امور معوقه (اجاره بها) و خسارت تأخیر تادیه ناشی از آن  
در صلاحیت دستگاه محل اقامت خواننده است  
دعوی الزام به تنظیم سند رسمی غیر منقول، خلع ید و مطالبه اوت اسل  
در صلاحیت دستگاه محل وقوع ملک است

۷-۱- در دعوی که موضوع دعوا، اموال غیر منقول و منقول (تعداد و ارادای یا اقامت)  
هر دو باشد، کلیات الزام به تحویل مالین بشخص زنی اخصاص یافته به عمل زراعت  
زیر و نیز تعیین و رفع عیب آن مطابق قرارداد مطابق ماده ۱۵۱ ق.آ.د.م.  
دعوا در محل وقوع مال غیر منقول اقامت است

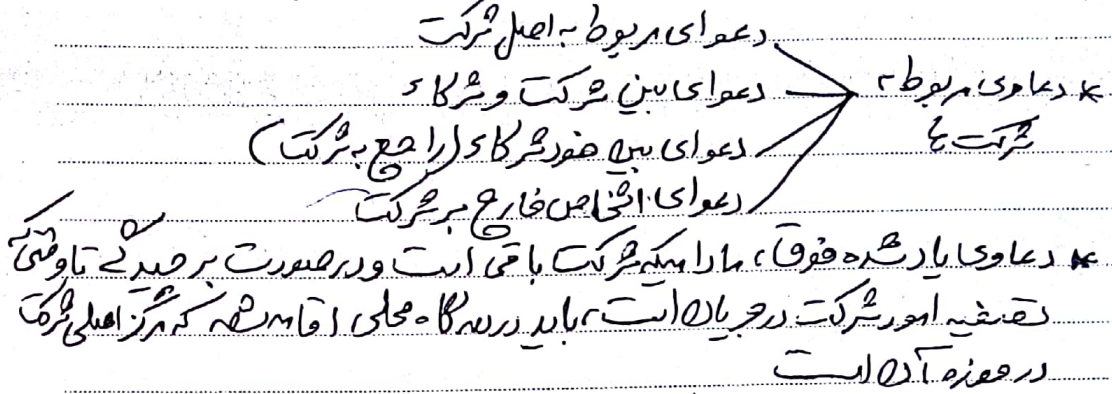
۲) دعوی ترکیبی متوقفاً: (ماده ۲۰۱ ق.آ.د.م)  
\* دعوی ترکیبی متوقفاً  
از سایر اشخاص ذی نفع در ترکیب

دعوی ترکیبی متوقفاً  
دارای ترکیب تقسیم نشده ← در صلاحیت دستگاه محل اقامت  
اقامت متوقفاً است  
این از تقسیم ترکیب ← تابع قواعد دعوی صلاحیت است

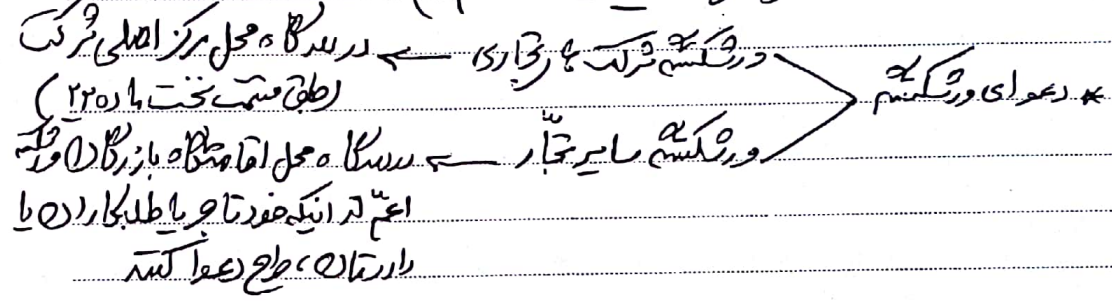
۳) دعوی و امور فائزگی مربوط به زوجین: (مواد ۱۲ تا ۱۵ قانون حمایت خانواده)

هر دو مقیم ایران ← زوجین  
اقامت دعوا کند همسرانکه خواننده اش مطالبه امور غیر منقول  
باشد که در صلاحیت دستگاه محل وقوع مال غیر منقول است  
هر دو مقیم خارج ← یک از آنها سکونت موقت ← دادگاه محل سکونت فرد در ایران  
در ایران دلد  
هر دو سکونت موقت ← دادگاه محل سکونت زوجین صالح است  
در ایران دارند  
هر دو سکونت موقت ← دستگاه مقیم خواننده (اصلاح است  
مگر اینکه فرد زوجین مقیم  
باشد در ایران  
مکنه از آنها مقیم خارج ← دادگاه محل اقامت طرفی که در ایران است صالح است  
به محل رسیدگی

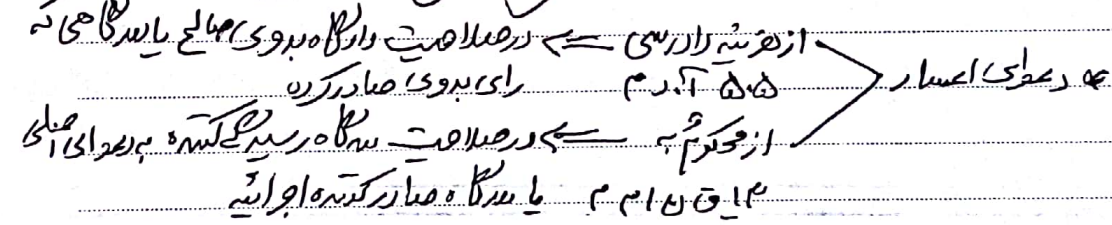
۴) دعاوی مربوط به شرکت‌ها (ماده ۲۲ قانون ۲۰۰۶)



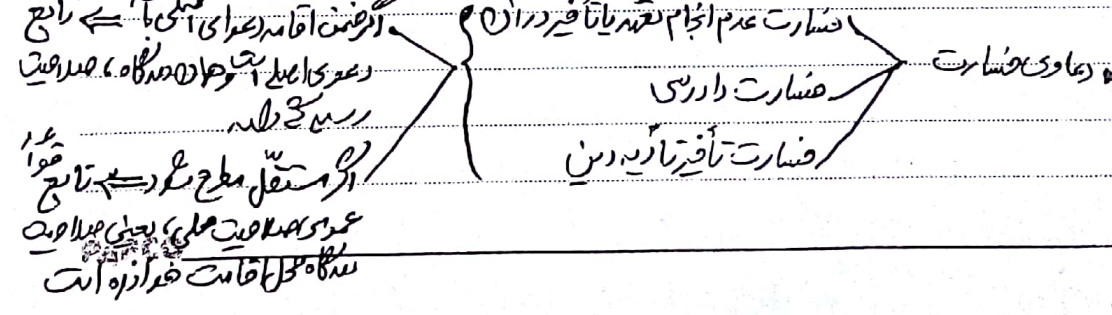
۵) دعاوی ورشکستگی (ماده ۱۱۱ قانون ۱۳۸۵)



۶) دعاوی اعتبار (ماده ۱۴ قانون نحوه اجراء محکومات برای و ماده ۵۵۵ قانون ۱۳۸۵)

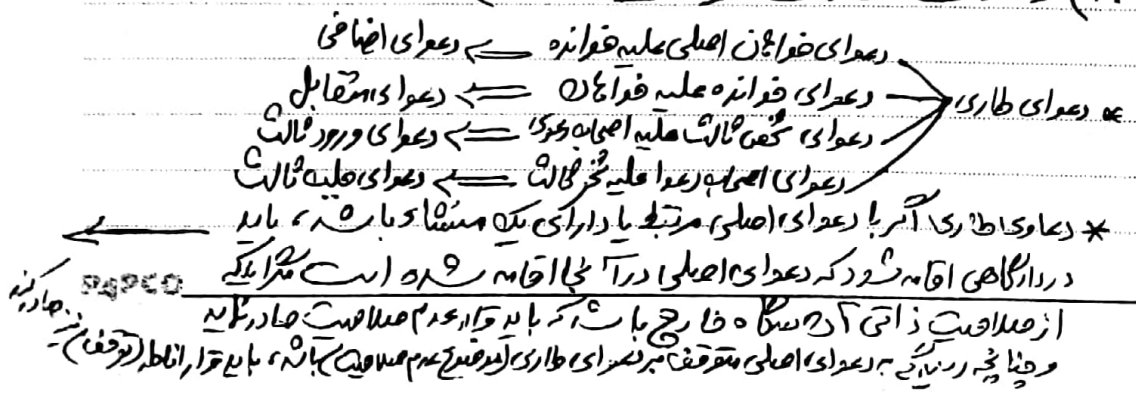


۷) دعاوی حضارت (مواد ۵۱۵ تا ۵۲۲ قانون ۱۳۸۵)



- ۷-۱ \* در صورت تضاد ناسی از عدم انجام یا تأخیر انجام تعهد، اولاً خسارت وارده باید تعلیق  
تقصیر خواننده و به واسطه مستقیم باشد. ثانیاً خسارت از باب اتلاف و تسبیب باشد  
و خسارت ناسی از عدم القع قابل مطالبه است
- ۷-۲ \* خسارات رادری عبارت از: هزینه رادری و حق الوکاله وکیل و حق الزحمه کارکنان  
و هزینه تحقیقات محلی و هزینه ترجمه اسناد و هزینه ایام و زحمات محله
- ۷-۳ \* بر اذیت خسارت رادری تمسک مستلزم اوانه تقصیر محکوم علیه است، بنا بر این و  
اولاً ضایع طرفی که هزینه ها را بر اذیت نموده، جزئاً یا کلاً در دعوا محکوم شود،  
حق مطالبه آن را از طرف مقابل (حسب مورد جزئاً یا کلاً) خواهد داشت  
ثانیاً در صورتیکه اذیت حق محکوم له، ناسی از تقصیر محکوم علیه باشد، مثل موردی که  
واحد و شواهدی وجود داشته باشد که در صورت وجود رین اوزی حقیقی طرف مقابل  
عالم و یا بطعن نموده و دعوی رادری حق نداشت است می تواند قابل به عدم تقصیر محکوم علیه  
و در نتیجه عدم استحقاق محکوم له به خسارات رادری است
- ملاحظه مطابق ماده ۱۶ آ.د.م، در صورتیکه خواننده جزئاً محکوم شود و علی الاصله فقط نسبت به  
حاله خود محکوم به پرداخت خسارت رادری به فوائده و نسبت به خود نیز مستحق  
در یافت خسارت رادری که خود متحمل شده باشد و در چنین وضعی درین مورد  
به خسارت هر یک در مقابل دیگر تراضی شده، و سگاه عند الاقتضا نسبت به نسبت  
یا کمینده حکم مقتضی صادر نمی گردد
- ۷-۴ \* در خسارت تأخیر تادری، موضوع ماده ۱۲ آ.د.م، و از آنجا که رادری اصل و تقصیر  
باموضوع و صیغه می باشد و وقت آن می تواند عقد و من یا هر عقد دیگر و یا حتی و قایع  
حقوقی باشد عقیقه، اتلاف، تسبیب و... باشد

(۸) دعاوی طارق (ماده ۱۷ آ.د.م)



۹) اختلافات ناشی از اجمال یا ابهام احکام (ماده ۲۷ قانون اجرای احکام مدنی)  
\* منظور از اختلافات، در طرز فهمیدن حکم صادر کرده رسیدگی می‌شود، مانند اینکه حکم ضلع به از ملکی صادر شده و به سبب مجمل ذکر شدن حدود ملک در حکم، در جریان اجرای حکم ایجاد اختلاف شود.

۱۰) اختلافات ناشی از اجرای احکام (ماده ۲۶ قانون اجرای احکام مدنی)  
\* منظور از اختلافات، در رسیدگی به شکایات است که حکم توسط آن دستگاه اجرای شده به استثنای اختلافات راجع به مقدار حکم و اینکه چگونه باید اجرا شود. در صلاحیت دستگاه صادرکننده حکم است، مثلاً اگر در جریان عملیات اجرای مال محفوظ مانده، عنوان مال محکوم علیه ترویج یافته، زنی بقیع باند به دستگاه می‌راند که حکم توسط آن اداره اجرای می‌شود.

۱۱) رعایای اطفال دستور اجرای سند لازم الاجرای (ماده ۱۲ قانون اصلاح بعضی از مواد قانون و رفتار استاندارد رسمی مصوب ۱۳۳۲)  
\* این رعایا در صلاحیت دادگاه محل رجوعی است که دستور اجرای صادر می‌شود، که می‌توانند محل اقامت خوانده (مستحق سند) بنمایند.

۱۲) رعایای راجع به اسناد ثبت احوال (ماده ۴ قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۵۸)  
\* مبحث ماده ۴ قانون یاد شده، رسیدگی به شکایات اشخاصی که از ثبت احوال شکایت کرده‌اند و همچنین رسیدگی به شکایات راجع به اسناد ثبت احوال که در صلاحیت دستگاه محلی است، با دادگاه محل اقامت خوانده است.

۱۳) درخواست دادرسی فوری (مواد ۳۱ و ۳۱۲ قانون آ. د. م.)  
\* درخواست فوری، در صلاحیت دادگاه محلی است که به اصل دعوا رسیدگی کند و با صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا در دادگاه و ضابطه موضوع درخواست دستور ثبت در دفتر دادگاه محلی غیر از دستگاه مذکور باشد، درخواست از آن دستگاه بعلی آن است، حتی اگر صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را نداشته باشد.



۱۴) در فوائد تأمین دلیل (ماده ۱۴ قانون آ. د. م.)  
\* در صداقت به گاهی است که دلائل و امارات مورد در فوائد در حفزه آن  
واقع است. البته در محل ها که شورای حل اختلاف تشکیل شده،  
در فوائد تأمین دلیل در صداقت شورای محلی است که دلائل و امارات  
در حفزه آن است.

دو) موارد استثنائی که تعیین به گاه صالح به انتخاب اصحاب دعوا است:

الف) انتخاب توسط افراد

\* انتخاب دارگاه صالح

دعوی بزرگان و دعوی منقول ناشی از وراثت (که طبق ماده ۱۳ قانون آ. د. م. فواید آن می تواند به دادگاه محل محققه وراثت یا محل انجام تعهد رجوع کند) و دعوی خانوادگی، که موضوع ماده ۱۴ قانون طاریت طائفه، زوجه می تواند در محل اقامت خواننده یا محل سکونت خود طرح دعوا کند.

دعوی ناشی از تعهد شرکت در قبالت الخاصه است، که طبق ماده ۲۳ ق. آ. د. م.، انجام طاریت می تواند به دارگاه محل اعمار تعقد یا محل انجام تعهد مراجعه کند.

دعوی بطرفیت فدائندگان مستعذر، که به استناد ماده ۱۶ ق. آ. د. م.، می تواند به دارگاه محل اقامت هر یک از خوانندگان مراجعه کند.

دعوی راجع به اموال غیر منقول مستعذر، که باز به استناد ماده ۱۶ ق. آ. د. م.، خواهان می تواند به دارگاه محل وقوع هر یک از اموال غیر منقول مراجعه کند.

ب) انتخاب با توافق اصحاب

طرفین می توانند علیه هم صداقت محلی یک دارگاه توافق کنند که موضوع در دارگاه محل رجوع می شود و هر چند این توافق آنان، برای دارگاه مورد مراجعه، تکلیف اعمار می کند و بسته به اینکه موضوع از مواردی باشد که از فواید آن استثنائی است، چه در یک یا در دو طرف، باید طبق ماده ۲۵۲ یا بند یک ماده ۳۷۱ ق. آ. د. م. عمل شود.





۳ مفهوم اختلاف در صلاحیت

\* اختلاف در صلاحیت  
طبق ماده ۲۷ آ.د.م  
در صورتی است که:

اولاً پس از صدور قرار عدم صلاحیت و فرستاده شدن پرونده، دادگاه مرجع التمساح خود را صالح نداند

ثانیاً دادگاه مرجع التمساح «ارطای عدم صلاحیت» از جانب خود اعلام کند و نتیجتاً نیز در عقیده به صلاحیت همان دادگاه که قرار عدم صلاحیت صادر نموده، راجحه باشد، لذا اگر دادگاه مرجع التمساح اعتبار به صلاحیت دادگاه التمساحی داشته باشد، اختلاف در صلاحیت نیست و باید پرونده را با قرار عدم صلاحیت به مرجع صالح بفرستد نه به مرجع صلح اختلاف

۴ انواع اختلاف در صلاحیت

\* اختلاف در صلاحیت  
طبق ماده ۲۸ آ.د.م

اختلاف قضی ای که هر دو مرجع از خود قضی صلاحیت به شرح صدر کتب و باید پرونده به مرجع صلح اختلاف ارسال شود

اختلاف اثباتی که دعوا یا امر واحدی در دو یا چند مرجع مطرح شود و هر دو یا هر یکی خود را صالح دانسته و لذا صدور قرار عدم صلاحیت علیه تخم اطلاع از صلاح امر در سایر مراجع قدر داری نداشته، که در این صورت بنا بر ماده ۲۸ آ.د.م مراجع رسیدگی کننده به دعوی واحد مکلف اند پس از آگاهی از آن به راهت تعیین مرجع صالح به مرجع صلح اختلاف اعلام کنند و اصحاب دعوا و وکلای نیز مکلف اند مراجع مزبور را آگاه و مطلع سازند، البته رسیدگی در مراجع مزبور که خود را صالح می دانند، تا حل اختلاف ادامه می یابد

۵ مراجع صلح اختلاف

دعوا عالی کشور

\* مراجع صلح اختلاف  
دادگاه تجدید نظر استان

\* مرجع تعیین مرجع صالح  
دعوا عالی کشور



\* موارد حل اختلاف  
 ترتیباً سه گانه تجدید نظر است  
 اصلاحیه اولی  
 اصلاحیه دوم  
 اصلاحیه سومی  
 به طبقه اول ۲۷ و ۲۸ باید  
 سه گانه تجدید نظر حل اختلاف است  
 اصلاحیه اولی  
 اصلاحیه دوم  
 اصلاحیه سومی  
 به طبقه باره ۳۰ و ۳۱ و ۳۲  
 تجدید نظر لازم است

\* موارد اختلاف در صلاحیت  
 غیر مصحح در قانون  
 مورد رسیدگی مراجع قضائیه عمومی یا اختصاصی  
 به صلاحیت مراجع غیر قضائیه (اداری)  
 مانده هیات حل اختلاف مالیات یا کمیته ماده ۱۶  
 از قدرت صلاحیت است  
 طبقه اولی و  
 رویه کاره ۲۲  
 باید برای تعیین  
 صلاحیت به دیوان  
 ارسال شود

مورد رسیدگی مراجع قضائیه غیر محاکم مثل اداره ثبت  
 به صلاحیت مراجع غیر قضائیه مثل کمیته  
 مالیات و هیات حل اختلاف مالیات  
 از قدرت صلاحیت است  
 مرجع صلاحیت  
 از رویه کاره ۲۲  
 یا امر بطور صریح در اداری  
 می کند تا متقاضی  
 آن را در مرجع صلاحیت  
 طرح نکند و در غیر  
 موارد صلاحیت  
 صادر نمی شود

مورد رسیدگی مراجع غیر قضائیه (اداری) مانده  
 کمیته ماده ۱۶ و هیات حل اختلاف مالیات  
 به صلاحیت دیوان عدالت اداری از قدرت  
 صلاحیت است  
 باید پرونده را  
 مستقیماً به دیوان  
 عدالت اداری  
 فرستد

مورد رسیدگی اختلاف در صلاحیت میان  
 خود مراجع غیر قضائیه (اداری) باشد  
 اختلاف میان مراجع غیر قضائیه و  
 دیوان عدالت اداری باشد  
 حل اختلاف طبقه  
 اولی به دیوان عدالت  
 اداری است و در  
 دیوان مستقیم است

# فصل چهارم : اقامه دعوا

## ۱) دعوا و ارفواق :

- اقامه دعوا و شروع به رسیدگی با تقدیم ارفواق انجام میگیرد (۴۸)
- تاریخ اقامه دعوا، تاریخ رسیدن ارفواق به دفتر دادگاه است (۴۹)
- دادگاه در صورتی می تواند به دعوی مدعی رسیدگی کند که در ارفواق باره شده باشد.

## ۲) مفهوم ارفواق :

✳ ارفواق → دادگاهی کردن ← ماده ۴۸  
 فورم جایی محضراً بزرگ عرضی ← ماده ۱۵۹

✳ مفاهیم پایه → ارفواق → ارفواق تأخیر طلب ← ۹۶  
 ارفواق تأخیر فوائده ← ۱۰۸  
 تقاضا → تقاضای رفع عارضت از حق ← ۱۵۹  
 تقاضای دستور موقت ← ۲۲۳

✳ ارفواق، ارفواق تقاضا  
 عملی که دادگاه در پی ارفواق صادر می شود  
 عمل ارفواقان مانند تعیین جلب خارج از نفوس  
 هر چند در مواردی هم بجز صدور قرار (۹۶)  
 یا حکم می شود (۱۰۸، ۱۵۹، ۲۲۳ و ۲۳۰)  
 که در این موارد، ارفواق و تقاضا با هم در بزرگی  
 ارفواق مطرح شده و سایر شرایط آنرا دارا باشد  
 در امور جزایی چنین تفکیکی نیست و ارفواق در آنها اصولاً با  
 منتهی به حکم می شود یا تصمیم یا دستور

۳) شرایط دارخواست: (۶۳ - ۵۱)

شرایطی که ضلالت اجرائی آنها در قانون پیش بینی شده  
 شرایطی که ضلالت اجرائی آنها رد فوری دارخواست است  
 شرایطی که ضلالت اجرائی آنها توقیفی در قضا و افتادار رفع توقیف است

\* شرایطی که ضلالت اجرائی آنها در قانون مطرح شده (شرایط بنیادین)  
 تنظیم در فرم خاصی محض است ← نباید پذیرفته شود  
 امضای دارخواست ← نباید پذیرفته شود  
 تنظیم به زبان فارسی ← قانونی نیست  
 تاریخ دارخواست ← تاریخ تسلیم در دفتر کل دستگاه

\* شرایطی که ضلالت اجرائی آنها رد فوری دارخواست است (باره ۵۶)  
 نام و آقامتگاه خواهان ← بنده اماره ای  
 \* ظرف ۲ از تاریخ رسید دارخواست باید قرار رد فوری در دارخواست صادر شود

\* شرایطی که ضلالت اجرائی آنها توقیفی در قضا و افتادار رفع توقیف است (باره ۵۴)  
 ۱ نام و مشخصات خواننده  
 ۲ تعیین خواننده و بها یا اکتی  
 ۳ ادله و وسایل اثبات دعوا  
 ۴ صورت های دارخواست  
 ۵ تعددات یا ضمانت دیگر استحقاق خواننده  
 ۶ آنچه را که مدعی از دستگاه در خواست کرده  
 ۷ تعداد نسخ دارخواست و دلیل تعدد آن  
 ۸ پرداخت هزینه رازرسی

دارای ستون ۱ تا ۴ در برگ دارخواست  
 غایب ستون ۵ تا ۸ در برگ دارخواست

مشقه بعد



\* ذکر نام واقعا مکنایه فوائده  
اگر در دعوات توبه اولیٰ تقدیر شود، کلمات و کلمات تیره

در دعوات  
(بنده اماره ۵۱)

باید در هیچ کس  
فوائده آن مکتوب است که حقیقی (ارسیه) محمول (مصدق)  
یا نحو عقوبت شرکت، موسسه، اداره، وزارتخانه، شوراه  
مهاد و... باشد  
فوائده آن مکتوب است و بدین معنی بعضی کلمات  
در دعوات می آید و معنی اعم، نحو از یاد گذشته است که  
اظهاریش ضارفاً افضل است و صد فوائده باشد  
فوائده آن مکتوب است یک سخن یا بیشتر باشد، در صورتی که  
از همه افراد در قالب یک شرکت یا بنده که نام خود فقیرتی  
در دعوات قید نمیشود، در غیر این صورت نام نامی  
آنها در دعوات ذکر می شود و در این فرض، ضارفاً  
فقط نام برخی از آنها قید می شود، اگر دعوات قابل تجزیه  
باشد، بمانند بی سهم نام دیگران در دعوات  
رسیده می شود و اگر غیر قابل تجزیه باشد، دعوات تیره

\* دعوی قابل تجزیه و تفکیک :

اگر دعوی قابل تجزیه و تفکیک اند و بعضی از آنها غیر قابل تجزیه و تفکیک اند، دعوی  
غیر قابل تجزیه و تفکیک، دعوی اشخاص متعدد دارای توقع مشترک است که امکان طرح  
دعوی علیه بعضی و عدم طرح دعوی علیه بعضی دیگر در آن وجود ندارد  
هر چند بطور کلی در دعوی اشخاص متعدد دارای توقع مشترک، امکان تجزیه و تفکیک  
هست و می توان دعوی را علیه بعضی از خوانندگان ذی توقع (در رفاخ) مطرح کرد یا علیه  
دعوی مالک علیه یکی از غایبین، اما در دعوی غیر قابل تجزیه و تفکیک این امکان  
وجود ندارد و باید دعوی علیه همه خوانندگان ذی توقع در رفاخ، به طرح شود یا نه دعوی  
حق ارتفاق علیه مالکین ملک مجاور، که باید کلیه اشخاصی که در موقعیت فوائده هستند طرف  
دعوی قرار دهند و دعوی را می توان فقط علیه بعضی از آنها قرار داد و در واقع دعوی

علیه بعضی از آنها نیز سرفته شده، در فرض صدور حکم به توقع فواید، با حقوق آنجا همان  
که طرف دعوا قرار گرفته اند، تعارض داشته و حقوق آنها را بدون اینکه از خود دفاع  
کنند تحت الشعاع قرار می دهد. و به همین دلیل چنانچه در اینگونه موارد دعوا  
فقط علیه بعضی از خوانندگان مطرح شود، و بجز آن استیجاب دعوا صادر نشود  
- مناطه تشخیص این مورد است. تاوی ل در ای شعبه است که و غیر قابل تجزیه این است که  
به طرفه ادوی صحیح صادره واقع به آن دعوا توجه کنیم، به اینصورت که اگر اعتبار  
و ادوار صحیح صادره علیه محترم علیه و سایر اشخاصی که طرف دعوا قرار گرفته اند باشد،  
با آن حق ارتقا در ملک مالکین مجاور، در اینصورت دعوی غیر قابل تجزیه است  
اما اگر صحیح صادره در موقع ادوی تنها علیه محترم علیه قابلیت ادوی یا اعتبار داشته باشد  
و علیه اشخاص دیگر که با محترم علیه توقع داشته ادوی نشود، مثل صحیح مربوط به مطالبه  
قیمت مال محفوظ از کسب از غاصبین، در اینصورت دعوا قابل تجزیه است.

صحت ادوی رد فوری  
دار فواید  
(۵۶)

طرف ۲ روز از تاریخ رسیدن فواید به موجب  
واری که در دفتر مدارک یا قانون او صادر می کنند،  
دار فواید رد می شود  
کدام مقدار از فوری بودن رد، این است که قرار رد در فواید  
به روز اخذ قبلی به فواید صادر می شود.  
در از فواید در مدت ۲ روز از تاریخ رسیدن دار فواید  
به دفتر مدارک رد کرده و دار فواید را تکمیل کنند  
و هزینه قرار رد مدارک رد شده باشد، صدور قرار رد منتهی است

صحت ادوی توقیف از فواید  
و اخطار رفع نقص  
(۵۳ و ۵۴)

طرف ۲ روز از تاریخ رسیدن دار فواید تا بعد از نقص (نیز)  
۲ تا ۶ ماهه (۵۵ و ۵۶-۵۷) بطور کلی و مشروع بموجب  
اخطار به رفع نقص به فواید ابلاغ می شود (توقیف از فواید مدارک)  
فواید از تاریخ ابلاغ بدست و امروز مهلت دارد رفع نقص کنند  
تا دار فواید از توقیف خارج و به جریان بیفتد  
لا اذعان در مهلت و امروز رفع نقص کنند، در فواید که برای  
در دفتر مدارک می کنند و در این قرار به فواید ابلاغ می شود طرف  
از رفع حق اعتراض به مدارک دارد و رای مدارک در این خصوص قطعی است



- تعیین بهای فوائده  
 در مواردی است که فوائده وجه راجح باشد و الا تقویم  
 فوائده و تعیین بهای آن منتفی است و نوشتن مبلغ مورد  
 تقاضا کافی است  
 در مواردی که دعوا ذاتاً غیر مالی است (مانند تکلیف) یا معنی  
 آنرا از دعوی غیر مالی شمرده و حکماً غیر مالی است (مانند تخلیه  
 به از عین متاعه یا ماهی) نیز تقویم فوائده منتفی است  
 در مواردی که قیمت فوائده در موقع تقدیم دادخواست مشخص باشد  
 (مثل اینکه میزان خسارت وارده معلوم باشد) باید مبلغ تکلیف  
 ریال علی الحساب بعنوان هزینه دادرسی پرداخت شود و بقیه آن  
 بعد از تعیین فوائده و صدور حکم در وقت فدا هر یک و سه گانه تکلیف  
 است قیمت فوائده را پیش از صدور حکم مشخص نماید. البته تعیین  
 نکردن قیمت قطعی فوائده در مورد معلوم بنظر آید در صورتی  
 نقض دادخواست برده نمی شود که تعیین بهای فوائده واقعاً ممکن  
 باشد  
 در مواردی که دعوی مستقراً در یک دادخواست (ماده ۶۵) باشد  
 فوائده هر یک از دعوی، جداگانه تقویم و محاسبه شود.

- آثار تعیین بهای فوائده  
 منزهت از رسیدگی و صدور حکم به پیش از آن  
 تعیین میزان هزینه دادرسی  
 قابلیت تجدید نظر خواهی رای صادره

- شیوه تعیین بهای فوائده  
 فوائده مال غیر پول باشد (بند ۱ ماده ۶۲)  
 پول خارجی باشد - به نرخ رسمی بانک  
 مرکز رتبه اشخاص تقدیم دادخواست از راجح است  
 ولی در زمان صدور حکم، فوائده به پیراقت  
 همان نوع پول خارجی مورد درخواست محکم  
 می شود  
 فوائده مال غیر پول باشد (بند ۲ ماده ۶۲)  
 بهای فوائده، مبلغی است که مدعی به درخواست  
 در دادخواست معنی می کند و خوانده حق  
 اعتراض به آن ندارد

\* در دعوی مالی غیر پولی، کم یا زیاد تعیین کردن تعاضل فوائده، اثری در اصل و میزان حق ندارد، چون در صورت ذی حقی فواهل، نگاه فوائده را به دالت فواید فوائده محکوم می کند نه تعاضل فوائده. بنابراین مثلاً از فوائده فوائده تحمل کند سگاه فواید فوائده -  
 مخفیات معنی بارش که ارزش واقعی آن یک میلیارد ریال است و فواهل فوائده را  
 سه و یک میلیارد ریال تقویم کند، اثری در اصل و میزان حق ندارد چون فوائده فوائده  
 یک در سگاه فواید فوائده مخفیات معنی است و نه ارزش آن.

\* پس در انگیزه دعوی، امکان تجدید نظر خواهی از رأی، بر اساس مبلغ مخفی شده توسط  
 فوائده، تعیین می شود و جز در دعوی راجع به اموال غیر منقول، دلیل فاضلی و سگاه طلا،  
 هزینه داری تیر بر اساس مبلغ زیر حساب و در صورت سگاه و در صورت مبلغ  
 هزینه تا تیر در اصل و میزان حق ندارد.

\* دعوی مالی غیر پولی، مانند  
 - در دعوی تحمل کند سگاه فواید  
 - ضلع به از مال غیر منقول  
 - الزام به انجام کار فوائده تنظیم کننده رسمی انتقال  
 - به اعدام به اعتباری سگاه معامله  
 - به مشغول معامله  
 - به بطلان معامله  
 - وفای به شروط و عهد در معامله مالی غیر پولی  
 - الزام فوائده به دفع از انجام عملی که ماهی سگاه از آن با  
 - استرداد سندی که موضوع آن مال باشد

فوائده  
 - اعراض به تعاضل فوائده (۶۴)  
 فقط در دعوی مالی غیر پولی قابل طرح است  
 تا اولین طلب داری عنوان شود (تخصیص دفاع فوائده در  
 در قابلیت تجدید نظر یا فواید رأی مؤثر باشد  
 همراه با اعدام بهای مورد نظر فوائده باشد  
 برای دادگاه، تکلیف ایجاد می کند که قبل از شروع به رسیدگی  
 باطلت نظر کارشناس، بهای فوائده را تعیین کند، و هزینه  
 کارشناس علی الاصل به فوائده (مقرض) است  
 از موضوعات تجدید طلبیه رسیدگی است

\* شرط (تعهدات یا جهات در استحقاق ضوابط) :

جهات (ایجاب) دعوا

- عمل حقوقی
- عقد و معین (بیع، اجاره، ...)
- عقد غیر معین (بازار یا قانون)
- انعامات (طلاق، فسخ ...)
- واقعه حقوقی (آلاف، تبییب، عقیقه، انتفای ...)
- مقررات قانونی (مانند موندع مواد ۵۸۹، ۵۹۵ و ...)

لزوم نوشتن جهات دعوا در درخواست

نوشتن جهات موضوعی (احمال و وقایع حقوقی) (لازم است)

نوشتن جهات قضایی (قانونی) (لازم نیست)

صورتی خاص مخصوصی در درخواست برای آن پیش بینی نشده و فقط در شرح درخواست مطرح می شود، به طوری که مورد توجه دفتر نگاه که شرایط شکلی درخواست را بررسی می کند، قرار گیرد و باید خود را نگاه به آن توجه نماید

\* شرط (آخری) که مدعی از دارگاه درخواست دارد :

درخواستهای تمدنی از دستگاه (معنی عام)

خواسته و بجای آن به بند ۴ ماده ۵۱ (درخواست صلی) دارد

سایر درخواستها

- بند ۵ ماده ۵۱
- حسابات تأقیه تاریه و تأقیه انجام شده
- درخواست تأقیه (بیعی)
- در دستور موقت، تأمین خواسته و تأمین دلیل

از آنجا که جای ویژه ای برای نوشتن (سایر درخواستها) در قسمت "شرح درخواست" وجود ندارد، و تصحیح شماره آنها با وجود عدم اعتبار دفتر نگاه به مولد درخواستها نتیجه نمی تواند دفعی شود و ملکی بودن ضابطه به درخواست تمام حقوقی که قانوناً دارای برضای اصول است، لذا توقیف درخواست و صدور احظا ررفع دفعی توقیف دفتر نگاه به این دلیل، محل تاثر است.

\* شرط اول در وسائل اثبات دعوا \*

اوله و وسائل اثبات دعوا  
(ماده ۴ ماده ۱۵)

المعتمد استناد، نوشتهجات، اطلاع، مطلعین و غیره  
تمامی آرد و وسائل اثبات دعوا باید در دراهق  
تقریح شود تا با ابداع کردن، خواننده نتواند دفاع  
در برابر آنها را تدارک ریده و از حق دفاع بهره مند شود  
منابر این، پس از تقدم در دعوات، فقط اولی  
از خواهان پذیرفته میشود که استناد بر آن نماید  
یا سخ به دفاع خواننده، ضروری است (ماده ۹۷)

نوشته اول در دعوات

آنچه در بطور دفتر نگاه و بصورت سند و اظهار رفع  
میشود، مواردی مانند شهادات گواهی که گواهی  
آنها مورد استناد است، می باشد  
منابر این، استناد کردن یا نکردن خواننده به یکی دلیل  
در اختیار خود وی بهره و برای آثار ماهوی است  
و از محوره وظایف دفتر نگاه خارج است

\* شرط بیعتی ها (دفعات) \*

بیعتی های دلخواه

در مواردیکه خواننده پسندی استنادی کند باید تصور  
مصدق آنرا بیعت کند  
در مواردیکه قانون تکلیفی نموده، مانند مستندات  
بیعت و لای، قسّم، وکیل و - باید بیعت شود  
(ماده ۵۹)

در آثار استناد به زبان فارسی باشد، باید ترجمه رسمی  
آنها نیز بیعت شود (ماده ۵۸)

\* شرط تعداد نسخ در دعوات و بیعتی ها \*

مطابق ماده ۶، در دعوات و بیعتی های آن باید به تعداد ضارندگان باضافه یک نسخه با همان  
مکمل نسخه دره رونده نگه داری شود

### ☆ سبیط (سرافت هزینه دارسی) :

سرافت هزینه دارسی - باید همان آینه ای سرافت شه اما از رفوعات در دعوا بیرون شه، باقیمانده و به درخواست وی از خواننده گرفته شه  
بر اساس ماده ۲ قانون نحوه وصول و اصلاحات آن در قانون بودجه سال ۹۲ و ۹۵ و تیرگی نامه های کتوافت سازی هزینه دارسی برین نحوه قضائیه محاسبه می شود

هزینه دارسی - <sup>معنی عام</sup>  
بهای برگ درخواست (هزارریال)  
هزینه خود درخواست (۵ هزارریال)  
هزینه گواهی تطبیق روزنامه انبار با اصل آنها (۵ هزارریال)  
هزینه دارسی معنی خاص (هزینه احکام و تاریخ)

در دعوی غیر مالی - هزینه دارسی معنی خاص  
بر اساس بخشنامه های سالهای ۹۴ و ۹۵ بر نحوه قضائیه  
محت عنوان کتوافت مازد هزینه دارسی  
بد اصل - برابر حد تخمین ۷۵ هزارریال  
برابر حد واقعه ای یک میلیون ریال  
برابر حد تخمین یک ۲۰ هزارریال  
بر اساس ماده دارسی و اعتراض ثالث ۵۰ هزارریال

در دعاوی مالی (معنی بعد)  
در درخواست قرار تامین خواننده، تأمین دلیل (معنی بعد)  
در اعتراض به تاریخ صادره از دادگاه (معنی بعد)

ارزئیات  
دعاوی غیر معقول - تخمین امیلین ریال  
وام درخواستی حرکت - واقعه ای و تخمین بر اساس  
اعاره دارسی و اعتراض ثالث ۵۰ هزارریال  
دعاوی انبار مجلی - تخمین ۷۵ هزارریال  
واقعه ای و تخمین بر اساس  
اعاره دارسی و اعتراض ثالث ۵۰ هزارریال  
دعاوی امور صبا - تخمین ۷۵ هزارریال  
واقعه ای و تخمین بر اساس  
اعاره دارسی و اعتراض ثالث ۵۰ هزارریال  
دعاوی قانونی قانون - تخمین ۷۵ هزارریال  
واقعه ای و تخمین بر اساس  
اعاره و اصل ۵۰ هزارریال

دعاوی غیر مالی و فایده  
تخمین ۷۵ هزارریال  
واقعه ای و تخمین بر اساس  
اعاره و اصل ۵۰ هزارریال



\* هزینه دارایی دعای مالی : (ماده ۳۲ قانون نحوه وصول درآمدهای دولت) و بندهای ۱ تا ۱۰ ماده ۹۵ و ۹۶ قانون تقاضای

- الف) در مرحله بدوی (تختین) :
  - ۱- بر اساس خواسته که در دادخواست تقویم یا تعیین گردیده محاسبه و وصول میسر
  - ۲- در دعای اموال غیر منقول (خلع بدوی) بدون توجه به تقویم خواسته در دادخواست و بر اساس ارزش معاملاتی ملک در منطقه مربوطه محاسبه و وصول میسر، لذا اگر مثلاً خواسته خلع بدوی از ملک ۱۴ متری باشد و ضلع آن، خواهسته را ۱۲ میلیون ریال تقویم کرده باشد اما ارزش معاملاتی ملک نیز بر ۱۱ میلیون ریال باشد، هزینه دادرسی بر مبنای همین مبلغ محاسبه میسر
  - ۳- برای بدست آوردن ارزش معاملاتی ملک، باید دفتر ده گانه از طریق مسئول ثبت اسناد و املاک که عضو کمیسیون تقویم املاک موضوع ماده ۴۶ قانون مالکات منقسم می باشد، آفرین - مصوبه کمیسیون را اذعان تا هزینه دادرسی بر اساس آن محاسبه گردد
  - ۴- هزینه دادرسی دعای مالی در مرحله تختین، چنانچه خواهسته تا مبلغ ۱۰ میلیون ریال تعیین یا تقویم شده باشد، ۲ درصد ارزش آن و نسبت به مازاد ۱۰ میلیون ریال، ۴ درصد محاسبه و وصول میسر
  - ۵- مبنای محاسبه هزینه دادرسی در مورد سگه طلا و ارز، مبلغ واقعی حسب اعلام بانک مرکزی است.

ب) مرحله وفاقه و تجدیدنظر :

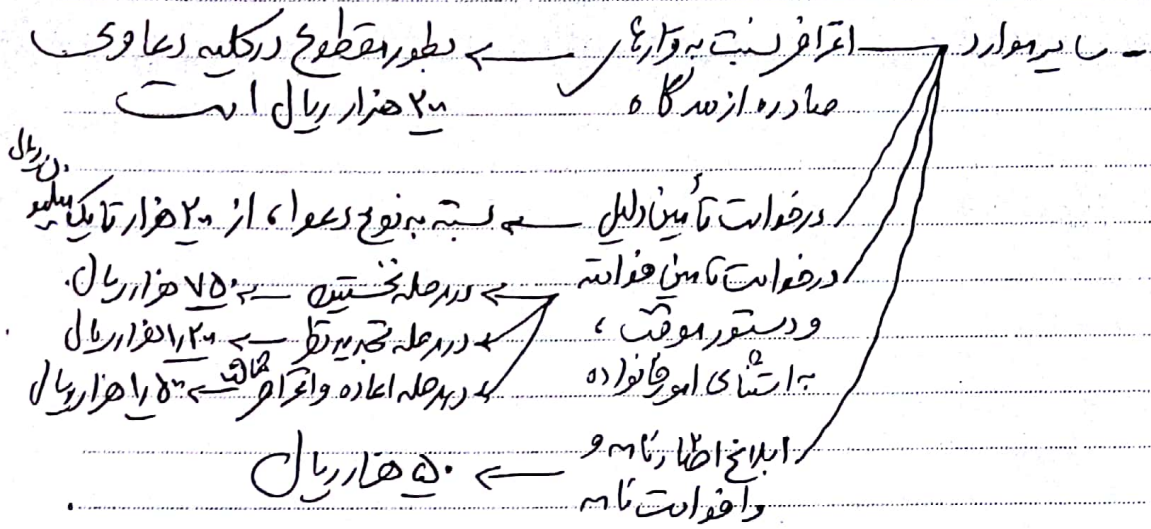
- ۱- بر اساس ارزش محکوم به محاسبه و وصول میسر
- ۲- هزینه دادرسی در هر یک از مراحل وفاقه و تجدیدنظر (دعای مالی) ۴،۵ درصد ارزش محکوم به است

ج) در مرحله فاجواهی، اعاده دادرسی و اعتراض ثالث :

- ۱- بر اساس ارزش محکوم به محاسبه و وصول میسر
- ۲- هزینه دادرسی در هر یک از مراحل فاجواهی، اعاده دادرسی و اعتراض ثالث، ۵ درصد ارزش محکوم به است

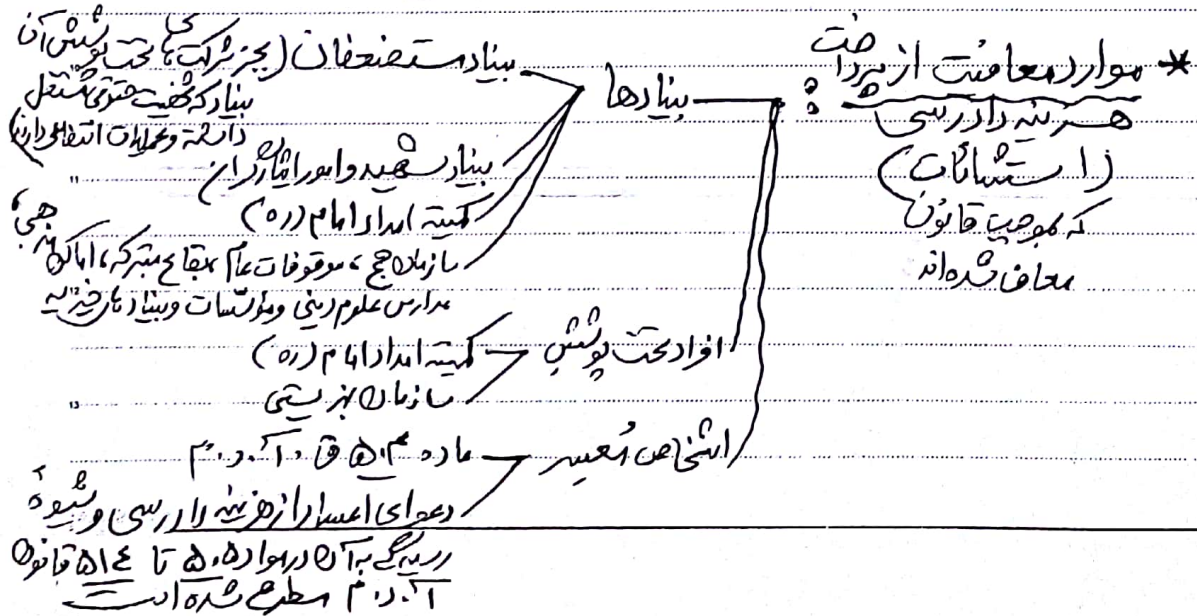
۴ درصد های ۵، ۴ و ۵ درصد های فوق، در سال ۹۴/۹۵، به ترتیب ۴ درصد و ۵ درصد بوده که متعاقباً اوقاش یافته است.

\* هزینه دارایی سایر موارد :



\* هزینه دارایی در موارد تعدد اصحاب دعوا : (اختیاری)

- مطابق بند ۱ و ۲ تبصره یکم موافقت سازی هزینه دارایی مراد ماه ۹۴، مراجع قضائی می توانند بنا بر اقتضا، نظیر تعدد اصحاب دعوا در جرح و تبصره های بند ۱ و ۲ این تبصره نامه، مبلغ دیگری را تعیین نمایند



# ۴) حبریان داد فوعات تا حلیه رازرسی

۱-۴) \* تکالیف نسبت به دارفوات  
 تا حلیه رازرسی  
 تکلیف دفتر کل  
 تکلیف دفتر شعبه مرجع الیه  
 تکلیف ده گانه

باید دارفوات را اولاً با قفله باشد؛ نسبت سیستم شماره و رسیدی  
 منگنه بر مشخصات طفیل و تاریخ تسلیم (روز و ماه و سال) و شماره ثبت  
 به تقدیم کتبه دارفوات تحمل آید  
 باید تاریخ تسلیم دارفوات را در برگ دارفوات بنویسد زیرا  
 تاریخ رسید دارفوات به دفتر، تاریخ اقامه دعوا شماره میسر  
 باید فوری پس از ثبت دارفوات، آنرا به نظر رئیس شعبه اول  
 در پیش کلیم یا معاون وی برساند تا به کلی از شعب ارجاع کند، و  
 هزینه ارجاع اولیه به شعب حسب صلاحه بدست ولی پس از ارجاع -  
 مطابق ماده ۳۹۱ ق.آ.ا.د.م. نه خود او نه هم تمام رسیدی می تواند -  
 پرونده را از آن شعبه گرفته و به شعبه دیگر ارجاع کند مگر به تجویز قانون  
 ماده موضوع ماده ۱۰۳ (دعاوی تبطل)  
 باید پس از تعیین شعبه و اقامه دارفوات به دفتر کل و دفتر شعبه  
 مشخصات شعبه مرجع الیه تکرار دفتر ثبت یا سیستم منعکس شود و  
 اخذات به دفتر شعبه نیز تسلیم شود  
 \* بر اساس آیین نامه ارفادات الکترونیک قضائی مصوب ۹۱، ۳، ۲۲ ر.ق.ق. قضائیه، دفاتر خدمات  
 الکترونیک، وظیفه پذیرش و ثبت اولیه دارفوات را و ارسال آنها به مراجع قضائی را دارند

\* تکلیف دفتر کل  
 (دفتر شعبه اول)

باید پس از رسیدن دارفوات، آنرا در دفتر محضری ثبت دارفوات  
 ثبت نماید و بر اساس آن شماره کلاس پرونده را تعیین نماید  
 باید پس از قرار دادن دارفوات و پیوستن آن در پرونده و نوشتن  
 شماره پرونده بر آن، تکلیف بودن دارفوات و پیوستن آن را بررسی کند و اگر  
 نقص داشت به تکلیف قاضی خود عمل کند  
 باید در صورت کامل بودن پرونده، به همراه آنرا از دفتر کل به مراجع  
 تا دفتر رسیدگی ارسال نماید

\* تکلیف دفتر شعبه  
 مرجع الیه

\* تکلیف اللہ ← اگر در اوقات کامل باشد ← دستور تعیین وقت رسیدگی صادر می کند  
 و با رعایت نوبت تعیین وقت نموده و در روز و وقت نوشته و آنرا به دفتر نگاه می خواند  
 و دفتر نگاه بر اساس دستور نگاه در اوقات و ضوابط کم را ملاحظه و نظارت بر قضانه ارایه و وقت را به طرفین ارایه می کند

اگر در اوقات ناقص باشد ← دعوت بوقت را ننویسد ← دفتر نگاه نیز طبق دستور به تمامگاه آماره رسیدگی بنماید و آنرا به دفتر نگاه نگاه برای رفع بوقت برای گزارش به خزانگان اخطار می کند

اگر در اوقات استیصال باشد ← قضایه میان دعوی زبور ← دادگاه تکلیف بر این است  
 دعوی متعدد باشد ← ارتباط کامل (۱۴۱) با  
 قضایه میان دعوی متعدد  
 ارتباط کامل است و نگاه  
 می تواند ضمن یک دادرسی  
 آنرا رسیدگی کند مگر دعوی  
 تجلیه و عنایات وارده

قضایه ارتباط کامل بنابر این است  
 رسیدگی ضمن یک دادرسی هم  
 از یکدیگر تفکیک نمود  
 در صورت مساعدت  
 نگاه نه رسیدگی و آن  
 قرار عدم مساعدت صادر کند

\* لزوم رعایت مواعید توسط دادگاه ، دفتر دادگاه و اصحاب دعوی :

مواعید → قانونی ← به وجه قانون  
 قضائی ← به تشخیص نگاه ←

\* موارد ۴۴ تا ۴۵ قانون آ. د. م

مواعید قانونی

که قانونگذار برای انجام عمل یا اقدامی تعیین و مدت آنرا مشخص کرده است مثل اخطار رفع نقص در موعد ۲۰ روزه و تجدید نظر فوری در موعد ۲۰ روزه

در احتساب مواعید قانونی: سال ۱۲ ماه، ماه ۳۰ روز، هفته ۷ روز و شبانه روز ۲۴ ساعت است (۴۴۳) لذا اگر موعد انجام عملی ۶ ماه باشد، باید بدون قوصبه هر روزهای ماه ۱۸۰ روز محاسب شود. در احتساب مواعید، روز ایدانج و آخرین روز اقدام، جزو مواعید محاسب نمی‌شود (۴۴۵) و اگر روز آخر، به صرفن با روز تعطیل از آن یا آحاد مندرج در نگاه قضائیه مربوط باشد هم آن روز محاسب نمی‌شود. البته مواعید منتهی در تعطیل، موعد باشد نه به صرفن با آخرین روز، هر دو مواعید محاسب نیستند.

در گامی مواعید قانونی که کمتر از ۲ ماه باشد، برای اقرار و معین خارج از کشور، به ۲ ماه اقرارش می‌گردد (۴۴۶)

در مواعید منتهی در مواعید قانونی موضوعیت می‌شود که وقتی وقوع در انجام عمل مربوطه راسته سابقه و روفت است اول قانونی بر او تحصیل گردد.

تجدید مهلت قانونی و کلامی از آرای و جمع است مگر در موارد عذر موصوفه موضوع ماده ۳۰۶ ق.ا.ا.م

قضائی

که درگاه برای انجام عملی تعیین می‌کند و در قانون تعیین نکرده است مانند تعیین مدت برای اظهار نظر کارشناس (۲۵۷)

محاسبه محاسبه آن مانند محاسبه مواعید قانونی است به رعایت نشدن مواعید قضائیه، حسب مورد، موضوعیت تخلف و مجازات انتظامی است (۲۶۲)

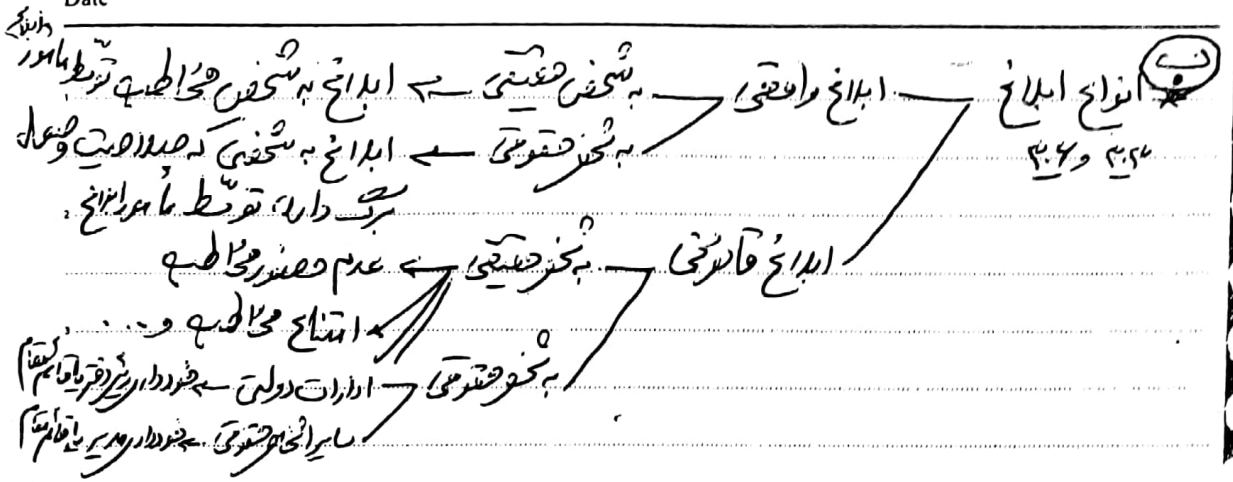
تجدید مهلت قضائی فقط برای یکبار مجاز است مگر اینکه در اعداد سه یا اخطائی صورت گیرد و با تقاضای مهلت ثابت نمی‌گردد. عدم انجام کار در آن موعد بخاطر مانعی نبوده که رفع آن در توان او نبوده است (۲۵۱) مقررات مربوط به مواعید، شامل تجدید مهلت داری که ملل آن در موارد دیگر قانون آ.ا.م آمده است نمی‌شود.

## ۴-۲) ابداع در خواست و وقت داری

\* تعبیر از دستور سگانه و تعیین وقت داری  
← دستور سگانه: اظهاریه رونمایی مشکل بر وقت داری و سنجیده  
سگانه و وقت: کامل فواید را تسلیم و تحمل و اصدای ابداع  
\* همچنین اظهاریه ای به بیوعیت نسبت روم را فریاد و ضلالت آن  
برای ابداع: فواید می باشد  
\* مانند ابداع باید اوراق نیزه را با رعایت تمام شرایط قاجان  
ابداع کند

الف) اصل ابداع  
\* اکثر تصمیمات و اقدامات سگانه باید مسبق به ابداع باشد  
\* مهلت آن و زمانها که در صورت بر انجام امر با احتمال صحت پیش بینی شود  
از تاریخ ابداع آغاز شود و باید مسبق به ابداع است مگر مهلت یاد شده  
تجهیزات فراهی از تاریخ ابداع و آبی است و تشکیل طلب لازم می باشد مسبق به ابداع  
وقت آن به طرفین باشد

\* برگ ها سگانه  
مقررات ابداع  
← انواع اظهاریه به اصحاب دعوا و وکلای  
\* اظهارنامه  
\* اظهاریه کارشناس  
\* اظهاریه گواه  
\* دادنامه  
\* اجرائیه  
\* برگه و احکام و تصمیمات بعد از عدالت اداری  
\* اظهاریه مستقیم  
\* وافرایی نامه ارباب تجاری  
\* برآی هیات انتخابات اداری



ابلاغ واقعی - به معنی رسیدن ابلاغ به دست گیرنده، طبق ترتیب و شرایط قانونی توسط مأمور ابلاغ که قانوناً مسئول اجرای ابلاغ است. به شخص مخاطب (در صورت احاطه حقیقی) یا به شخص که صلاحیت وصول برگ را دارد (در صورت احاطه حقوقی) تحویل شده و رسیده دریافت و بر آن ثبت گزارش گردد.

مصادیق - احاطه حقیقی - ابلاغ به شخص مخاطب در نشانی اول و دوم توسط مأمور ابلاغ

بازرسی ماده ۸۲  
در صورتیکه مخاطب در صورت قضائی رسمی اقامت داشته باشد، باید طبق ماده ۷۷، اوراق توسط دفتر مدارک رسیدگی کننده به دفتر مدارک محل اقامت مخاطب جهت ابلاغ ارسال شده و اگر مخاطب در قوه رسیدگی مدارک محلی مقیم نباشد، اوراق توسط مأمور تنظیمی محل تحویل یا شورا یا کارگاه به ترتیب فوق ابلاغ میگردد.  
در مخاطب در زندان (ماده ۸۱)، برگ مأمور علیه اداره زندان ابلاغ میگردد. اگر مخاطب از کارکنان دولت و شرکت مملو دولتی باشد، طبق ماده ۷۸، اوراق به کارکنان مملو مسمت از طبقه یا تیرد - رئیس کارمند فرستاده میگردد تا به مخاطب ابلاغ کند که باید ظرف ۱۰ روز به نامبره ابلاغ و دستور رسیدگی را در آنجا (در صورت احاطه حقیقی) تحویل دهد. اگر مخاطب مسمت خارج کشور باشد طبق ماده ۱۰۱ و ضابطه خارجیه باشد توسط مأمور کنسولی یا سیاسی (ماده ۱۰۱) و ضابطه خارجیه باشد و گویا مأمور قرار داد تعاون قضائی با ایران است تا به توسط مأمورین کشور خارجی ابلاغ انجام میدهد.

(۶۸)  
بازرسی ماده ۸۲  
(۷۵ و ۷۶)  
احاطه حقیقی  
(صفحه بعد)

رتبه - در این فصل تا تاریخ ابلاغ واقعی، تاریخ ابلاغ اولی به مخاطب توسط کارکنانی است که تاریخ تحویل به کارکنانی

\* ابلاغ واقعی به اشخاص حقوقی  
 به ادارات دولتی ← باید به رئیس دفتر مرجع مخاطب یا قائم مقام او ابلاغ  
 و شرکت های دولتی و شهرداری ها  
 در نسخه اول رسیده اقرار شود (۷۵)

به سایر اشخاص حقوقی ← باید به مدیر یا قائم مقام او یا دارنده حق  
 (اشخاص حقوقی حقوق خصوصی) اعطاء و در صورت عدم امکان به پست  
 دفتر ابلاغ شود (۷۶)

به شرکت ها و موسسات ← باید به اداره تصفیه امور ورشکستگی یا  
 مدیر تصفیه ابلاغ شود (قبل از انحلال)  
 و یا به آخرین مدیر پیش از انحلال شرکت  
 در آژانس محلی که به اداره ثبت شرکتها معرفی  
 شده است ابلاغ گردد (بعد از انحلال)

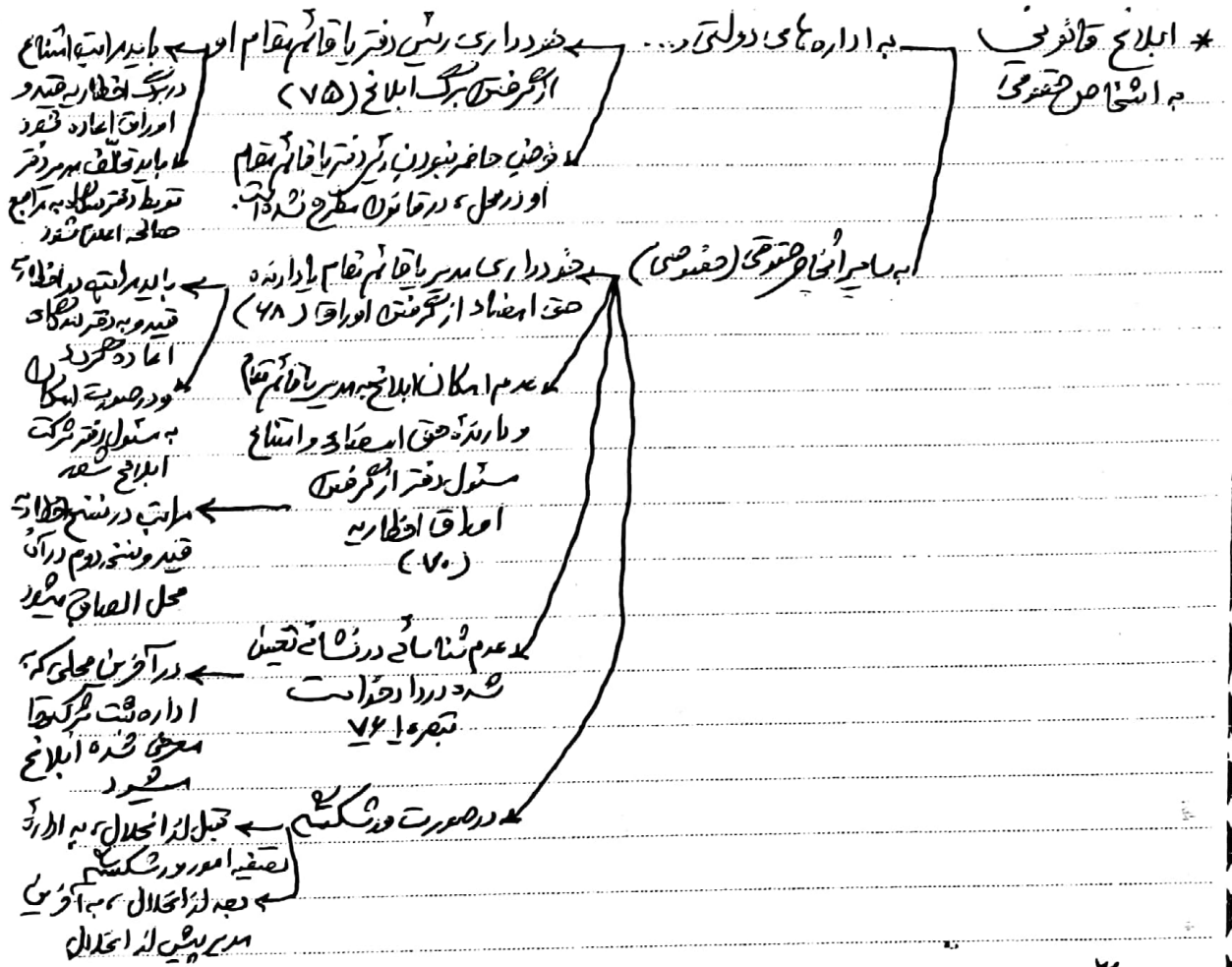
\* ابلاغ قانونی ← مفهوم ← در صورتی است که مفاد برگ یا طبق شرایط قانونی به طرف  
 غیر از متحمل مخاطب (ابلاغ واقعی) به اطلاع آورده شود.  
 به اشخاص حقوقی ← خودداری مخاطب از مخاطبه حقوقی، از وقت  
 اوراق خودداری کند، مأمور ابلاغ مراتب را در اظهارات

قید و به دفتر سداد معرفی گرداند البته باید اوراق در نشانی  
 تعیین شده در اظهارات به مخاطب ارائه شود نه در نشانی دیگری  
 ملاحظه فرمایند اشخاص حقوقی که در این صورت باید اوراق به یکی  
 از بنگاران یا خازنان او که سن ظاهرش ایش کافی باشد ابلاغ  
 مدارک مورد اتم باید ابلاغ در نشانی مذکور در اظهارات باشد نه در جای دیگر  
 خودداری یا قصورند اشخاص و کارخان (۷۰) باید  
 مراتب در هر دو نسخه اظهارات قید شود و نشی دوم در محل  
 تعیین شده الصاف گردد و نشی اول اماره گردد (همراه با  
 اوراق پیوسته) تا صاف مخاطب بخورده به دفتر سداد مراجع  
 و با مان رسیده بچگونگی اقرار یافت کند  
 به ابلاغ در هر دو نسخه (۷۲) ← ابلاغ در هر دو نسخه

به اشخاص مجنون الکالی ← ابلاغ از طریق الکالی در  
 مخاطب غیر محصور ← باید علاوه بر ابلاغ به اقرار  
 نامه در در اظهارات مقدار در اظهارات الکالی در روزنامه شود

به اشخاص حقوقی  
 (۷۶ و ۷۵)  
 صفحه بعد



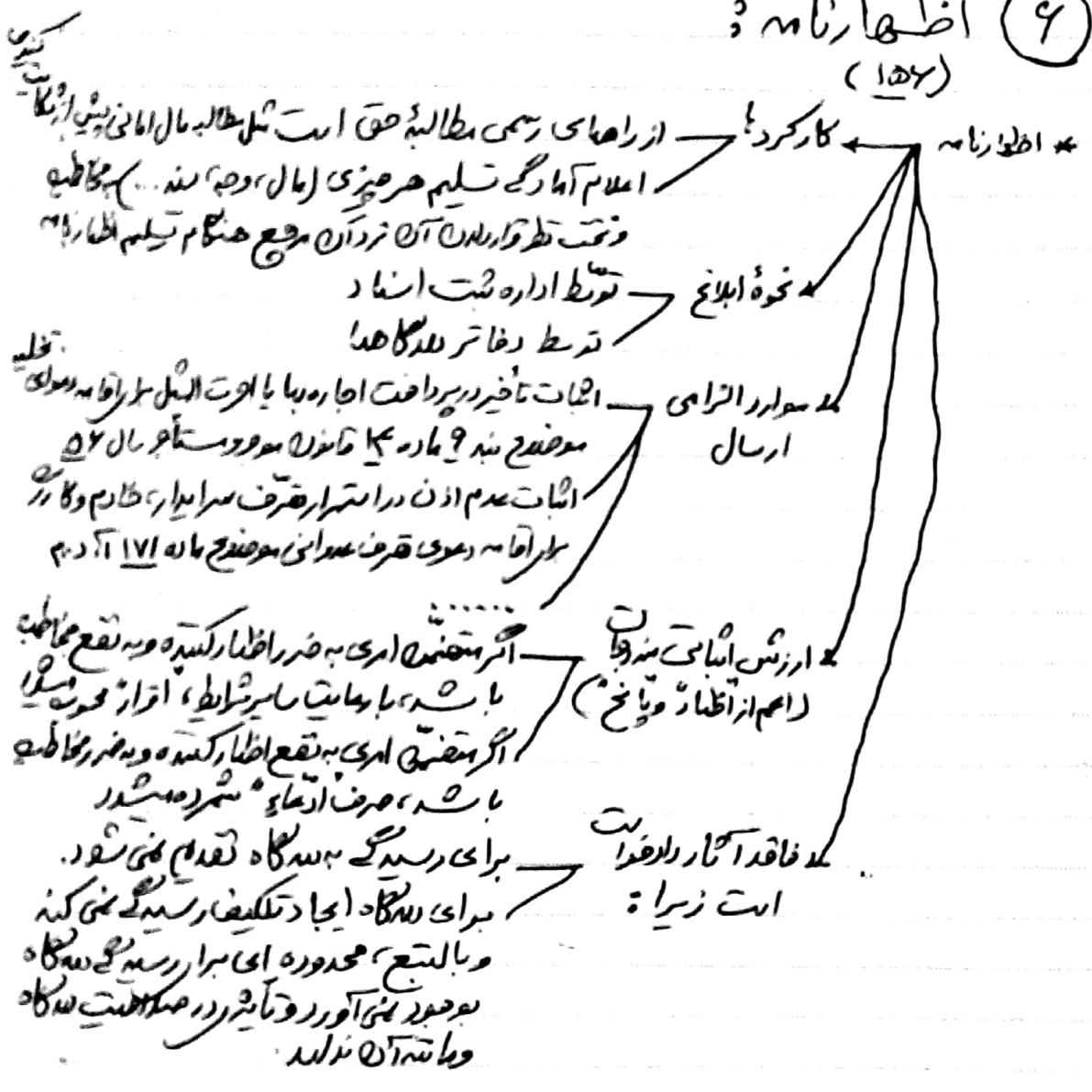


**\* محل ابلاغ اوراق**

- ۱- محل سکونت یا کار اصحاب دعوا یا وکلای آنها (۷۸)
- ۲- محل معرر توافق اصحاب دعوا یا وکلای آنها (۷۸)
- ۳- محل صبیہ غیر از محل تعیین شدہ اولیہ توسط اصحاب دعوا (۷۹)  
شرط ہمانکہ محل صبیہ بہ لیل مساوی بنا ہوئی بنا بر ہیکل بہ دلیل  
تغییر اقامت گاہ وفق ما رہے قانون در نہ جاری
- ۴- محل سکونت شوہر یا بیوہ یا اولاد و اگر در وقت معرر سکونت نہ شدہ (تقریر ۷۸)
- ۵- محل اقامت شدہ بہ ادارہ وقت شرکھا در صورت عدم امکان ابلاغ بہ نشانی تعیین شدہ بہ دفتر حقوقی (۷۶)
- ۶- محل ادارہ تصفیہ یا امور تصفیہ در حدہ مقابلہ ورثہ گنج



۶ اظهارنامه (۱۵۲)



اظهارنامه، ماده ۱۵۱ آ.د.م

# فصل پنجم: داری

منظور از داری در این فصل  
 داری معمولی برای رسیدگی به دعوا و صدور رأی قاطع است  
 داری در امور حقوقی و در مرحله نخستین است  
 بنابراین: منظور داری عمومی یا طواری داری است  
 هر چند ترتیبات مقرر در داری نخستین در مرحله تجدیدنظر، آراء  
 ثالث و اعلام داری تیرماهت میشود (۳۵۲ و ۴۲۰ و ۴۳۵)

## ۱) جلسه داری:

جلسه داری  
 لغوی: جلسه ای که در آن به درخواستی رسیدگی میشود  
 اصطلاحی: جلسه ای که قاضی یا قسین وقت و صورت قضایی  
 از اصحاب دعوا یا وکلاء آنان را حضور میدهد  
 تا به دعوا یا ابواب که خطای آن مطرح نموده و یا به  
 ابطال و ادله اصحاب دعوا رسیدگی شود لذا  
 جلسه نخستین محلی و معانیسه عمل اگر چه قاطعانه  
 درگاه است جلسه داری عمومی میشود

اقسام  
 عادی (نورده) - تعیین وقت به ترتیب وصل به وند  
 (۳۶۰) و (ذ ۹۶)  
 ظاهراً از نوعیت - تعیین وقت بدون توجه به ترتیب دفتر اول  
 و ترویج تراز و قسین گذر افتخارات سازمان  
 (ذ ۹۶)

اصطلاحات مشابه  
 وقت فوق العاده - جلسه ای که خارج از اوقات دفتر (اقدام  
 نوبتی و خارج از وقت) و اصراً در حضور طرفین است  
 جلسه بانگه - جلسه دادگی که در هنگام تشکیل میشود (۲۸۸)  
 جلسه اداری - در وقت آ. آ. م. مطرح است و در ماهه ۱۶ اوقات آن  
 و حضور اصحاب دعوا و قسین وقت (در وقت)  
 وقت استیلا (ظلمت) - در وقت آ. آ. م. مطرح است و در حضور عمل  
 است و در مواردی است که در صورت اتمام آن وقت استیلا صادر میشود

اگر درخواست کامل باشد و بعد از دستور تعیین وقت ، رد گاه علی الاصول نمی تواند دولت ناقص بودن درخواست  
 احضار رفع نقص یا قرار رد دادخواست مبارکت دعایل ، باید تا صدور رأی ملاحظه است Subject می دهد مگر اینکه  
 امر جدیدی گفته شود مانند شایسته نشدن خواهان در مستطای تعیین شدن در دادخواست  
 Date

۲) تعیین جلسه دادرسی

در دستور تعیین وقت رسیدگی از طرف ناآگاه به دفتر (۶۴)  
 اگر آثار دستور تعیین وقت عدم امکان اجماع بر وقت در خلال دادرسی به  
 دفتر نگاه رعایت ناقص بودن ملاذات ،  
 زیرا مطابق مواد ۶۴ و ۶۶ ، صدور دستور تعیین  
 وقت منوط به کامل بودن مدارک است مگر  
 اینکه امر جدیدی گفته شود مانند ناقص نشدن  
 ضوابط

تعیین زمان جلسه باید نوبت رعایت شود در موارد استناد

- ۱) درخواست تأخیر جلب از طرف ضابطه وقت ارائه
- ۲) عدم تشکیل جلب و یا وجود مانع برای رسیدگی (ماده ۶۲)
- ۳) باید حاصله روز ابلاغ دستور جلب حداقل سه روز تا
- و برای انوار مقیم خارج ، حداقل ۱۵ باشد
- و در موارد استناد رأی ، حداقل یک ماه باشد
- و برای استماع اظهارات گواه ، حداقل یک هفته باشد
- که باید در روزهای غیر تعطیل و در ساعات اداری باشد
- مگر موارد استثناء باشد (دستور وقت ماده ۳۱۴)

روز ابلاغ و جلسه  
 ۵ روز است

تعیین مکان جلسه باید در محل نگاه باشد مگر موارد استثناء

- مانند دستور وقت (۳۱۴) و معاینه محل تحقیق
- محلی (مواد ۲۴۸ به بعد) و اعتراض ثالث اداری
- (ماده ۴۷ قانون اجرای احکام ۳۸۷)

ابلاغ وقت دادرسی

باید وقت دادرسی از زمان و مکان به اصحاب دعوا ابلاغ شود  
 اگر اصحاب دعوا وکیل یا وکیل یا قیم داشته باشند ، باید وقت به آنها ابلاغ  
 که از اداره دولتی بدعوا باشد و بلاسند حقوقی معترضی کرده باشد ، وقت دادرسی  
 باید به دفتر روزنامه یا به رسیده یا (بلکه دولتی ابلاغ گردد نه تلگراف مطبوعی  
 که از نگاه حضور شخص آنان یا خواننده یا هر دو را لازم بدانند) این موضوع در احکام  
 قید شده و باید وقت دادرسی به شخص اصیل نیز ابلاغ شود

اصل تناظر این است که برای هر یک از اصحاب دعوی فرصت و امکان دفاع داده شود

Subject  
Date

۱.۶

۳) تشکیل جلسه دادرسی:

فراخوانی دعوی در صورتی که  
مقرر تاخیر رسیدی

\* تصرفات تشکیل  
جلسه دادرسی

عضو تقدیمی دادگاه  
کامل بودن دادرسی است به چنانچه اولین جلسه باشد  
و درگاه نتواند جهت نفعی را از دادرسی، رسیدگی کند،  
جهت نفعی را در پرونده ندرسته و جهت رفع نفعی  
به دفتر اعاده رسیدگی (۶۶) تقدیم آید  
عضو وکلای اصحاب دعوی یا آواز ابداع همی وقت  
(اصل تناظر) به اعطاء فرصت دفاع  
اداره فاصله زمانی تقریباً ابداع وقت و روز جلسه  
دادرسی (۵ روز یا ۲ ماه)

علنی بودن جلسه دادرسی  
(اصل ۱۲۵ - ماده ۲۵۲ آ. د. ک) که علنی بودن حکایت  
مناهی فراتر از منافی عمومیت باشد  
مناهی عمومیت عمومی باشد  
مناهی فراتر از منافی عمومیت باشد

رعایت نظم در جلسه دادرسی  
(۱۰۱) ضابطه اجراء  
برای اخلاق کتبه  
در نظم جلسه  
اگر ناشایستی  
باشد  
افزاج از دادگاه  
چون تا بیست  
یا وکلای آنان  
باشد  
تا ۵ روز

در جلسه جاری و توندت باشد در صورت جلسه عنوان جلسه مقرر ذکر شود  
و اگر جلسه فوق العادی و فوری باشد در صورت جلسه عنوان فوق العاده ذکر شود

۴) جریان جلسه دادرسی

جریان جلسه دادرسی

پس شروع جلسه

اجتهاد به خواننده فحمت راره می شود که با توجه به  
 در فضیلت و وظایف آن رفاعیات خود را -  
 بیان کند (اقرافن به بای خواننده، ایراد که رفاع معنی اخص)  
 بخواند در صورت تکامل می تواند در همان ابتداء جلسه  
 اقدام به استناد در فضیلت که اقرافن خواننده، کاص  
 خواننده یا تغییر نحوه دعوا نماید، در این صورت ابتداء  
 اظهارات وی استماع و صورت جلسه می شود و پس از آن  
 رفاعیات خواننده شنیده می شود.

اصولاً صورت جلسه بدون مضمون اظهارات احوال دعوا  
 مطابق ماده ۱۰۲، در سه مورد باید مضمون اظهارات طرفین  
 نوشته شود (اظهارات متدل بر اقرار که در فضیلت طرفین  
 به تشخیص نگاه)  
 مطابق ماده ۱۰۳، اقرار، رد، و غیره فان بعدی در صورت  
 جنوع است

در طبع دادرسی که با مندرجات و اقرار  
 در حضور اصحاب دعوا و وکلای و الزامی نیست و احوال  
 رایج، کامن است  
 ماعدم حضور اصحاب دعوا و  
 وکلای وکلای از مال رایج می  
 مانع از رسیدن و تصمیم بر  
 نیست، به شرط اینکه احوال  
 در دست احوال و مال  
 (۹۵) اگر وکلای حضور  
 آنان را ضروری ندانند باید  
 در احوال این قضیه صادر

در بیان جلسه دادرسی

در بیان یا فحمت و وقت جلسه دادرسی (بعمل این ۱۰۳ تا ۱۰۹ و فحمت)

طرح تمامی مطالب مورد نظر از سوی طرفین

در نتیجه از ۲ صورت فوق و عدم ضرورت تجدید جلسه (۱۰۴)  
 قسم رسیدگی اعلام می شود و الا باز کوصحت، جلسه تجدید می شود

### ۵) اولین جلسه دادرسی :

\* اولین جلسه دادرسی → معیار اولین جلسه دادرسی ؟ مفاهیم مرتبط ؟  
 حقوق اصحاب دعوا در اولین جلسه دادرسی ؟  
 تکالیف اصحاب دعوا در اولین جلسه دادرسی ؟

#### ۱-۵) معیار اولین جلسه دادرسی

اولین جلسه ای که موضوعات رسیدگی فراهم باشد و خواننده، فرصت و امکان دفاع [ در برابر درخواست خواهان، با لحاظ تغییرات احتمالی آن را داشته باشد ]

بنابراین : \* اگر خواننده دفاعیات خود را در برابر درخواست مطرح نکند و خوانان فرصت پاسخ پیدا نکنند و یا پاسخ بدهد اما خواننده بدلیل انانام وقت جلسه نتواند پاسخ بدهد جلسه اول دادرسی تحقق یافته است .

\* اگر خواننده علیه غنم ابداع صحیح و قانونی در جلسه حاضر نشود، یا اگر حاضر شود، غنم فرصتی که سه گانه به او سپرده، دفاع ننهد، جلسه تشکیل شده، اولین جلسه دادرسی است

\* اگر در آن جلسه، پاسخ خواننده به درخواست، طول بکشد به نحویکه وقت جلسه اجازه تکمیل آنرا ندهد و پاسخ وی ناقص بماند، جلسه بعدی سه گانه هر یک استماع اظهارات خواننده و رسیدگی تشکیل میشود، اراده اولین جلسه دادرسی محسوب میشود

\* اگر در اولین نوبت، طرفین تقاضای تأخیر جلسه کنند و دلگذاهی بخواهند، هر چند در نوبت اول موضوعات رسیدگی فراهم نبوده، اما چون به حال و به دروغت، خواننده فرصت و امکان دفاع پیدا نموده، باید جلسه بعدی را در صورت وجود شرایط جلسه اول دادرسی به سلا آورد.

#### ۲-۵) مفاهیم مرتبط با اولین جلسه دادرسی

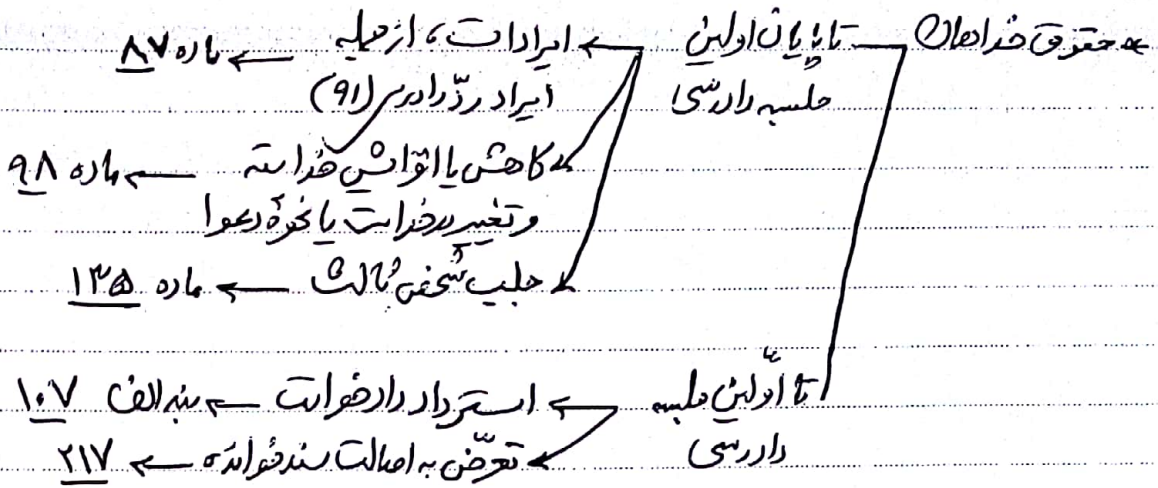
الف) مفهوم "تا اولین جلسه دادرسی" : (معاود ۱۰۷ و ۱۱۷)

مقطعی که از تقدیم درخواست شروع شده و نخستین اقدام (بیان تقاضای یا تقاضای امر) محض ذی نفع در اولین جلسه دادرسی را نیز در بر می گیرد. بنابراین ←





۴-۵) حقوق خواهان در اولین جلسه دادرسی :



\* نکته :

۱- هر چند اگر امیرادات موضوع ماده ۸۴، از جمله رفاعیات خوانده محسوب می‌شوند، اما اگر امری از قضاچه آمده باشد، صدور حکم جنبه تجدید دارد، از روی خواندن نیز قابل طرح است، و اگر بخداه طرح کند باید تا پایان اول جلسه دادرسی و الا مطابق ماده ۹۱، سه گانه تکلیفی به رسیدگی مستقل نسبت به آن ندارد.

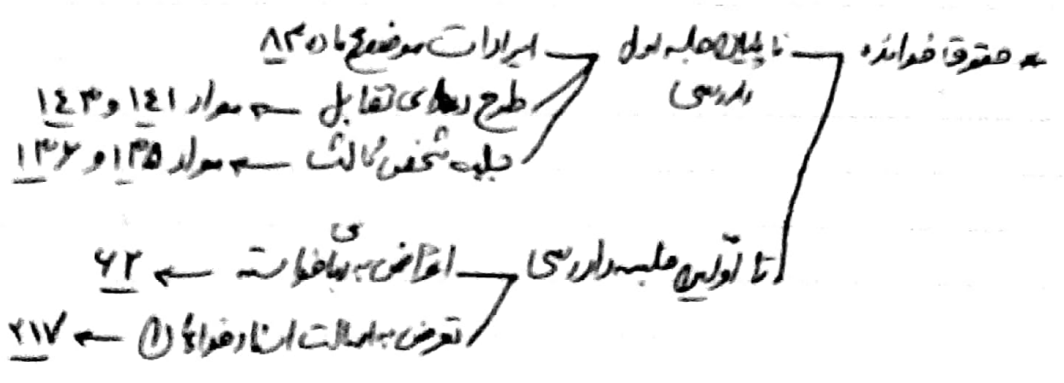
۲- کم کردن خوانسته در تمام مراحل دادرسی وقتی به رفاعات امکان پذیر است مثل کم کردن مبلغ وجه نقد یا ابعاد رکنه یا مقدار رکنه یا کاهش شش انگشت ملک به چهار دانگ و... که در وضعیت اول استگانی نمی‌تواند بدین از مبلغ خوانسته) چه به حکم رده تا نهایتاً قابلیت اعتراض نسبت به رأی، بر اساس خوانسته جدید است.

۳- افزایش خوانسته طبق ماده ۹۸ شرط دارد: یک آنکه تا پایان اولین جلسه دادرسی باشد، دوم آنکه قسمت افزایش یافته، بر شرط به دعوی مطروحه باشد نه اینکه مثلاً اگر دعوی مطالبه اجرة النسل ملک معینی مطرح شده باشد، بابت اجرة النسل ملک دیگر خواندن که همان خواننده محسوب می‌شود، به آن اضافه کند، ثالثاً آنکه منشاء قسمت افزایش یافته، همان منشاء خوانسته، به شرح در خوانسته باشد نه اینکه مبلغ خوانسته اول، اجرة النسل تقریباً خاصانه باشد و مبلغ افزایش یافته، بابت خسارات وارده به ملک باشد.

۴- افزایش خوانسته نیازی به تقدیم در خواند ندارد و با اعلام آن در جلسه و یا اعلام انجام می‌شود و بر این اساس محدود به رسیدگی سه گانه ناسخ خوانسته جدید افزایش می‌یابد و در صورت صدور حکم به محکومیت خواننده، مالک الطاف هزینه دادرسی نیز باید پرداخت شود و خسارات دادرسی نیز به همان میزان قابل مطالبه است و قابلیت اعتراض نسبت به رأی هم بالحاظ مبلغ جدید خواهد بود.

- ۵- تغییر خود دعوا با همان شرایط اراضی خوانسته، امکان پذیر است و مستطرد از نحوه دعوا، نسبت طرح دعوا است مثلاً در دعوی تخلیه من متاجرة که بر اساس قانون سال ۵۲ به نسبت تغییر شکل مطرح گردید، خوانسته می تواند تا پایان حبله اهل تخلیه همان زمین را به نسبت نیاز شخصی تغییر دهد.
- ۶- تغییر خوانسته نیز با همان شرایط اراضی خوانسته، ممکن است، عمل اینکه کاروانی که دعوی الزام به احداث و عمل بنای مضع قرار داد علیه بزرگ کار مطرح کرده، خوانسته خود را تا پایان اولین حبله ملکی به مطالبه خسارات ناشی از عدم انجام تعهد تغییر دهد.
- ۷- تغییر در دعوات هم با همان شرایط اراضی خوانسته، امکان دارد، مانند اینکه خواهان در دادخواست تقدیمی در دعوات هزینه دادرسی و حق الوکاله نموده، اما تا پایان اولین حبله ملکی، در دعوات هزینه دادرسی به خسارت تأخیر تادیه تغییر دهد، یا اینکه در دادخواست مطروحه، تقاضای دستور توقیف نموده ولی آنست که تأمین خوانسته تغییر دهد. (مستطرد از دعوات، هلال دوران آنچه را مدعی از دادگاه - در دعوات ملکی می باشد).
- ۸- اصل تناظر باید در تمام مواردی که خوانسته اراضی دارد، میسر یا در نحوه دعوا یا خوانسته یا در دعوات تغییر دهد، مشروط بر رعایت گرداند. بنابراین در تمام موارد مذکور، چنانچه خواننده در حبله دادرسی قصد نزاع داشته باشد و یا اگر خوانسته آنگارگی دفاع نداشته باشد، مستطرد با تغییر و تک ماه ۶۴ و رعایت اصل تناظر و حق دفاع خواننده، باید طلب دادرسی را به همین علت تغییر کند و در احکاماریه خواننده، علت تغییر در حبله را تفریح نماید.

۵-۵) حقوق خواننده در اولین حبله دادرسی:



### ۵-۶ تکالیف اصحاب دعوا در اولین جلسه دادرسی

تکالیف اصحاب دعوا  
در اولین جلسه دادرسی  
(۹۶)

تکالیف خواننده  
(۹۶)

ارائه اصول مستندات در اولین جلسه  
در صورتی که طرف مقابل در قضاوت مزایه  
یا فزانت اجراء این تکلیف، آنستکه ارفعالان  
اصول مستندات را ارائه نکند و سند مورد بحث عاری  
باشد و مورد تردد و انکار واقع شود، و در صورتی  
مستند به ادله دیگری میباشد، در قضاوت در آن  
صورت من ابطال می گردد و در اینگونه موارد استناد (۹۶) یاد کرده  
که اگر سند مورد استناد رسمی باشد، چون همین سند  
همی تواند مورد انکار و تردد قرار گیرد، ارائه نکردن اصل  
آن در جلسه اول، مشکلی ایجاد نمی کند  
لا ارنبت به سند مورد استناد، ارایه جعلی سند، صیغه  
عاری باشد صیغه رسمی، هنگامی که استناد کننده اقرار کند  
که ضابطه برای استناد به آن سند باقی است، طرف ما امروز  
اصل آنرا جهت رسیدگی به جعل ارائه نماید (۲۲۰) پس  
در فرض ارایه جعلی نیز، عدم ارائه اصل سند در جلسه اول  
ایجاد مشکل نمی کند

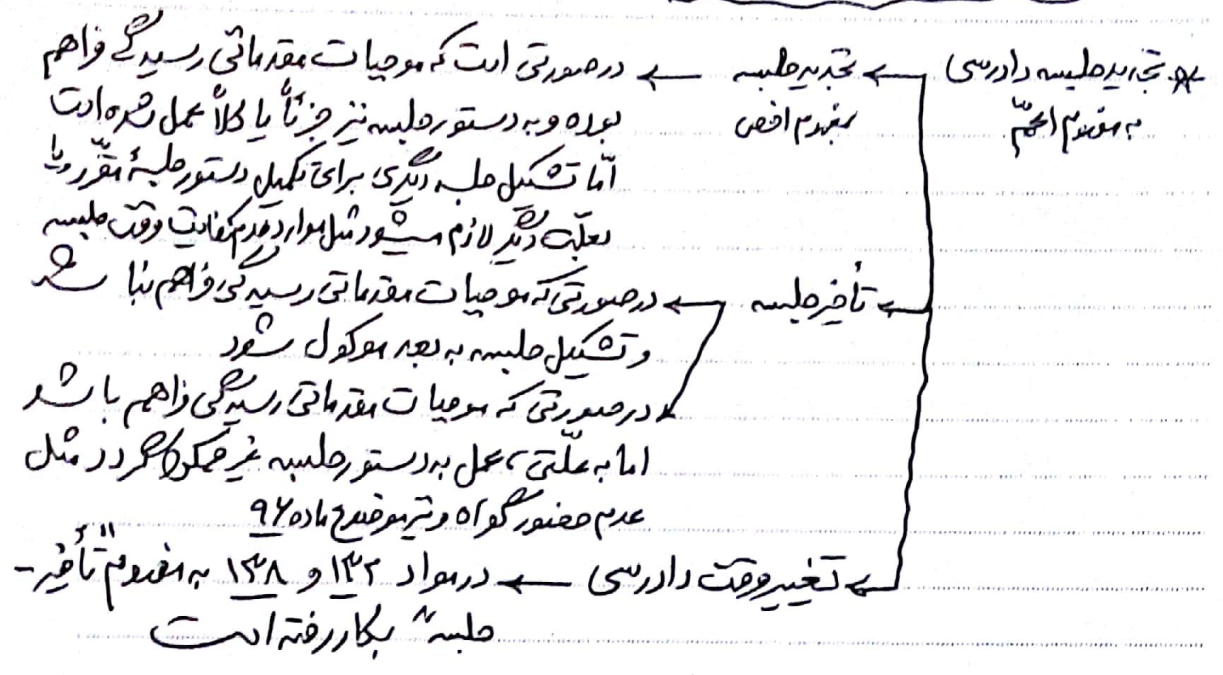
تکالیف خواننده  
(۹۶)

ارائه اصول مستندات استنادی در مقام دفاع در برابر  
درواقبات در اولین جلسه دادرسی، بدانکه خواننده مطالبه  
کمی بذت یا دلائل نمیتواند استناد خود را در جلسه اول  
نماید که در اینصورت می تواند از دنگاه تأخیر جلسه را بخواهد

تکالیف اصحاب دعوا  
(۱۰۳)

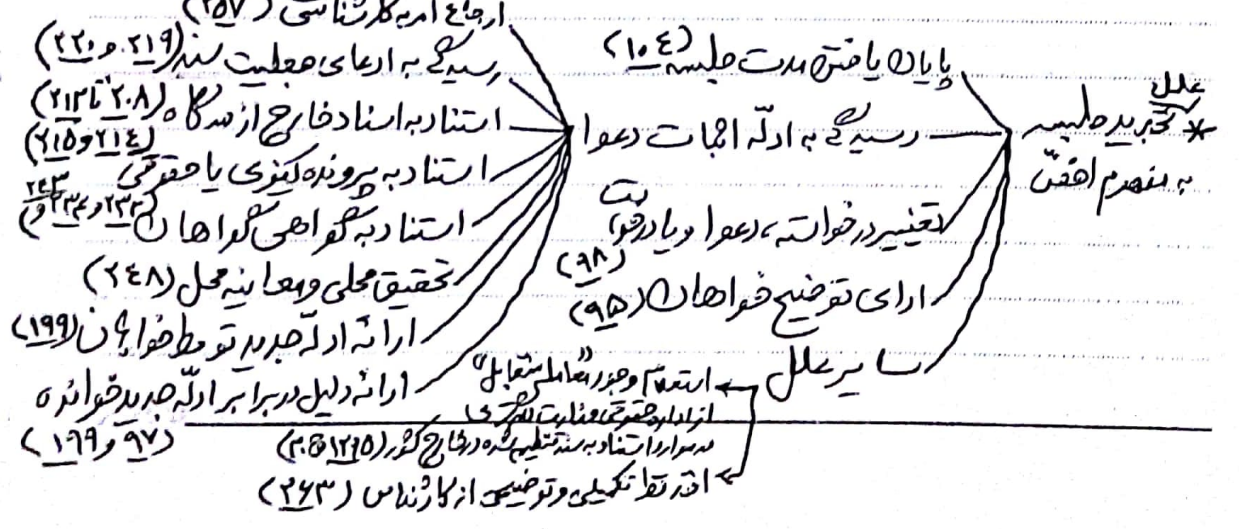
اعدام وجود دعوی مرتبط با دعوی مطروحه، در همان  
جلسه دنگاه یا در شعب دیگر، برای اینکه زمینه رسیدگی  
توأم به همه آنها فراهم آید  
البته مقرر در ماده ۱۰۳، ضمانت اوائلی برای این تکالیف مقرر  
نکرده است

۹ تجدید جلسه دادرسی :



\* اصل لزوم صدور رای قاطع در پایان اولین جلسه دادرسی :

موضوع ماده ۱۰۴ و مواد دیگر، نگاه علی القاعده تکلیف است در پایان اولین جلسه دادرسی رای قاطع صادر کند، هر آنکه به موصیات قانونی، جلسه دیگری لازم باشد که باید علت نیز در صورت جلسه دادرسی نوشته شود، لذا تعیین جلسه دیگر پس از جلسه اول، خلاف اصل بوده و در صورت نیاز به آن، باید علت آن تفریح شود.



\* موارد تأخیر جلبه ← آفتاب دعوی طاری ← مهرداد ۱۷ بر ۹۸ و ۱۳۲ و ۱۳۸ و ۱۴۳  
داررسی

علل منسب به وکیل ← استعفای وکیل ← ۲۹  
فوت یا استعلا یا عزل یا صیغ  
عزل یا تعلیق از وکالت یا از طاعت  
وکیل ضایع یا آنکه توضع لایم باشد  
علل منسب به اصل ← بروز عوامل قدری یا زور (توجه خاصه) ← ۱۰۶  
و نایب و قائم و ولی ... ← فوت و حجر و زوال سمت اصل  
و نایب و قائم ← ۱۰۵

در ضمانت اصحاب دعوا ← در ضمانت اصحاب دعوا ← ۹۹  
یا هر یک از آنان ← در ضمانت خوانده ← ۹۶  
در ضمانت خوانده ← ۹۷

سایر علل تأخیر جلبه ← عدم وصول سینه یا سر و نرد آستانه  
که عمل بر دستور جلبه داررسی مطالبه شده  
صحت جزئاً امکان پذیر باشد ← عدم حضور کارشناس دعوت شده  
که عدم حضور گواهی افسار شده (۲۴۳)  
که تأخیر محل نصب سده گاه و عدم اطلاع  
اصحاب دعوا و عدم حضور آنان

\* تفاوت آثار مرتب بر  
هنگامی که تأخیر جلبه به مقدم افتد  
و تأخیر جلبه  
و تغییر وقت داررسی

در فرض تجدید جلبه به مقدم افتد، صدور جلبه بعد  
دستور جلبه جدیدی خواهد داشت، نمی توان آثار  
جلبه قبلی را بر آن مترتب نمود مگر در مواردیکه دستور  
جلبه بعد همان دستور جلبه قبلی باشد ما الله بحکم  
علت عدم کفایت وقت برابر استماع ادانیه دفاعیات  
خواننده در برابر اضرانست.  
در فرض تأخیر جلبه یا تغییر وقت آن، جلبه بعدی همان  
آثار جلبه به تأخیر افتاده مترتب می شود یعنی ملایم است  
جلبه به تأخیر افتاده، جلبه اول را ردی بوده، جلبه بعدی اول  
محسوب خواهد شد.  
در فرض تغییر وقت داررسی و تجدید جلبه، علت و اهم بودن  
موضوع رسیدگی همان آثار تأخیر جلبه و غیره دارد.

۷) توقیف و ضم دادرسی :

قوت یا حصر اصحاب دعوا یا زائل شدن سمت یا زوالی و

و یا غیره و یا مورثیت

\* توقیف دادرسی ناشی از وضعیت اصولی دعوا یا زائل شدن آنها ← موارد ۱۰۶ و ۱۰۷ دولتی و اقامتی

← ناشی از برعلل ← اناطه ← ۱۹

← انحراف ثالث طاری ← ۴۲۴

← اماره دادرسی طاری ← ۴۴۴

← عدم تمیز وسائل اجزای قرار ←

← تکلیف تأسیس دارند در دعوی ← ۱۰۹ و ۱۴۴  
واهی و دعوی اتباع بیگانه

← ارجاع دعوا به داور ← ۴۷۸  
(اناطه در جریان رسیدگی داور)

با زوال دادرسی به سبب استمرار در فرایند و استمرار دعوا متفاوت است

با زوال دعوا به سبب انصراف کلی از دعوا و زوال حق مورد مطالبه  
تیر فرق دارند

\* ضم دادرسی  
(۲۹۵)  
(و ۱۳۰ و ۵۱۵)

مکنه اصطلاح است و مفهوم آن اینست که درگاه دین از تشکیل جلسه  
یا جلسات دادرسی و بررسی ارجاع و اولاً در صورتی و انجام کلیات و  
اقدامات لازم و تشخیص اینکه دادرسی پایان یافته است، ضم دادرسی را اعمداً  
میکنند و اقدام به صدور و برای قاطع می کنند.

ضم دادرسی یا ضم مذکور است (بندج ماده ۱۸۳) متفاوت است  
چون در ضم مذکور است، اگر چه اظهارات طرفین تا صلح شده و طبعاً رسیدگی  
لذم نیست و له ممکن است اقدامات دیگر مانند ارجاع به کارشناسی لازم باشد  
ضم دادرسی در صورت قضایه با ضم رسیدگی تفاوتی ندارد ولی مقنن  
در ماده ۱۸۳، ضم رسیدگی را در مواردی مانند سازش مطرح کرده است  
و او اثر ضم ندارد. یکی اینکه مهلک باشد بعد از اعمداً ضم دادرسی  
صد اگر طرف یکی صفت را میخاطب و می کند روزی آنکه پس از اعمداً ضم دادرسی  
تا زمان صدور رأی، طرح ارجاع جدید و ارائه دلیل جدید ممنوع است.

# فصل ششم: تصمیبات دارگاهها

\* تصمیبات دارگاهها

- احکام } تصمیبات قضائوتی
- قرارها } تصمیبات (اعمال) حسبی
- دستورهای اداری، گزارش اصدائی و سایر تصمیبات

\* نثره تصمیبات تصمیبات  
دارگاهها، شرح فرق،  
تخصیص این است که:

که امیک از تصمیبات، اعتبار از تفاوت شده دارند؟  
بر که امیک قاعده فرائخ را درس بار می شود؟  
که امیک قابل حکایت می باشند و همی تقوان آنگاه را  
موضوع دعوی بطوان وارد دار؟

## ① احکام:

۱-۱ \* حکم دارگاه (مقتضی) ← معنوم ← رأی که موضوع آن، اختلاف مطرح شده، فصل می شود (۱۹۶)

در امور تراغیبی باشد نه امور حسبی

از دارگاه (اعمال از بدوی و غیره بطر و عمومی و مختصی) مدار می شود

لذا، تصمیبات راجع راوری، رأی است نه حکم، و تصمیبات راجع راوری  
تیر رأی بمعنی لغوی آن است، اما رأی دروان عدالت اداری  
اگر چه در دادگاه است، موضوع ماده ۱۱ قانون بر بوطه، با وجود در اطلاق، حکم  
نا سیده راجع است.

۳ راجع به ماهیت دعوا باشد [ماهیت دعوا = شامل کلیه امور موضوعی  
است که برای روشن شدن اصل آن، مورد رسیدگی، اواز و دستور دارگاه قرار  
می گیرد و لذا شامل امور قانونی "لی رفر" من علاوه بر حکم، قرار بانی مانده و کار  
کارزناسی، و آرایان شوند و نظر محقق عملی هم راجع به ماهیت محده می شود]

۴ قاطع دعوا باشد جزئاً یا کلیاً یعنی با صدور آن، کلیه دعوی مطرح در راجع  
در دادگاه منقضی شده و در راجع از آن هیچ طلبی وجود ندارد و فرقی نمی کند  
که اصل اختلاف را فصل کند (فهم محکمیت) یا قضا را قرار دهد (و تیر فرق  
نمی کند که رأی صادره قابل اعتراض باشد یا غیر، چون رأی قاطع" با رأی قطعی" متفاوت است.



(۱-۲)

پانزدهمین اجلاس (ص ۲۹۲)

رای قاطع دادگاه (احتمالاً از ضمن دو قاطع) باید پس از اعلام قطع دادرسی  
و در اکثر ظرف یک هفته استناد به لفظی که در ماده ۲۹۲ ق.ا.م.ا.د  
بازرسی برسد اما تقدیر قرار؟ غیر قاطع مابین قرارگرفتنی و تحقیق  
محلی و معاینه محلی، قطع دادرسی اعلام نمی شود و در دادرسی اراده می یابد  
که رای قاطع به گناه معمولاً با حفظ دادرسی در فرم های مخصوص (صورتجلسه)  
نوشته می شود و در تمامی اعدادی که معمولاً به همین ترتیب است  
رای قاطع گناه باید دارای سه بخش باشد: بخش مقدمه رای، بخش  
اسباب و نتیجه و بخش نتیجه

رای سنگین نباید بصورت عام و کلی باشد بلکه باید مشخص  
باشد پس ضرورتاً اراده گناه یا همه عناصرین باید فعلیه و کثرت  
مکلفه باشد تنها نسبت به دعوی مطرح و در این احوال آن بطور خاص  
تعیین نگذرد (اراده می) و باید مستدل و مستند به قانون یا شرح باشد (۲)

(۱-۳)

مقدمه رای (ص ۲۹۳)

مقدمه رای (ص ۲۹۳)  
مقدمه رای از ادعای، دفاعیات، ادله و استدلال آنها  
اسباب موضوعی، جهات استناد و ترجیح دادن استدلال و مستند ادعای  
ادله و دفاعیات یکدیگر احوال دعوی و بیان  
جهات و اسباب حکم مستند به نتیجه رای  
نتیجه: منظور از مقدار رای که حسب مورد: موضوع همه اکتفا رفت  
طرفین به وجهی که فضل می شد

(۱-۴)

توزیع یا کنوس حکم (ارزانه) (ص ۲۹۷)

رای سنگین باید ظرف ۱۵ روز پس از صدور، یا کنوس شود  
(بصورت ارزانه در آن) و به اعضای دادگاه  
دادگاه برگ چاپی مخصوص است که وزارت دادگستری که  
در اختیار دادگاهها قرار می دهد تا آرای قاطع را حکم  
و قرارها قاطع حتی قرار رد بلا فرات رفتن روی آن تاپ  
و یا کنوس شود و به اعضای دادگاه

(۱-۵)

\* ابلاغ حکم (۲۰۰)

رای قاطع دستگاه (صمیم و وزیر قاطع) باید پس از بداند نامه حکم و ابلاغ توسط بلدین، صبح بعد به اجواب دعوا، و کلاً یا تا رسیدن آن بنا بر ابلاغ

بعد از وقت می تواند از نامه را قبل از ابلاغ توسط دارین، به کسی تسلیم کند (۲۰۱)  
به ابلاغ داران حکم است بصورت حضوری در دفتر دستگاه (در صورت حضور طایفه)  
و یا از طریق مأمور ابلاغ انجام شد، و روش ابلاغ آن طایفه ابلاغ سایر  
اوراقی هستند است (۲۰۲)

به ابلاغ رای به وکیل در صورتی که اولاً تمامه دعوا یا دفاع، جزاً یا کلاً  
توسط وکیل دریافت و تا روز اعلام حکم در دادی حکم او را بطلان نشود  
ثانیاً طبق فکالتنامه، حق درسی و دفاع در دستگاه با اقرار داشته باشد (۲۰۳)  
ثالثاً صنایع لزوم است در دستگاه با اقرار نبوده و یا وکیل در وکیل باشد  
به ابلاغ رای در صورتی که به شکایت قانونی او اولی یا غیبت انجام شود  
به ابلاغ رای در صورتی که بخانه یا وکیل مسافر دولتی که لایحه صورتی  
معمولی کرده اند (۲۰۴) به وزارتخانه و انجام میدهد نه به لایحه صورتی  
به ابلاغ رای به محمد الکحل از طریق افسار در روزنامه است (تقریباً ۲۰۵)

(۱-۴)

\* اعلام رای (۲۹۵)

اعلام رای در حکم دارینی، با ابلاغ رای متفاوت است  
به ابلاغ رای در اثر سهم دار و یکی اینکه تاریخ ابلاغ بداند، آغاز مهلت  
شکایت اصلی از رای است زیرا آنکه هم حکم یا قرار را می تواند اود  
که در هر آنکه به ارضیه ابلاغ شده باشد، اما اعلام رای هیچکدام از این  
آنها را ندارد

(۱-۷)

\* تصحیح حکم (۲۰۹)

در موارد حقوقی است مانند اینکه واژه ای کم یا زیاد نوشته شده، نام مشخصات  
اصی و غیره اشتباه و یا فایز نوشته شده و یا در محاسبه محکم کم به اشتباه شود  
که تا وقتی که از حکم در خواست تجدید نظر نشده، توسط دستگاه بدوی، در غیر این صورت  
توسط دستگاه تجدید نظر، رأی یا به در خواست ذی نفع تصحیح میشود  
به تسلیم رای اصلی بدون رای تصحیحی ممنوع است  
به و یا غیره اصل حکم یا اوراق قاطع دعوا قابل اعتراض است، تجدید نظر یا انجام باشد، تصحیح آن  
در مدت قانونی به همان شکل قابل اعتراض است و لذا رای تصحیحی باید ابلاغ شود

۸-۱  
\* آثار حکم

توان اجرائی ← اگر چه حکم دارای اثر نسبی است و تقیاً نسبت به محکوم علیه  
یا قائم مقام او قابل اجراء می باشد، اما مع الوصف حکم مدگاه  
بعضی دلایل، حتی علیه اشخاصی غیر از محکوم علیه و قائم مقام او  
قابل استناد است، وقتی در مواردی، تقسیم علیه شخص ثالث  
نیز قابل اجراء می باشد، مانند حکم ذلوع در زمان غیر منقول و حکم  
استرداد مال منقول از ماده ۴۴ قانون اجرائی احکام مدنی

توان اثباتی ← حکم مدگاه چون تصرف ماهر رسمی (قاضی) در حدود صلاحیت او  
و طبق مقررات تنظیم مسیور، لذا به استناد ماده ۱۲۸۷ ق.م.  
تسه رسمی است و از رتبه اثباتی سایر اسناد رسمی را دارد

فراخ دادس ← طبق ماده ۱۵۵ قانون آ.ا.ا.م. ق.م. و ماده ۸ قانون جدید  
مدگاه پس از امضای رأی، حق تغییر آنرا ندارد مگر در مواردی  
که قانون تصحیح کرده است مانند: (۱) تصحیح رأی (۲) رفع ابهام و  
احوال از رأی (۳) واخواهی از رأی عیناً (۴) اقراف مشورتاً است  
که اعاده دادس

اعتبار محکوم ← این اثر، یکبار و غیر متناهی اصلی و استثنائی حکم است که هیچ  
(اعتبار موقفاً و غیره) سه صادره از مقام اداری، ندارد و بر اساس آن، اقامه دعوی  
دعوی از صدور حکم و قطعیت آن ممنوع است (بنده ماده ۸۴)  
قابلیت شکایت ← احکام و قرارها قاطع می توانند حسب مورد در بعضی موارد  
طریق شکایت از آراء قرارها (۱) واخواهی (۲) تجدید نظر  
(۳) فرجام (۴) اعاده دادس (۵) اقراف مشورتاً است

غیر قابل ابطال بودن ← برخلاف سایر اسناد اعم از رسمی و عادی که امکان طرح  
دعوی بطلان آنها در مدگاه وجود دارد، رأی مدگاه حسنین  
قابلیتی ندارد و نمی توان دعوی به فواته بطلان رأی مدگاه  
اقامه کرد و مقتضای رأی مدگاه برای ابطال آن باید اقدام به  
طرح شکایت منسب (واخواهی) تجدید نظر یا (۱) بنده ماده ۱۲۸۷ ق.م.ا.  
«غیر قابل ابطال بودن» فقط شامل احکام و قرارها است و شامل  
تصمیمات صبی (مثل گواهی ضرورت و تقسیم ترکه) و سایر تصمیمات  
مدگاه (مثل گزارش احمدی) نمی شود

\* تعقیبات احکام : حکم اعلای و حکم ناسبی

حکم اعلای را در گاه و وضعیت فقوئی جدیدی ایجاد  
نمی کند بلکه وضعیتی که در گذشته وجود داشته که  
موضوع آن از واحد ۲ و آثار قانونی در محصوره  
فراشته قرار دارد بر آه ترتیب شده اما حکم به حکم  
فراشته به طور اخص مبلغی بابت این گذشته و حکم به رفع  
تصرف عدوانی و حکم به الزام خواننده به انجام تعویبات تعلق  
نند پس انتقال و حکم به تخلیه بدو ...

(احکام سنگاها معمولاً احکام اعلای اند)  
حکم ناسبی را در گاه و وضعیت جدیدی به وجود می آورد  
مانند حکم ورشکستگی تا جایی که وضعیت حقوقی  
جدیدی (ورشکستگی) برای تاجو ایجاد می کند ضمیمه  
تاجو قبل از حکم ضروری استوقف بوده، اما آنها با صدور  
حکم ورشکستگی، ورشکسته محسوب می شود و مانند  
حکم افسار و حکم محجور و حکم ایبات نیست و ...

(احکام سنگاها به ندرت احکام ناسبی اند)  
حکم اعلای و حکم اجرائی مطابق ماده ۴ قانون اجرای احکام مدنی در مواردی  
که حکم سنگاه جنبه اعلای داشته و مستلزم انجام  
عملی از طرف محکوم علیه است از قبیل اعیان  
اصفالت یا مطالبه سنده اوانه صادر نمی شود

حکم اعلای و حکم اجرائی

حکم ضروری و حکم غیای

(۲۰۲)

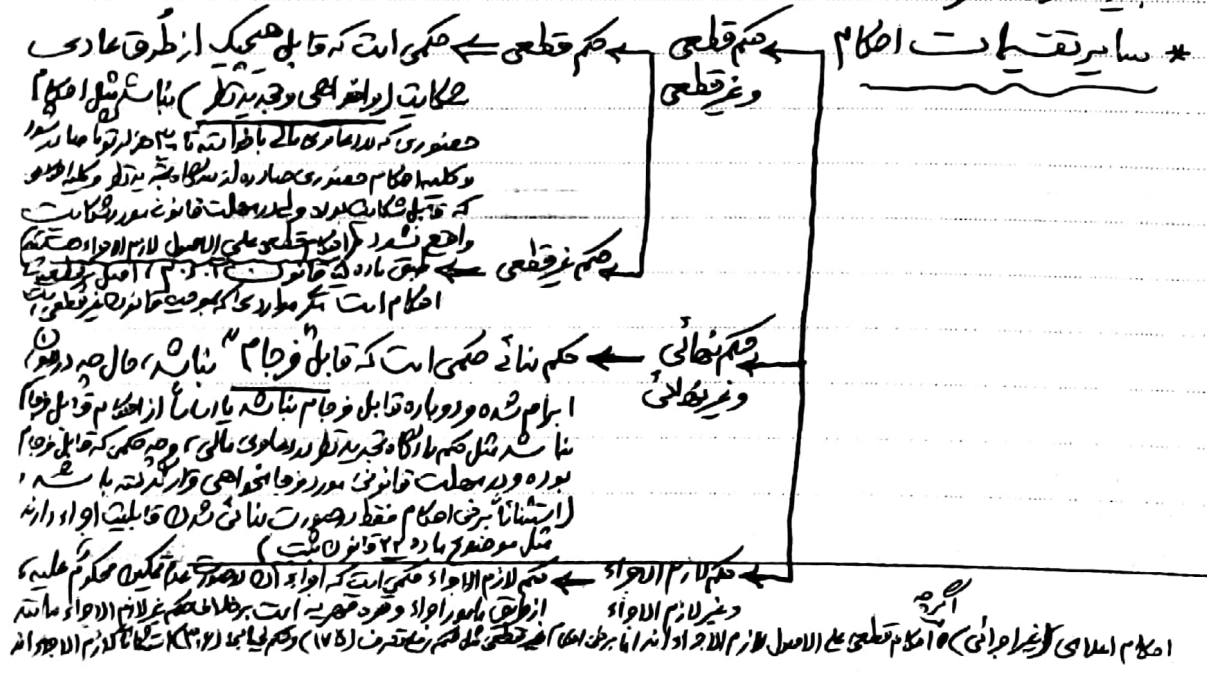
در فرضی که دعوا بین خواننده دارد علیه  
حضری و غایب اجرائی، در ماده ۳۰۳  
مطرح شده است  
در فرضی که دعوا بین خواننده دارد علیه  
وضعیت ضروری و غیای بودن برای نسبت هر  
یک از خوانندگان بر روی و تفکیک شود  
حکم غیای در هر دو صورت تعلق می گیرد ضروری خواننده در هر دو  
به دور ضروری نمی گوید چنانچه حکم به روی در چندین نفر صادر  
خواننده دو کیلانی در هر دو طرف حاضر باشد و خواننده در هر دو طرف حکم نگیرد این رای غیای است

\* معیارهای تشخیص حکم عینایی : (۲۰۳)

- ۱- از میان آراء و مذاهب فقط احکام عینایی است و نه قرارها، و قرار در حکم عینایی محسوب
- ۲- اصل بر حضوری بودن احکام است و عینایی بودن استثناء است و در موارد تردید باید در صحت اصل کرد
- ۳- فقط احکام سه گانه در امور تراخی، حضوری و عینایی دارند و در همه سه گانه در امور حسی، عینایی بدون مستثنی است
- ۴- عینایی بودن حکم، مربوط به وضعیت خواننده است و الا حکم سه گانه نسبت به خواننده همانند حضوری است
- ۵- حکم نسبت به خواننده در صورت عینایی است که به ضرر او و علیه او باشد و الا اگر به نفع او باشد در صورت حضوری است
- ۶- اگر خواننده حتی در یک طایفه از آنگاه حاضر شود، حکم سه گانه حضوری است
- ۷- اگر خواننده حتی یکبار دفاع کتبی نموده باشد (لا محذور خاصه) برای بررسی در جلسه دادگاه، حکم سه گانه حضوری است
- ۸- اگر در جلسات و وقت دادگستری به خواننده ابلاغ واقعی شده باشد، حکم سه گانه در مهال حضوری محسوب میشود.

بنابراین:

- \* اگر خواننده در هیچ یک از جلسات دادگستری حاضر نشده و بطور کتبی نیز دفاع نکرده باشد اما نامه خوانندگی به او ابلاغ واقعی شده باشد، حکم سه گانه در مهال حضوری خواهد بود
- \* اگر آگاهی واقعی خواننده از دادخواست به طریق دیگری غیر از ابلاغ واقعی اظهار به او از سوی دادگاه محترم صورت گرفته باشد و یا مطالب روشنی که در لایحه تقدیم به دفتر سه گانه (نه دفتر آنگاه) واضح و مربوط به مسأله جنبی دادگستری از قبیل دستور وقت و تأمین خواننده) مطرح کرده و گویای اطلاع واقعی و از نامه خوانندگی است (هر چند لایحه تقدیم به دفتر سه گانه و مربوط به جلسه دادگستری نبوده) حکم سه گانه باید حضوری شمرده شود.



۲) قرارها :

۲-۱) مفهوم و معیار ← مفهوم ← قرار به تصمیمی (عملی) گفته می‌شود که رای محسوب شده و فقط راجع به ماهیت دعوا بوده (قرار کارشناسی)، یا فقط قاطع دعوا باشد (مانند قرار رد دعوا) و ماهیتی از شرط ضروری برانداخته باشد (مانند قرار تأمین ضامن).

معیار حکم ← اگر رای دادگاه هم در ماهیت دعوا باشد و هم قاطع آن (هر دو شرط را با هم داشته باشد) حکم محسوب می‌شود. لذا از یکبار این شرط ماهیتی از آثار آنرا نداشتن باشد، قرار تلقی می‌شود.

قرار ← مقصود در صورتات مختلف، مواردی را که عمل دادگاه باید در قالب قرار صادر شود، پیش سنی امور است مانند قرار تأمین (۱۱۲)، قرار ابطال راضیات (۱۰۷)، قرار کارشناسی (۲۵۷)، طراریات (مؤید ۶۷)، بنابراین معیار قرار تصحیح یا تلویح قانون است.

تقسیم ساله قضات ← تنهات (احمال) مختلفی مانده تجربه در جلسه که تا هر طریقه، مطالعه استاد، مطالعه پرونده استنادی خود، که همگی عمل قضایی آن در قالب قرار پیش سنی است.

۲-۲) انواع (تعیین) قرار  
قلمی و غیر قلمی ← از حیث قابلیت تجدید نظر  
لغوی و غیر لغوی ← از جهت قابلیت فرجام  
باعداری (مقتضای) و قاطع دعوا و شبه قاطع ← از جهت کارکرد  
سری و آردها ← قرارهای قبولی و اضروری

قرارهای موقت  
توضیحات ← صیغات (عربی)

**\* قراردادهای اعداری**  
(مقدمه ای)  
(تخصیصی)

مصرفم ← برای این موارد میشوند که سود را آمواد صدور  
رای قاطع نموده

مذائق ← قرار قبلی (تخصیصی) ← در مواردی صدور قرار اعداد  
یعنی آنست که نگاه بعمل استحقاق فواید را  
اعزاز نموده و صدور قرار فقط برای تعیین مبلغ یا میزان  
حقوق وی باشد، مثل قرار کارشناسی در مورد مطالبه  
اجرت البی، برای تعیین میزان اجرت البی  
← قرار ساره ← در مواردی که صدور قرار اعداری، ترمین  
بر سر چیزی فوایدی باشد، مثل قرار کارشناسی  
در مورد ای تخلیه بابت تقدیر و تفریط، براتر تشخیص وجود یا  
عدم تقدیر و تفریط

مذائق ← قرار تحقیق محلی ← مدار ۲۴۸ به بعد  
که قادر معاینه محل ← مدار ۲۴۸ به بعد  
که قرار کارشناسی ← مدار ۲۵۷ به بعد  
که قرار ابطال سوگند ← مدار ۲۷۰ به بعد  
که قرار تطبیق با انبار مسلم الصدور ← مدار ۲۲۵  
که قرار اناطه ← مدار ۱۹

مذائق ← قرار اعداری ← قاعده در میان دادی و بین که اعدای فتح  
آن مدار میشود هر چه صدور قرار کارشناسی در اول امر محسوس  
رایج است  
که برای هر بار صدور قرار محول و عمل بعمل به فواید دادی و تطبیق  
موضوع قرار زمان امکان و شیوه اجرای قرار مجوز قرار و محسوس  
کننده فرض شده است تعیین نمود  
← با کمترین (زاد نام) نمی شوند چون ابداع نمی شود و مستحق قابل  
شکایت نمی باشد و با کمترین آمار تیر و در آن زمان خارج کشور  
قرار اعداری (قولی) کتبی می باشد و مستحق می شود (۱۳۸۷ ق. ۲۰)

مذائق ← قرار اعداری ← قاعده فرایغ دارد پس نمی شوند  
از اعداد را در قضاوت شده بر خود اعدای  
اعدا بطلان و ابطال آنها قابل طراح و رسیدگی در دستگاه است و فقط  
طریق ترمین و شکایت اعدای اعدای می باشد و مستحق  
قابل شکایت نیستند و متقاضین شکایت اعدای اعدای قابل شکایت

قراریهای قاطع دعوا ← مفهوم ← قرارها هستند که با صدور آرای پرونده از دادگاه در رسیدگی کننده به دعوا

خارج دستور و از این جهت با احکام است که

قراریها در صورتی است که دعوا، پیش از صدور حکم، از اهل دعوا از قبیل:

- ۱- زایل شدن حق اصلی یا صرف نظر کردن از آن (بندج ۱۰۷)
- ۲- زایل شدن حق اصلی یا جمع شدن آن و عدم امکان تحقق آن (بندج ۱۰۷)
- ۳- زایل شدن حق اصلی یا فوت یک از اصحاب دعوا در دعوی صلحی
- ۴- صرف نظر کردن کلیه احوال از دعوی خود (بندج ۱۰۷)

مصادیق

→ آثار

۱) دارای توان انجامی اند و مستحق رسیدگی هستند

۲) مستحق قاطعیت دعوی می باشند

۳) از اعتبار اختلاف منقطع و برقرار است

۴) امکان طرح دعوی ابطال آنها در دادگاه وجود ندارد و فقط قابل شکایت است

قراریها در صورتی است که موارد متعددی دارد، از جمله موارد استناد شده در بندج ۱۰۷

قراریها در صورتی است که دعوا با توجه به سایر موارد در دادگاه

سایر موارد، غیر قابل استماع باشد، یعنی در مواردی که رسیدگی به ماهیت دعوا، به علت مانعی که وجود دارد، مجاز نیست یا بجهت استمانه مطالبه وجه ناشی از قرار که باید به استناد ماده ۶۵۴ ق.آ.ا. و در عدم استماع مدارک و مانع آنکه خواننده در تاریخ تقدیم درخواست، فوت نموده باشد که به استناد ماده ۶۵۴ ق.آ.ا. قرار عدم استماع صادر می شود

\* تفاوت قرار رد دعوا و عدم استماع دعوا:

قرار عدم استماع در صورتی صادر می شود که مقنن در آن مقصود قرار رد دعوا پیش بینی نکرده باشد. اما مع الوصف هیچ تفاوتی میان آثار این دو قرار وجود ندارد و لذا - صدور هر یک میبایستی از نظر اعتباری برابر و همسوی که آنها اعتبار را محقق می نمایند

قراری ابطال در صورتی است که صدور حکم مستلزم انجام اقدامی که قانوناً

موجب آن شده است اما خواننده آن اقدام را نکرده باشد مانند مواردی که در بندج ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹ و ۱۰۰ ق.آ.ا. ذکر شده است. همچنین در موارد استناد در بندج ۱۰۷ مضمون بند لاف ۱۰۷، قرار ابطال در صورتی صادر می شود که این قرار همواره از سوی دادگاه صادر می شود

\* تفاوت ابطال از خود و قرار رد دعوا:

۱) قرار ابطال در صورتی صادر می شود که خواننده آن اقدام را نکرده است، اما قرار ابطال در صورتی صادر می شود که خواننده آن اقدام را کرده است (بندج ۱۰۷ و ۱۰۸)

قراری در صورتی است که در مواردی صادره از دادگاه است مثل قرار رد دعوا

در صورتی که نشانی نامین دعوی واهی (۱۰۹) و قرار رد دعوا واهی (بندج ۲۰۶) و قرار رد دعوا تجدید نظر (بندج ۲۰۷) و قرار رد دعوا در صورتی که مدارک موضوع مورد

\* تفاوت قرار رد دعوا و قرار ابطال:

۱) قرار رد دعوا در صورتی صادر می شود که خواننده آن اقدام را نکرده است، اما قرار ابطال در صورتی صادر می شود که خواننده آن اقدام را کرده است (بندج ۱۰۷ و ۱۰۸)

قراری در صورتی است که در مواردی صادره از دادگاه است مثل قرار رد دعوا

در صورتی که نشانی نامین دعوی واهی (۱۰۹) و قرار رد دعوا واهی (بندج ۲۰۶) و قرار رد دعوا تجدید نظر (بندج ۲۰۷) و قرار رد دعوا در صورتی که مدارک موضوع مورد



روز ۵

\* قرارهای شبه قاطع: ← مضموم ← قرارهایی هستند که با صدور آگهی یکبارگی از وضعیت زیرمادری

۱) یا پرونده از گردش رسیدن خارج میشود آنکه از طلا گاه خارج

شود (مانند قرار عدم اهلیت یک لفظیه)

۲) که با صلح پرونده از سه گاه خارج شود (طرح پرونده برای رسیدن

به شعبه یا از گاه دیگری ارجح شود (مانند قرار عدم اهلیت و

قرار امتناع از رسیدگی)

← مصدق ← قرار عدم اهلیت ← این قرار بعنوان یکی از ایرادات دادری در شبه

یک لفظیه (ماده ۸۴ مطمح رسد که خداوند نسبت به خواهان صلاح  
۳۳۲ و ۳۶۷)

بسی کند و ضابطه ایراد وارد باشد طبق ماده ۸۹

قرار رد دعوا که قرار قاطع دعوا است صادر میشود

پس در فرض عدم اهلیت خواهان قرار عدم اهلیت

صادر می شود و یک روز ۳۳۲ و ۳۶۷ قرار عدم اهلیت

در مورد هر دو طرف دعوا مطمح رسد است که از اجرای

شبه قاطع است ← این قرار نیز بعنوان یکی از ایرادات دادری

در شبهه ۱ ماده ۸۴ مطمح رسد که لفظیه

خداوند مطمح رسد و در صورت وارد بودن

طبق ماده ۸۹ قرار عدم اهلیت صادر می شود

← قرار عدم اهلیت مستقلا قابل شکایت نمی باشد

و به همین جهت در صورتی که در اول تنظیم آن

به شکل دادنامه صورت گرفته باشد هر چند معمولاً

با این توجه که پرونده از سه گاه خارج میشود به شکل

دادنامه تنظیم می گردد ← قرار امتناع از رسیدگی

در موارد ایراد از رسیدگی (۹۲)

که در موارد مجبور به رد دعوا و خلاف مطمح

دائمی قانون (تقریباً ماده ۳)

که در موارد ایراد امر مطمح رسد (۸۶)

که در موارد رسیدگی گانه حقوقی با صدور قرار

امتناع از رسیدگی اگر چه پرونده از شعبه نگاه

رسیده گفته خارج میشود اما بهای مطمح

در شعبه نگاه نگاه مطمح رسد و یا در نگاه مطمح

صدور رسیدگی قرار می دهد

\* سایر قرارها: قرارهای قبلی ← مانده قرار قبلی را بصورت واضحی (۳۰۶)  
و قرار قبلی اعاده الیه (۴۳۵)  
که در برگ صورت تجلیم نوشته شده است و چون  
مستقلاً قابل شکایت نیستند به همین دعوا  
ابداً نمی رسوند و یا کمترین اضرار نامی کردن آنها  
ضرورتی ندارد

قرارهای موقت ← قرارها آن هستند که باز پس رفتن شرایط صدور آنها  
بسیار استمرار و بقای آنها توجیه نباید مانده قرارهای  
فوری (۱۰۸) و قرار دستور موقت (۳۱۰)  
این قرار هم اثری نسبت به ماهیت دعوا ندارد  
یعنی ملائکه تقاضای توقیف علی بن محمد صدر و قرارهای موقت  
فواهیان را در ماهیت محکوم است  
ملازمه قرارهای موقت، قرارهای تأخیر و توقیف اموال است  
(مواد ۳۰۶، ۳۸۶، ۴۲۴ و ۴۳۷)، آثار این  
قرار مانده سایر قرارها موقت است یعنی مستقلاً قابل  
شکایت نمی باشد و یا کمترین اضرار نامی و ابداع  
آنها بطرف ضرورتی ندارد بلکه قرار باید توسط  
رئیس غیاب جمع صادر شده اوست و یا باید به شرح  
دستی صلح شده که در آن صورت باید یا کمترین شده

۳ اعمال (تقریرات) حسبی :

\* تقریرات نگاه: تقریرات قضائی ← در امور تراجمی (و صدور اختلاف و تراجم و طرح آن در نگاه)  
تقریرات حسبی ← در امور غیر تراجمی که مستلزم مذاکره، اقدام و تقسیم است  
سه نگاه است (۱) باره یکی قرار است (۲) قرار حسبی (مانند نگاه امور صدور است  
و تقسیم ترکه، البته اگر در تراجمی امور حسبی قرار گیرد، موضوع تراجمی  
مانند اختلاف در نسبت یا اقداف در مالکیت مطرح شود، رسیدگی به آنها  
باصح امور تراجمی است و تقسیم نگاه دارای اعتبار حقوقی است  
تقریرات حسبی، گاهی بصورت حکم است مانده حکم تراجمی (۴۷ و ۱۰۰ ح)  
و گاهی بصورت قرار مانده قرار هم و هم ترکه (۱۳۲ و ۱۳۱ ح)

۴ دستوره‌های اداری :

\* دستوره‌های اداری ← تصیلات اداری یا ادار اداری هم معروف اند  
 مانند دستورالعملی ابداع دارقضاوت در روزنامه (۷۳)  
 و دستور افواج افعال کسه گان نظم لب (۱۰۱)  
 در حقوق ایران، وزیر معارف با مساعده بکار رفته است مانند دستور وقت و دستور  
 توقف اجرای حکم، دستگادهی تواند رأساً و بدون آنکه طرفین رضایت کرده باشند  
 دستورها در کتبه  
 صدر در دستور اداری مستلزم رسیدگی تراجمی و مناظری نیست  
 این دسته از اعمال سه گانه استند، قابل شکایت نمی باشد  
 علی القاعده مربوط به اختیارات صلاحی است که گاه هسته بصورت بازتاب  
 تنظیم نمی شوند، اعتبار امر قضاوت شده ندارند و اصول قاعده فایده دار اداری

۵ گزارش اصلاحی :

\* گزارش اصلاحی (۱۷۸-۱۹۳۶)  
 اگر چه این نوع دعوا در عهد اختلاف و دعوی بطرفه سازش و مهلت کتبه و طرح  
 از طرفین از محلی اند اما با رفع حشمت و شکایت و از حد گذراندن که تراشیدی که  
 برای بنیان تنظیم امور و راتسب نماید، صورتی است که در این خصوص  
 تنظیم و به ارضاء طرفین و دلزدن می رسد، گزارش اصلاحی نام دارد  
 بر اساس مقررات هر کسی می تواند پیش از اقامه دعوا از حد گذراندن سازش  
 کند (۱۸۹)  
 آرزو سازش در حد گذراندن و یا صحت سازشانه غیر رسمی که خارج از حد شکایت واقع  
 شده، در حد گذراندن امور از طرفین قرار گیرد، حد گذراندن را فتح و صلح  
 به حد و سازش اصلاحی می نامند که مقدار آن نسبت به طرفین و در مقام آسانا و معین  
 بوده و مانند احکام سه گانه به موقع اولی گانه است  
 گزارش اصلاحی رای شمرده می شود زیرا به شکل دلزدن محسوب است و اعتبار امر قضاوت شده  
 و قابل تجدید نظر و سایر طرق شکایت از آن آزاد نمی باشد، اما مانند هر سه دعوی یا رسمی دیگر  
 موضوع دعوی منقطع و بی اعتباری قرار می گیرد (بنده ۱۲ ماده لا قوت روح ی ود)  
 البته اگر کیفیت توافق اصحاب دعوا به نحوی باشد که حد گذراندن آن حکم واقعی  
 صادر کند که در امری منقطع قضاوت و دعوی است اما به وجهی باشد، آثار آن با سایر  
 احکام یکسان است یعنی اعتبار امر قضاوت شده و اصول قاعده فایده دار اداری و قابل شکایت است

## ۶) تصمیحات ساده قضائیه :

تصمیحات ساده قضائیه به تصمیحات ساده ای که نگاه در امور ترافضحی می گردد مانند تجدید طلبه رازری و مانند تجدید بوعقد قضائیه و مانند اعطای مهلت جدید و ...

تصمیحات مربوط به ادله اثبات دعوا مانند استماع گواهی و گواهی ها و ...

۱) آثار و اثر (از اعتبار امر قضاوتی و غیره بر قوای رازریسته

۲) معطلی قاعده فراخ رازری نسته

۳) مستقلاً قابل شکایت نمی باشد

۴) قوای تصمیحات به اخصا به دعوا اطلاق نمی شود

۵) نمی تواند موضوع دعوی قضیه و ابطال قرار داد

۶) غیر قابل مرور است چون بر خلاف دستورالعمل اداری، باید مستدل باشد، لذا عدول از آن نباید باید مستدل باشد و عدلی بدون علت جدید و عادت امکان ندارد و تخلف انتظامی